دکتر احمد توکلی

خبرنویسی پیشرفته

به زبان ساده



بسم الله الرحمن الرحیم

چاپ اول
۱۳۸۹

دکتراحمد توکّلی

خبرنویسی پیشرفته

به زبان ساده

سبک‌های جدید، فیچرهای خبری

نشر ثانیه
saniehpress

احمد توکلی

خبرنویسی پیشرفته

به زبان ساده

● قیمت: ۴۵۰۰ تومان ● حروفچینی و صفحه‌آرایی: گل‌آذین

● **چاپ اول:** تهران، ۱۳۸۹ ● تعداد ۱۱۰۰ ● **لیتوگرافی و چاپ:** کانون

شابک: ۳-۷-۹۵۸۹۴-۹۶۴-۹۷۸ ISBN:978-964-95894-7-3

فهرست‌نویسی فیپا........

ـ توکلی، احمد، ۱۳۳۶

ـ خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده، سبک‌های جدید، فیچرهای خبری/احمد توکلی

ـ تهران: ثانیه، ۱۳۸۸.

ـ ۲۵۶ ص.: مصور، جدول

ـ شابک: ۳-۷-۹۵۸۹۴-۹۶۴-۹۷۸

ـ ISBN:978-964-95894-7-3

ـ کتابنامه: ص [۲۴۷]. / نمایه

ـ موضوع: روزنامه‌نگاری، نویسندگی، خبرنگاران و خبرنگاری

ـ رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۲ خ ۹ ت / ۴۷۷۵ / PN دیویی: ۰۷۰/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۳۹۳۵

تهران، سعادت‌آباد، خیابان علامه جنوبی، روبروی دانشگاه

علامه طباطبایی، خیابان حق‌طلب شرقی، پلاک ۲۰

انتشارات ثانیه، تلفن: ۰۹۱۲۳۰۹۵۴۵۱

www.saniehpress.ir

فهرست مطالب

بجای مقدمه

۱. ایـن کـتاب در نگـاه اول، مـمکن است بـه دیـدِ مـخاطب حـرفه‌ای کارآموخته، مبتدی به نظر برسد، چراکه از همان ابتدا با تشبیه خبر به شکلات کاکائو و بعد هم تشبیه کار خبرنگاری به پخت وپز مـاهی، ظاهراً مخاطبانی را هدف قرار داده است که هیچ آشنایی با مقوله خبر ندارند ـ البته این مخاطب هم مورد هدف است ـ در حالی که مطالعه و تداوم و پی‌گیری کتاب به مرور به ما نشان می دهد که اگرچه زبان کتاب ساده و با مثال‌های زندگی روزمره بیان شده، امّا در نهایت سعی شده است، اصول درست‌نویسی خبری با توجه به پیچیدگی‌های کار خبرنگاری در این حوزه آموزش داده شود.

۲. در بخش ارزش‌های خبری ـ بدون آنکه ادعای مکاشفه‌ای در میان باشد ـ جدولی ارائه شده است که امیدوارم بویژه از سوی همکاران مطبوعاتی و دانشگاهی ارزش تامل و توجه را داشته باشد. در توضیح آن لازم است به این نکته اشاره کنم که ارزش‌های خبری اگرچـه در ایران هفت مورد تـعریف و تـایید شـده است (شـهرت، فـراوانـی و بـزرگی، درگـیری، مـجاورت، عـجیب و استثناء بـودن، تـازگی و دربرگیری) امّا همان طور که اهل فن می‌دانند، این تعداد در همه جا و در همهٔ تعاریف کلاسیک دنیا پذیرفته و تعداد آن بسته شده نیست.

مثلاً برخی تعداد این ارزش‌ها را بیشتر از این می‌دانند و بر ارزش‌هایی مانند پول، روابط انسانی، مسائل انسانی و ... تأکید می‌کنند.
باید اعتراف کنم طی سال‌هایی که این درس را در دانشگاه تدریس کرده‌ام همواره هنگام مواجهه با موضوع ارزش‌های خبری نوعی نارسایی در طرح مساله به نظرم رسیده که نهایتاً منجر به ارائه جدول موجود شده است.

۳. همان طور که ملاحظه خواهید کرد کتاب در دو بخش نوشته شده است. در بخش دوم شما با ساختارهای پیشرفته‌تر خبر روبه‌رو هستید. در حقیقت، بخش اول کتاب به ما آموزش می‌دهد چگونه در فرایند کار خبری، گلیم خود را از آب بیرون بکشیم و با ابتدائیات و مسائل پایه خبرنویسی و خبرنگاری آشنا شویم و بخش دوم به ما کمک خواهد کرد تا در برخورد با رویدادهای خبری حرفه‌ای‌تر عمل کنیم و توانایی‌های خبرنگاری خود را ارتقاء دهیم.

۴. امیدوارم این کتاب بتواند -حتی به طور اندک- دیدگاه خبرنگاران ما را نسبت به خبر تغییر دهد؛ دیدگاهی که صرفاً مسوول محور و عاشق شخصیت است و بر همین اساس به ناچار مجبور است اخبار خود را بر سخت‌خبرها استوار کند. مثال‌های کتاب اگر مورد توجه و دقت خبرنگاران قرار گیرد، مشخص خواهد شد که اصولاً زاویه نگاه ما به خبر از اساس -اگر نگوییم اشتباه- متفاوت است و شاید بتوان آن را یکی از دلایل روزنامه‌زدگی مردم و پایین بودن تیراژ مطبوعات در ایران دانست. بویژه به روزنامه‌نگاران با سابقه توصیه می‌کنم، فصل دوم را که بیشتر به فیچرهای خبری در رسانه‌ها پرداخته از همین زاویه، با عنایت بیشتری مورد مطالعه قرار دهند.

۵. اجرای تمرین‌هایی که در آخر هر فصل آمده بویژه برای دانشجویان این رشته ضروری است. این تمرین‌ها کاملاً هدفمند و با توجه به موضوعات هر بخش، طراحی شده است و به مخاطب علاقه‌مند کمک می‌کند تا به درک درستی از موضوع در حوزه عمل دست یابد.

احمد توکلی / زمستان ۱۳۸۸

بخش اول

ـ فرایند کار خبری و خبرنگاری

ـ مبانی خبر

ـ اصول اولیه خبرنگاری

۱

خبر، شکلات کاکائو

خبر چیست؟ خبر یک کالاست. مثل شکلات کاکائو؛ یک سازنده دارد، یک فروشنده و البته یک خریدار هم لازم است تا چرخه تولید ادامه پیدا کند.

در رسانه‌مداری، ما به‌کارگری که شکلات را تولید می‌کند، اصطلاحاً خبرنگار می‌گوییم؛ کارخانه سازنده همان رسانه است، و خریدار یا مصرف‌کننده را مخاطب لقب می‌دهیم. ما در اینجا دربارهٔ آقای کارگر و شغل شریف او سخن خواهیم گفت.

می خواهیم یاد بگیریم چگونه شکلات درست کنیم. یادتان باشد اگر شکلاتی که شما درست می‌کنید از کیفیت و طعم و مزه مناسب برخوردار نباشد، از دو حالت خارج نیست؛ یا شما را از کارخانه اخراج می‌کنند، یا اینکه کارخانه تعطیل می‌شود. چون شکلات‌ها خریدار نخواهند داشت و صاحب کارخانه بعد از مدتی ورشکست خواهد شد. (در رسانه،

به صاحب کارخانه، صاحب‌امتیاز یا ناشر[1] می‌گوییم.)

برای آنکه بتوانید شکلات مشتری پسند درست کنید، چند امکان باید فراهم باشد: مواد تازه و دانش فنی (تکنیک)؛ البته که ابزار فنی مناسبی هم لازم است. امّا کسی که آن دو شرط اولیه را داشته باشد، بالاخره یک شکلات خوب به دست خریدار خواهد داد.

برای آنکه خبری مشتری‌پسند تولید کنید، کافی است اطلاعات تازه به دست آورید و آن را به صورت اصولی کنار هم قرار دهید. البته که ابزار فنی مناسبی هم لازم است، امّا کسی که آن دو شرط اولیه را داشته باشد، بالاخره یک خبر خوب به دست مخاطب خواهد داد.

در مورد شکلات کاکائو من فقط مشتری خوبی هستم و اطلاعاتی دربارهٔ چگونگی ساخت آن ندارم، امّا می‌توانم به خوبی شما را دربارهٔ چگونگی تهیه یک خبر استاندارد راهنمایی کنم. من و شما برای آنکه بتوانیم یک شکلات درست کنیم، نیازمند آموزش دربارهٔ آن هستیم، امّا خبرنگاری شغلی است که همهٔ ما از کوچکی با آن بزرگ می‌شویم؛ کاری که به شدت سهل و ممتنع است.

خبرنویسی کار ساده‌ای است؛ بسیار ساده‌تر از آنچه شما فکر می‌کنید؛ اگر شما یک دانشجو یا رانندهٔ‌تاکسی یا نانوا یا شاگرد مکانیک و... هستید هر روز به‌کار خبرنگاری مشغولید.

وقتی دانشجویی با والدین‌اش دربارهٔ درسی که امروز در دانشگاه فرا گرفته است، صحبت می‌کند؛ وقتی یک نفر به عنوان رانندهٔ‌تاکسی دربارهٔ شایعات روز که مسافران در داخل تاکسی رد و بدل کرده‌اند،

---

1. Publisher

به همسرش گزارش می‌دهد و یا به عنوان شاگردمکانیک با راننده دربارهٔ خرابی خودرواش و دلایل آن در حال صحبت کردن است، عملاً به شغل شریف خبرنگاری مشغول است! به این مثال توجه کنید:

در خیابان به دوست خود بر می‌خورید و بعد از احوال‌پرسی‌های معمول از او می‌پرسید: خُب چه خبر؟ و او پاسخ می‌دهد:

ـ شنیدی علی ازدواج کرد؟

می‌گویید: عجب! و در ادامه سؤال‌هایی را می‌پرسید: چه وقت؟ کجا؟ با چه کسی؟ و...

او شروع به پاسخ دادن به سؤال‌های شما می‌کند. در این زمان شما در حال شنیدن یک خبر هستید.

وارد کلاس درس می‌شوید، البته با کمی تأخیر. استاد از شما علت تأخیر را می‌پرسد و شما پاسخ می‌دهید تأخیرتان به علت ترافیک بیش از حد، یا مثلاً تصادفی بوده که کرده‌اید؛ شما در حال خبررسانی هستید.

به مکالمه این مادر و پسر دانشجویش که از دانشگاه به خانه آمده گوش کنید:

مادر: خدای من، پای چشمت چی شده؟

پسر: هیچی. دو تا از دوستام تو دانشگاه با هم گلاویز شده بودند؛ اومدم جداشون کنم مشت یکی‌شون خورد پای چشمم.

مادر در حال وارسی پای‌چشم پسرش: خوشبختانه خیلی صدمه ندیده. چرا با هم دعواشون شده بود؟

پسر: احمق‌ها بحث سیاسی می‌کردند. یکهو با هم گلاویز شدند.

مادر: خوب شده به چشمت آسیب نرسیده، دعوا که بجاهای باریک

نکشید؟

پسر: از این بدتر نمی‌شد.

مادر: چطور مگه؟

پسر: شیشه انتشارات دانشگاه خرد شد، و سر یکی از دو نفر و دست یک دختر دانشجو که تماشا می‌کرد، زخمی شد.

مادر در حال بررسی و پانسمان زخم پسرش: خُب.

پسر: هیچی. کار به کمیته انضباطی کشید. احتمال اخراجشون هم می‌ره.

مادر: عجب. برای تو که مشکلی تو دانشگاه پیش نیامد؟

پسر : نه.

مکالمه تمام.

شب زمانی که پدر به خانه باز می‌گردد، دیروقت است. پسر خسته از آنچه در روز بر او گذشته به خواب رفته است. اینک مادر داستان دانشگاه را برای همسرش تعریف می‌کند. دوباره سؤال و جواب. این بار مرد می‌پرسد و زن پاسخ می‌دهد. فردا صبح، پدر در محل اداره این موضوع را برای همکارانش شرح می‌دهد.

در هر مرحله کسی که توضیح می‌دهد و کسی که سؤال می‌کند، هر دو نفر در حال کار خبرنگاری هستند. در صحنه اول، مادر مثل خبرنگاران از فرد آسیب دیده و شاهد عینی (پسرش) سؤال می‌کند و پسر مانند خبرنگاری که خود در صحنه حضور داشته در حال گزارشگری است. این فرایند کار خبرنگاری است؛ به همین سادگی!

تعریف خبر

اکنون و با این توضیح اجازه بدهید، خبر را تعریف کنیم.

خبر، یعنی اطلاع دادن دربارهٔ چیزی که جالب و تازه باشد.

فعلا تعاریف دیگر را فراموش کنید. همان طور که ملاحظه می‌کنید این تعریف کوتاه، دو وجه دارد:

۱. تازه بودن

۲. جالب بودن

تازه بودن یعنی اینکه فرد شنونده یا خواننده قبلاً آن را نشنیده باشد.

جالب بودن یعنی اینکه نکته یا نکاتی در آن باشد که فرد شنونده یا خواننده مایل و علاقه‌مند به شنیدن آن باشد.

اکنون برگردیم به مثال بالا؛ وقتی پسر در حال تعریف داستان دانشگاه برای مادرش است، او دقیقاً به همین دو علت است که تمایل به شنیدن دارد و به همین علت فرزندش را سؤال‌پیچ کرده است.

وقتی مادر شب در حال تعریف داستان برای همسرش است؛ پدر به همین دو علت با کنجکاوی موضوع را می‌شنود؛ به علت تازه بودن و جالب بودن.

اکنون در نظر بگیرید که پسر از دانشگاه بجای آنکه مستقیم به منزل و نزد مادرش برود به شرکت پدرش سری زده و داستان را به طور مفصل تعریف کرده باشد. شب، هنگامی که پدر به خانه باز می‌گردد و مادر می‌خواهد داستان را برای او شرح دهد، پدر با بی‌میلی می‌گوید داستان را شنیده است و تمایلی به شنیدن دوبارهٔ آن ندارد. این موضوع دیگر برای او خبر نیست. چرا؟ چون برایش تازه نیست و قبلاً آن را شنیده است.

توجه کنید تازه بودن مهم‌ترین عنصر است. چرا که جالب بودن خبر را

هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد[1].

اکنون کمی به عقب‌تر برگردیم. راننده‌تاکسی را که به یاد دارید؟ قرار بود شایعات روزانه درون تاکسی را که از مسافرانش شنیده برای همسرش شرح دهد. چند ثانیه‌ای از شروع گزارش نگذشته که زن بی‌حوصله و خسته از کار روزانه به سمت آشپزخانه حرکت می‌کند. شوهر متوجه نیست که شنونده‌ای ندارد و همان طور برای خودش در حال شرح ماوقع است. اگر شما شنیدید که راننده‌تاکسی چه گفت. زن هم شنیده است.

ـ شما که نشنیدید؟

پس خبری اتفاق نیفتاده است!

به همین سادگی.

ـ چرا زن به گزارش همسرش گوش نداد؟

ـ ظاهرا برایش جالب نبوده است.

این جالب نبودن می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ تکراری بودن؛ خستگی زن از کار روزانه، بد تعریف کردن همسر و...؛ ما فعلاً به این دلایل کاری نداریم. در یک‌کلام می‌گوییم؛ عنصری قوی‌تر توانسته بر جالب بودن خبر غلبه کند.

پس اگر می‌خواهید خبر تهیه کنید، به این دو گوشواره‌طلایی توجه کنید.

دوباره خبر چیست؟

البته این بار منظورمان خبر برای رسانه است. خبری که ارزش انتشار

---

۱. خبرنگارها اصطلاحاً به خبری که تازه نباشد و بوی کهنگی از آن به مشام برسد، خبر سوخته می‌گویند.

در رسانه را داشته باشد. ممکن است گزارش رانندهٔ تاکسی برای همسرش خبر باشد امّا نتوان آن را ـ حداقل به عنوان خبر ـ در یک نشریه عمومی به چاپ رساند. ما قبلاً تعریفی از خبر به طور عام ارائه کردیم. گفتیم: «خبر، یعنی اطلاع دادن دربارهٔ چیزی که *جالب* و *تازه* باشد.» امّا به نظر می‌رسد، نمی‌توانیم ارائه هرگونه اطلاعات تازه دربارهٔ مطالب جالب را لزوماً خبر رسانه‌ای قلمداد کنیم.

برای آنکه این تعریف در حوزهٔ رسانه کامل شود یک عنصر دیگر نیز لازم است. به عبارت دیگر اگر «جالب بودن» و «تازگی» دو گوشواره الماس خبر بود، اینک رسانه علاوه بر دو گوشواره نیازمند یک «گردن‌بند» است.

مثال مربوط به ازدواج دوست مشترکمان «علی» یادتان هست؟! آیا می‌توانیم این خبر را در یک نشریه عمومی به عنوان خبر چاپ کنیم؟ البته که خیر. چرا؟ زیرا علی دوست مشترک من و شما است و شنیدن خبر ازدواج او برای من و شما جالب است، امّا خوانندگان یک نشریه ممکن است او را نشناسند. پس در اینجا ما به اصل دیگری هم می‌رسیم که برای رسانه‌ای کردن خبر لازم است؛ خبر باید مورد علاقه گروه *قابل توجهی از مردم* باشد.

فرض کنید، این علی ما همان «علی دایی»، فوتبالیست معروف باشد که در میان جوانان و علاقه‌مندان به فوتبال طرفداران زیادی دارد. در این صورت، خبر دیگر جنبه شخصی نخواهد داشت و می‌تواند در صفحه ورزشی یک روزنامه قابل چاپ باشد.

با این توضیحات می‌خواهیم به یک تعریف ساده و قابل‌قبول دربارهٔ خبر مطبوعاتی برسیم:

خبر، یعنی اطلاع‌رسانی دربارهٔ موضوعی که می‌تواند برای گروه قابل‌توجهی از مردم جالب و تازه باشد.

این تعریف به ما می‌گوید:

۱. خبر رسانه‌ای باید تازه باشد.

۲. خبر رسانه‌ای باید جالب توجه باشد.

۳. خبر رسانه‌ای، تنها برای یک فرد و یا یک گروه اندک نیست، بلکه برای مردم است.

توجه کنید! اصل سوم، از قدرت خبرنگاری شما به هیچ‌وجه کم نکرد؛ شما همان خبرنگار سابق ما هستید. این اصل تنها محدوده فعالیت شما را مشخص کرد: «اگر برای رسانه خبر تهیه می‌کنید، میزان دربرگیری خبر مهم است. خبر شما هر چقدر از ارزش خبری بیشتری برخوردار باشد، میزان توجه مخاطب به آن بیشتر خواهد بود.» این اصل، گردن‌بند الماس خبر است.

تازه بودن، جالب بودن؟

تازه بودن خیلی نیازمند تعریف و گشودگی نیست. این عبارت، ساده و برای همه دارای تعریف یکسان است. هنگام صرف صبحانه، همه از نان تازه‌ای که داخل سفره است، برداشت یکسانی داریم؛ وقتی مواد لبنی تهیه می‌کنیم، قبل از هر چیز به برچسب آن دقت می‌کنیم که از تاریخ مصرف آن نگذشته باشد و براساس این تاریخ، همه مشتری‌ها تقریباً به یک برداشت مشترک دربارهٔ تازگی یا کهنگی کالا می‌رسند و...

خبر تازه را نیز می‌شناسیم، خبر تازه خبری است که قبلاً آن را نشنیده باشیم، امّا «جالب بودن» یک واژه با مفهوم پیچیده‌تر است. چیزی که برای

من جالب است ممکن است برای شما جالب نباشد و برعکس.

به این مثال توجه کنید: در منزل مقابل تلویزیون در حال تماشای یک فیلم سینمایی هستید، در حالی که شما کاملاً محو فیلم شده‌اید، برادر یا خواهر دوقلوی شما که بخش اولیه فیلم را پا به پای شما تماشا کرده، از نیمه فیلم نسبت به آن بی‌توجه شده، به‌کار دیگری می‌پردازد؛ چرا؟ می‌توانید از خودش سؤال کنید. احتمالاً یکی از پاسخ‌های زیر را، تحویل شما خواهد داد:

۱. فیلم جالبی نیست. حیف نیست وقتم را تلف کنم.

۲. کار دارم.

۳. حوصله ندارم.

دقت کنید! جواب اول به معنای آن است که فیلم جالب و مفید به نظر نرسیده است.

جواب دوم به معنای آن است که جالب بودن فیلم، نتوانسته بر کاری که او داشته غلبه کند.

جواب سوم به معنای آن است که فیلم آنقدر جالب نبوده که او را بر سر ذوق آورد.

در هر سه حالت باز هم جالب بودن و میزان جالب بودن دخیل است. این را می‌توان در موارد متعدد مثال زد. جالب بودن می‌تواند براساس منافع یا سلیقه افراد متفاوت باشد و از آنجا که افراد جامعه دارای منافع و سلیقه‌های گوناگون و متعدد هستند، یافتن سلیقهٔ آنان و توجه به منافعشان برای عرضه و فروش هر کالایی مهم است.

اگر یادتان باشد، گفتیم خبر هم یک کالاست. پس باید برای فروش آن ذائقه، سلیقه و منافع مشتری که به او مخاطب می‌گوییم، کشف و پیدا

شود. فکر کنید قرار است من و شما یک نشریه منتشر کنیم. اگر ما علاقه‌مند باشیم که نشریه ما توسط مخاطبانمان خوانده شود، با توجه به تعریف خبر چگونه می‌توانیم به یک جمع‌بندی علمی در این زمینه برسیم؟

بله درست حدس زدید. باید دست به یک نظرسنجی علمی بزنیم و از مخاطبان بپرسیم چه چیزهایی برای‌شان جالب است. اصولاً تعریف آنان از جالب بودن چیست؟ سپس نتایج آن را هنگام تهیه خبر مورد توجه قرار دهیم. این موضوع باعث می‌شود که نشریه ما پر خواننده باشد و مخاطب برای مطالعه آن سر و دست بشکند.

اجازه بدهید حالا که دوستان ما رفته‌اند از مخاطبان نشریه (مردم) نظرسنجی کنند و نتایج آن را به ما منتقل کنند، تا بازگشت آنان، یک ابهام دیگر را نیز برطرف کنیم. این ابهام مربوط به واژه جدید «مخاطب» است.

مخاطب کیست؟

مخاطب اساسی‌ترین عنصر چرخهٔ تولید تا انتشار و مصرف خبر است:

ـ موجودی که رسانه برای او منتشر می‌شود؛
ـ خبرنگار برای او کار می‌کند؛
ـ سردبیر هنگام خواب و بیداری به او فکر می‌کند؛
ـ درختان برای او به کاغذ تبدیل می‌شوند؛
ـ و امواج ماهواره‌ای به عشق او به حرکت درمی‌آیند.

اگر «خبر» را یک کالا به حساب آوریم، «مخاطب» همان «مشتری» است و اگر نباشد، شما ول‌معطلید. پس لطفاً به علایقش توجه کنید، دوستش داشته باشید و به او عشق بورزید!

علایق مشتری

زمانی که ما دربارهٔ «مخاطب» صحبت می‌کردیم، نتایج نظرسنجی هم رسید؛ ببینید مردم به چه چیزهایی علاقه دارند و یا به عبارتی چه چیزهایی برای آنان جالب است:

– به مطالبی دربارهٔ ثروت و فقر علاقه‌مندند: قیمت‌ها، دستمزدها، تورم و.... دوست دارند دربارهٔ آنچه بر زندگی، شغل و خانواده‌شان تأثیر می‌گذارد، بدانند؛ اسمش را بگذاریم: **پول و نفع شخصی**

– ارتباطات خانوادگی، روابط میان زن و شوهر، والدین و فرزند، کارگر و کارفرما، روابط عاشقانه و....: اسمش را بگذاریم: **روابط**

– به مسائلی مثل جنگ وستیز میان ملت‌ها، اختلاف احزاب، بحث و جدل‌های سیاسی، پیکار شخصی با شخص دیگر، رقابت‌های ورزشی و... توجه نشان می‌دهند؛ اسمش را می‌گذاریم: **ستیز و رقابت**

– اخبار غیرعادی: گوسفندی با دو سر به دنیا آمد، زنی شش‌قلو زایید. مردی سگی را گاز گرفت[1] مسائلی از این قبیل: اسمش را می‌گذاریم: **عجیب و استثناء بودن**

– دانستن دربارهٔ آدم‌های مشهور، سیاستمداران، ورزشکاران، هنرپیشگان و... افراد با شهرت خوب یا بد. اسمش را می‌گذاریم: **شهرت**

– دانستن دربارهٔ اختراعات، یک سفر فضایی، درمان ایدز و سرطان؛ اسمش را بگذاریم: **پیشرفت های علمی یا توسعه**

– اخبار حوادث، اخبار بحران، فاجعه، انتخابات، مسائلی که با

---

۱. هر گاه سگی انسانی را گاز بگیرد، این خبر نیست زیرا طبیعت سگ گاز گرفتن است، امّا اگر انسانی سگی را گاز بگیرد خبر است. (جان. بی. بوگارت و چارلز دانا)

ماجراجویی سروکار دارد؛ اسمش را بگذاریم: هیجان و حادثه
- اخباری که ممکن است هیجان‌انگیز به نظر نرسد، امّا روحیه همبستگی، تعاون و تفاهم را در جامعه بالا می‌برد. مانند کمک‌های انسانی، بخشیدن کلیه به یک بیمار، کمک به زلزله‌زدگان، آسیب‌دیدگان یک حادثه؛ اسمش را می‌گذاریم: مسائل انسانی.

برای اینکه بعد از این، بتوانیم برای عبارت آنچه برای مردم جالب است به یک مفهوم خلاصه و زبان مشترک برسیم، اجازه بدهید نام آن را بگذاریم: علایق مردم و البته ما می توانیم آن را در یک کلمه خلاصه کنیم: «منفعت»

آیا این داستان را شنیده‌اید؟ می‌گویند روزی یک چوپان روس، گوسفندانش را برای چرا به بیابان برده بود. هنگام ظهر در چادرش در حال استراحت بود و به رادیو مسکو که در حال پخش اخبار بود، گوش می‌کرد:

- سران آمریکا و شوروی ماه آینده با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند.
- مردم آمریکا در یک نظرخواهی ریگان را یک دروغگو خواندند.
- ماهواره جدید شوروی به فضا پرتاب شد.
- به نوشته پراوادا، اقتصاد مردم روسیه طی یک سال گذشته ۳ درصد رشد کرده است.

چوپان ناگهان سر و صدایی از بیرون چادر شنید. بیرون دوید، دید گرگ چند تا از گوسفندانش را دریده است. رادیو را برداشت و محکم روی سنگ کوبید و گفت پس چرا خبر دریده شدن گوسفندان من را اعلام نمی‌کنی؟

این داستان -اگر چه طنز- می‌خواهد یک نکته مهم در روزنامه‌نگاری

را به ما گوشزد کند، مردم قبل از هر چیز منفعت خودشان را در خبرها جست‌وجو می‌کنند. به عبارتی هر چیزی برای آنکه نزد مردم مورد توجه قرار گیرد، باید معادل پول و وقتی که صرف می‌کنند، قیمتی و ارزشمند باشد. خبر نیز چنین است.

چگونه خبر قیمتی می‌شود؟ زمانی که مخاطبان طالب شنیدنش باشند. با این رویکرد، مردم طالب شنیدن چه خبرهایی هستند؟

به یاد بیاورید که قبلاً گفتیم خبر یک کالاست. الان هم پای حرفمان هستیم. همان طور که یک شکلات خریده نخواهد شد مگر آنکه ـ به غلط یا درست ـ خریدار در خرید آن منفعتی را دیده باشد، خبر نیز خوانده نخواهد شد، مگر اینکه مخاطب در آن منفعتی را احساس کند.

شکلات خریده می‌شود به این علت که خوشمزه است. طعم خوبی برای مصرف‌کننده، دارد. دهان او را شیرین می‌کند، احیاناً منجر به چاقی او می‌شود و... با وجود این، چرا برخی از خرید و مصرف آن پرهیز دارند، ممکن است ذایقه‌شان نپسندد، مثلاً با ترشی بیشتر سازگار باشد، ممکن است با رژیم غذایی آنان منافات داشته باشد. پس دقت کنید همه در پی نفع خودشان هستند.

خبر هم همین طور است. باید برای مخاطب سودی داشته باشد. می‌دانم الان در حال کلنجار رفتن با خودتان هستید. از خودتان می‌پرسید، اخبار مربوط به پول و اقتصاد، درگیری و ستیز و... ممکن است با سود و زیان همخوانی داشته باشد امّا اخبار فلان مسابقه فوتبال، یا به دنیا آمدن گوسفندی با دو سر چه سودی می‌تواند برای مخاطب داشته باشد؟

پاسخ ساده است؛ منفعت لزوماً مادی نیست. مردم وقتی خبری دربارهٔ تیم محبوبشان می‌خوانند، منفعت‌شان در لذتی است که می‌برند. آنها

وقتی اخبار کشورشان را در عرصهٔ بین‌الملل پی می‌گیرند؛ در حقیقت به‌کنجکاوی‌ها و علایق خودشان در حال پاسخ دادن هستند و همزمان اطلاعات مورد علاقهٔ خود را افزایش می‌دهند. وقتی خبری دربارهٔ اکران یک فیلم مطالعه می‌کنند، احیاناً در حال سبک و سنگین کردن وقتشان هستند. وقتی دربارهٔ گوسفند دو سر می‌خوانند، در حال پرکردن اوقات فراغتشان هستند.

ارزش های خبری

به همین علت، دانستن علایق مردم چراغ راهنمایی در دست خبرنگاران است، که مسیرشان را گم نکنند. این کوتاه‌ترین تعریف که می‌گوید: «خبر مردم است»[1] بر همین اساس جامع است. اکنون می‌خواهیم با توجه به علایق مشتری (مخاطب) به دنبال معیارهایی باشیم که بتوان از طریق آن، اخبار را به لحاظ میزان اهمیت ارزش‌گذاری کرد.

- به موقع بودن[2]: آیا هنوز موضوع بر سر زبان‌هاست، آیا هنوز علاقه مردم نسبت به این موضوع جریان دارد؟
- مجاورت[3] (جغرافیایی و فرهنگی): می‌گویند، مردم اگر در محله‌شان خانه‌ای آتش بگیرد، بیشتر علاقه‌مند به دانستن دربارهٔ آنند تا دانستن دربارهٔ همین اتفاق در دو محله آن طرف‌تر. اتفاقی در شهرشان، را بهتر

---

۱. این تعریف معروف مربوط به یکی از بارون‌های مطبوعاتی انگلیس، یعنی لورد نورث کلیف (Lord North Cliffe) است. کلیف که صاحب چندین رسانه در انگلیس بود و از غول‌های رسانه‌ای عصر خود به حساب می‌آمد، در جریان کار حرفه‌ای به چنین تعریفی از خبر رسید. (شکرخواه، ۱۳۸۳ : ۵)

2. Timeliness.

3. Proximity.

پی می‌گیرند، به نسبت زمانی که این موضوع در شهر مجاور اتفاق افتاده باشد. اسم این را می‌گذاریم: «مجاورت جغرافیایی» همچنین دین، مذهب، قومیت، و فرهنگ مشترک نیز می‌تواند بر میزان توجه مخاطب تأثیر بگذارد. مثلاً ایرانی‌ها علاقهٔ بیشتری به دانستن دربارهٔ ایرانیان مقیم آمریکا دارند تا کوبایی‌های مقیم آمریکا، به اخبار هم‌کیشان خود در دیگر کشورها بیشتر توجه می‌کنند تا مردم ادیان دیگر. اسم این را می‌گذاریم «مجاروت معنوی» یا «مجاورت فرهنگی».

- **قدر و اندازه**[1]: هر اندازه یک رویداد از بزرگی و فراوانی بیشتری برخوردار باشد، یک شخصیت به لحاظ شهرت و قدرت در موقعیت بالاتری باشد؛ تعداد تلفات یک حادثه بیشتر باشد، یک حادثه عجیب‌تر باشد، کشف موادمخدر از میزان بالاتری برخوردار باشد و... به همان اندازه ارزش خبر افزایش می‌یابد.
- **دربرگیری**[2]: هر چقدر اخبار ما مورد توجه گروه بیشتری از مردم قرار گیرد، از ارزش خبری بیشتری برخوردار خواهد بود. مثل اخبار مربوط به ضرورتِ دریافت کارت ملی که شامل همه مردم می‌شود. این تأثیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد، مثلاً اخبار جنگ می‌تواند توجه همهٔ مردم یک کشور را به خود جلب کند.

نام این چهارگانه را هم «تراز ارزش‌ها» می‌گذاریم. روزنامه‌نگاران براساس «تراز ارزش‌ها» و «علایق انسانی»، اخبارشان را اولویت‌گذاری می‌کنند. یعنی هر چه اخبار در تلاقی این دو گزینه امتیاز بیشتری کسب کنند از ارزش خبری بالاتری برخوردار خواهند بود و به همان نسبت

---

1. Size. 2. Impact.

هنگام ارائه در جایگاه بهتری و در رأس اخبار قرار می‌گیرند.

جدول ارزش‌گذاری خبر

برای آنکه بتوانیم خبرهایمان را ارزش‌گذاری کنیم می‌توانیم از «جدول ارزش‌گذاری خبر» استفاده کنیم. در این جدول همهٔ نظرات موجود دربارهٔ ارزش‌های خبری، یک جا جمع و در دو ستون عمودی و افقی قرار گرفته است.

جدول ارزش‌گذاری خبر

تراز ارزش‌ها / علایق انسانی	به‌موقع‌بودن	مجاورت	قدر و اندازه	دربرگیری	نمره
نفع شخصی					
روابط					
جنگ و دعوا					
عجیب بودن					
شهرت					
توسعه و آبادانی					
هیجان و حادثه					
مسائل انسانی					

در جدول عمودی، ما با علایق انسانی روبه‌رو هستیم؛ نکاتی که مردم و مخاطبان خبر نسبت به آنها حساس‌اند و در ستون افقی با تراز ارزش‌ها روبه‌رو هستیم. یعنی مقوله‌هایی که می‌تواند میزان این علایق را وزن یا متر کند. مانند «تازگی» که می‌تواند کم و زیاد شود. مثلاً اینکه خبری که منتشر

خواهیم کرد، چقدر تازه است؟ چقدر به لحظه و روز واقعه نزدیک است؟ یا «مجاورت» که متری به دست ما می‌دهد تا فاصله رویداد و مخاطب را با آن اندازه بگیریم؛ یا «بزرگی و فراوانی» که قابل وزن کردن و شمارش کردن است؛ یا «دربرگیری» که باز هم تعداد مخاطبان را مشخص می‌کند. در این جدول شما، شهرت، نفع شخصی (پول)، روابط، جنگ و دعوا، عجیب بودن، توسعه و آبادانی، هیجان و حادثه و مسائل انسانی را که مباحثی کیفی هستند در ردیف علایق انسانی می‌بینید که در تقابل با تراز ارزش‌ها (مباحث کمّی) می‌تواند به ما عدد و رقمی بدهد تا ارزش‌های خبری را اندازه‌گیری کنیم و به اخبار نمره بدهیم.

جامعیت خبر

خبر باید جامع باشد و به سؤال‌های مخاطبان پاسخ دهد، بر همین اساس مبنای کار خبرنگاری، فضولی و اساس تهیه خبر، پرسش است. چند سؤال می‌پرسیم، پاسخ آن را دریافت می‌کنیم، جواب‌ها را کنار هم قرار می‌دهیم، اسمش را می‌گذاریم خبر. به همین سادگی!

ـ این سؤال‌ها کدامند؟

ـ سؤال‌های معمولی؛ همان سؤال‌هایی که مادر دانشجو از پسر آسیب‌دیده‌اش پرسید، همان سؤال‌هایی که شما وقتی یک تصادف می‌بینید از افرادی که شاهد آن بوده‌اند، می‌پرسید. حتی همان سؤال‌هایی که یک کودک کنجکاو از مادرش دربارهٔ ماه و خورشید و برگ سبز درختان و... می‌پرسد: چرا ماه گرد است؟ خورشید، شب‌ها کجا می‌رود؟ عمو نوروز کی می‌آید؟ و...

اینها شش سؤال بیشتر نیستند[1]: چه؟ چرا؟ چگونه؟ که؟ کی؟ کجا؟

این شش سؤال[2]، کلید واژه‌های کار خبرنگاری‌اند. با این شش سؤال، فرایند کار خبری شکل می‌گیرد و حتی کامل می‌شود. لذا آن را به خاطر بسپارید! اینکه چگونه آن را ملکه ذهن خود می‌کنید، بسته به عادت‌های فراگیری ذهنی خودتان است، در عین حال توصیه می‌شود، برای اینکه فراموش نکنید، بگویید: «سه چ و سه ک» اگر راحت‌ترید، می‌توانید همه را به "چ" تبدیل کنید. و بگویید: «شش چ» : (چه شده؟ چرا؟ چگونه؟ چه کسی؟ چه زمانی؟ چه محلی؟) یک آموزشی غربی آن را بر محور «W»های موجود، شش‌خواهران نامیده است. همه این بسته‌بندی کردن‌ها برای این است که بهتر به خاطر سپرده شود. امّا اجازه بدهید ببینیم این سؤال‌ها بر چه اساسی کشف شده‌اند؟

فرض کنید، صبح که به قصد شروع کار روزانه از منزل خارج شده‌اید، متوجه حضور پلیس و اجتماع افرادی مقابل منزل همسایه می‌شوید. با کنجکاوی جلو می‌روید و از پسر همسایه که در آنجا حضور دارد، برای برطرف کردن کنجکاویتان سؤال‌هایی می‌پرسید.

چرا معطلید؟ فکر کنید همین اتفاق افتاده؛ راستی شما چه سؤال‌هایی را خواهید پرسید؟

ــ سلام کیوان، چی شده؟

ــ کیوان: دزد به خونه‌مون دستبرد زده؟

---

۱. «رودریارد کیپلینگ» می‌گوید: من شش مرد مورد اطمینان و همیشه در خدمت را برای خود نگه می‌دارم و هر آنچه می‌دانم، مدیون آنان هستم. اسامی آنان: How / Who / When / Where / What / Why (هیکس، آدامز، گیلبرت، ۱۳۸۶: ۲۹).

۲. غربی‌ها این شش سؤال را به اختصار 5 W + 1 H می‌نامند.

ـ (با تعجب): چطور؟

ـ از روی دیوار حیاط‌خلوت وارد خونه شده، دزدگیر را قطع کرده و از پنجره اومده تو.

ـ چیزی هم برده؟

ـ مقداری از طلاهای مامان.

ـ زیاد بوده؟

ـ بابا می‌گفت، حدود ۳ میلیون می‌شده!

ـ عجب! پلیس چی می‌گه؟

ـ در حال تحقیق هستند.

شما که کمی هم عجله دارید، فعلاً برکنجکاوی‌های دیگرتان غلبه می‌کنید.

خُب شما یک خبر نسبتاً کامل در اختیار دارید. آیا این مکالمه، برای شما یک مکالمه آشنا نیست. بدون شک ده‌ها مورد مشابه را در زمینه‌های مختلف تجربه کرده‌اید. از کنجکاوی دربارهٔ یک تصادف تا حل‌اختلاف خانوادگی یک زوج جوان و پرس‌وجو دربارهٔ دلایل اختلافشان و... .

اجازه بدهید، سؤال‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم:

ـ چه شده؟ دزد به خانه همسایه دستبرد زده و حدود ۳ میلیون تومان جواهرات خانم خانه را برده است.

ـ چگونه؟ از روی دیوار حیاط‌خلوت وارد خانه شده، دزدگیر را قطع کرده و از طریق پنجره وارد خانه شده است.

ـ کی؟ دیشب.

ـ کجا؟ در شهرک قدس.

ـ که؟ دزد یا دزدان.

ـ که؟ آقای مرادی و خانواده.

ـ چرا؟ چرایی وجود ندارد. (شرایط از نظر دزد برای دزدی فراهم بوده است.)

همان طور که ملاحظه کردید، چهار سؤال از شش سؤال کلیدی توسط شما پرسیده شد، دو سؤال دیگر پرسیده نشد، چون بدیهی و مشخص بود. اکنون همین خبر را در روزنامه محلی بخوانیم:

دزد به خانه‌ای در خیابان پنجم شهرک قدس دستبرد زد و جواهرات خانم این خانه را به ارزش ۳ میلیون تومان به سرقت برد. (که، کجا، چه)

این سرقت، دیشب در شرایطی انجام شد که «حسن مرادی»، همسر و تنها پسرشان خواب بودند. (چه زمانی)

کیوان پسر خانواده می‌گوید: دزد با استفاده از تاریکی شب، از روی دیوار حیاط خلوت وارد خانه شده است و پس از قطع سیم‌دزدگیر، از راه پنجره به داخل اتاق‌ها آمده و اقدام به سرقت کرده است. (چگونه)

پلیس در حال تحقیق پیرامون این واقعه است.

توجه کنید! از جواب سؤال‌های معمولی و متعارف مرد، ما به خبری رسیدیم که می‌تواند برای مردم جالب باشد. لذا دقت داشته باشید، زمانی که شما لباس خبرنگاری به تن می‌کنید، وکیل مردم می‌شوید، پس وکالت خودتان را به درستی انجام دهید. در این مقطع منظور این است که ما به عنوان خبرنگار همواره مردم را در ذهن خود داشته باشیم. و این سؤال‌ها را از خودمان بپرسیم:

ـ این موضوع چرا برای مردم مهم است؟

ـ آنها وقتی از این موضوع مطلع شوند، دوست دارند که من به عنوان

وکیل آنان چه سؤال‌هایی را از طرفشان بپرسم؟

به عبارت دیگر باید از خودمان بپرسیم اگر خواننده خبر ما، خودش در اینجا حضور داشت، دربارهٔ چه نکاتی کنجکاوی می‌کرد. خبرنگار هنگام پرسیدن و تکمیل خبر در حقیقت در حال پرسیدن سوال‌های مخاطبینی است که بعداً خبر را خواهند دید.

به نظر نمی‌رسد، سادگی کار خبرنگاری را باور کرده باشید، خُب، مثال دیگری می‌زنیم: شما در حیاط دانشگاه در حال قدم زدن با دوستان هستید.

از او سؤال می‌کنید: چه خبر؟

او به شما پاسخ می‌دهد: اطلاع داری عباس رفت خارج.

شما می‌پرسید: کجا؟

او پاسخ می‌دهد: رفت ترکیه، از آنجا هم می‌ره کانادا!

ـ کی؟

ـ امروز صبح.

ـ با چی رفت؟ (همان سؤال چگونه)

ـ با اتوبوس، از آنجا هم با هواپیما می‌ره کانادا.

ـ توریست؟ (پرسیدن سؤال چرا به شکل غیرمستقیم)

ـ نه بابا، برای ادامه تحصیل، قراره دکترا بگیره

حالا از شما خواسته‌اند، ادای اخبارگویان عصاقورت‌داده تلویزیون را درآورید و فکر کنید که عباس یک آدم مهم است و می‌خواهید همین اطلاعات را به شیوه اخبار ساعت ۲۱ برای مردم بازگو کنید. چرا معطلید؟

عباس آهنی، صبح امروز برای ادامه تحصیل از طریق ترکیه راهی کانادا شد.

او که از تهران تا ترکیه را با اتوبوس و از آنجا تا کانادا را با هواپیما طی

خواهدکرد، قصد دارد تحصیلات خود را در مقطع‌دکترا درکانادا ادامه‌دهد.

توجه کنید! همان سؤال و جواب‌های بالا محتوای خبر ما را شکل داده‌اند. به همین سادگی که می‌بینید. خبرنگاران نیز با استفاده از همین سؤال و جواب‌ها خبرهایشان را می‌سازند. با این تفاوت که خبرهای آنها همان طور که قبلاً نیز گفته شد، چون دارای ارزش‌های خبری است می‌تواند مورد توجه گروه بیشتری از مردم قرار گیرد و جایگاهی را در رسانه‌های خبری به خود اختصاص دهد با این توضیحات، بیایید خبر عباس را کمی تغییر دهیم، به طوری که قابل انتشار برای رسانه‌ها باشد. برای این کار می‌توانیم بجای عباس آهنی یک نفر را انتخاب کنیم که مردم او را بشناسند. برای این کار از ارزش خبری «شهرت» استفاده می‌کنیم. نظرتان در مورد عباس کیارستمی، کارگردان ایرانی چیست؟ فرض این است که عباس کیارستمی دوست مشترک من و شماست. دوباره چرخه سؤالات را تکرار می‌کنیم:

از دوستتان سؤال می‌کنید: چه خبر؟

او به شما پاسخ می‌دهد: اطلاع داری عباس رفت خارج.

شما می‌پرسید: کجا؟

ـ کانادا.

ـ کی رفت؟

ـ امروز صبح.

ـ برای چی؟

ـ یک فیلم جدید می‌سازه که بخش اعظم فیلم در کانادا می‌گذره.

ـ کپی برابر اصل است؟

ـ آره، این طور که می‌گفت، تا آخر این ماه کار فیلم‌برداری تمامه.

خُب به نظر شما دیالوگ‌ها خیلی فرق کرد؟ به هیچ وجه؟ حالا خبر را تنظیم می‌کنیم.

عباس کیارستمی کارگردان سینمای ایران، برای اتمام فیلم در حال ساختش، صبح امروز راهی کانادا شد.

وی، فیلمی به نام «کپی برابر اصل است» می‌سازد که بخش اعظم داستان فیلم در کانادا می‌گذرد.

گفته می‌شود کار فیلم‌برداری آن، تا پایان ماه جاری به اتمام خواهد رسید.

مشابه این خبر کوتاه را شما بارها از رسانه‌های مختلف شنیده و یا دیده‌اید

پس لطفاً کارتان را با امور معمول و روزمره شروع کنید. از خبرهای دم‌دستی و معمولی که پدر، مادر و یا دوستان به شما می‌دهند، استفاده کنید و آن را به شیوه خبرهای رادیو، تلویزیونی تنظیم کنید. چرا معطلید؟

خلاصه فصل ۱:

گفتیم: خبر کالاست، مثل شکلات کاکائو، پس باید به گونه‌ای تولید شود که مردم حاضر باشند، بخرند و مصرف کنند.

گفتیم: فرایند کار خبری، برای همه مردم به صورت روزمره شکل می‌گیرد؛ زمانی که از یکدیگر پرس و جو می‌کنند. سپس به مکالماتی از این دست اشاره کردیم.

گفتیم: برای آنکه بتوان شکلاتی درست کرد که مردم حاضر به مصرفش باشند باید ذائقه خریداران را شناسایی کرد. خبر هم همین طور است.اسمش را گذاشتیم: علایق مردم.

گفتیم: علایق مردم در یک جمع‌بندی کلی می‌تواند به شرح زیر باشد:

ـ پول و نفع شخصی

ـ روابط

ـ درگیری و ستیز

ـ عجیب و استثنایی بودن

ـ شهرت

ـ پیشرفت‌های علمی یا توسعه

ـ هیجان و حادثه

ـ مسائل انسانی

گفتیم: دانستن علایق مردم چراغ راهنمایی در دست خبرنگاران است، که مسیرشان را گم نکنند.

گفتیم: روزنامه‌نگاران براساس همین علایق، به دنبال معیارهایی برای

ارزش‌گذاری خبر برآمده‌اند، که عبارت بود از:

۱. به موقع بودن خبر

۲. مجاورت و نزدیک بودن محل رویداد به مخاطب از بعد جغرافیایی و فرهنگی

۳. ابعاد خبر به لحاظ فراوانی و تعداد (قدر و اندازه)

۴. میزان دربرگیری مخاطب و اینکه این خبر بر چه تعداد از مـردم تأثـیر می‌گذارد

نام این چهار فاکتور را هم «تراز ارزش‌ها» گذاشیم. (توجه داشته باشید که هر چهار فاکتور کمّی و برمبنای وزن کردن و متر کردن است.)

خبر را تعریف کردیم و گفتیم: خبر، یعنی اطلاع‌رسانی دربارهٔ موضوعی که می‌تواند برای گروه قابل توجهی از مردم جالب و تازه باشد.

نهایتا گفتیم: خبرنگارها برای تهیه خبرشان از شش سؤال کلیدی و در عین حال معمولی استفاده می‌کنند: (سه چ و سه که) چه؟ چرا؟ چگونه؟ که؟ کی؟ کجا؟ اسم اینها را گذاشتیم: عناصر خبری

تمرین ۱.

برای آنکه خیلی راه دور نرفته باشیم، به صفحات اولیه کتاب برگردید و مکالمه مادر و پسر دانشجویش را مرور کنید. در جایگاه پسری که به مادرش گزارش می‌دهد، قرار است یک خبر برای نشریهٔ دانشجویی تهیه کنیم. ابتدا لازم است برای دو دانشجویی که دعوا کرده‌اند و دختری که زخمی شده، اسامی فرضی در نظر بگیرید. اگر تنظیم خبر را به درستی انجام دادید، بدانید که یک‌قدم اساسی در راه خبرنویسی برداشته‌اید.

تمرین ۲.

چند خبر از روزنامه مورد دلخواهتان جدا کنید. آنها را به لحاظ علایق و ارزش‌های خبری نمره‌گذاری کنید. برای هر یک در خانه مقابل یک ستاره بگذارید. (هر خبر نیاز به یک جدول دارد[1]) توجه داشته باشید ممکن است یک خبر دارای چند ارزش یا مرتبط با چند مورد علایق مخاطب باشد. مثلا اگر خبری به دست ما برسد که اجباری شدن بستن کمربند ایمنی را برای خودروهای شخصی اعلام کرده باشد، این خبر می‌تواند از ردیف علایق به «نفع شخصی» برگردد و دارای ارزش‌های خبری «دربرگیری» و احیاناً «به موقع بودن» باشد. اگر برای هر ستاره پنج نمره قائل شویم، خبر ما ۱۰ نمره خواهد گرفت. با این فرض چنانچه خبری وجود داشته باشد که با تمامی علایق ذکر شده و همهٔ ارزش‌های

۱. جدول خالی را کپی بگیرید و روی هر خبری که از روزنامه بریده‌اید، یک جدول ضمیمه و آن را پر کنید.

چهارگانه همخوانی کند، معنی‌اش این است که این خبر با توجه به ۳۲ خانه موجود ۱۶۰ نمره که بالاترین نمره ممکن است را کسب خواهد کرد. به نظر شما چنین خبری وجود دارد؟ آیا می‌توانید مثالی -حتی فرضی- بنویسید؟

تمرین ۳.

۱۰ خبر از روزنامه مورد علاقه خود جدا و «عناصر خبری» آن را مشخص کنید.

تمرین ۴.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

- خبر را تعریف کنید
- ارزش‌های خبری کدامند؟ به کتاب‌ها و منابع دیگر مراجعه و تفاوت آن را با آنچه در این مجموعه آمده است بررسی کنید.
- تفاوت علایق انسانی و تراز ارزش‌ها در چه نکته‌ای نهفته است؟
- عناصر خبری را تعریف کنید. آیا شما می‌توانید برای به خاطرسپاری بهتر این شش عنصر، یک راه ابتکاری متفاوت ارائه کنید؟
- مجاورت در بحث ارزش‌های خبری یعنی چه ؟ انواع آن را توضیح دهید.

۲

یک پُرس خبر

کار خبرنگاری، بی‌شباهت به‌کار آشپزی نیست. پس غذایی خوشمزه، مقوی و اشتهاآور درست کنید.

فکر کنید قرار است یک ماهی‌سفید برای مشتری بپزیم. یک راه این است که آن را آب‌پز، سپس در ماهی‌تابه سرخ کنیم، کمی به آن نمک بزنیم و در بشقابی جلوی مشتری بگذاریم. متأسفانه اغلب آشپزهای خبری فقط همین یک کار را بلدند. این، هنر نیست، در حالی که آشپزی یک هنر است. برای آنکه شما هنر خود را به نمایش بگذارید باید بیش از این تلاش کنید، لذا لازم است به نکات زیر توجه کنید:

ـ دارا بودن دانش در پخت و پزِ چیزی که در حال پختنش هستید.

ـ دقت در پخت و پز: مواظب باشید شور نشود، پخت خوب صورت بگیرد، غذایتان نسوزد یا ته نگیرد.

ـ ادویه‌جات در حد لازم: نمک، فلفل و....

فکر نکنید، کار تمام است، هنوز کار داریم:

ـ باید یک دیس تمیز آماده کرده باشید.
ـ ماهی را که داخل دیس گذاشتید، روی آن کمی آب لیمو بریزید.
ـ کنار دیس را با دو یا سه قاشق برنج پخته شده، کمی سبزی، خیارشور، سیب زمینی و هویج‌پخته تزیین کنید.

اکنون اشتهایمان در حال تحریک و غذا آماده سرو شدن است. برای آنکه هنر به حد کمال برسد و شما ذوق خودتان را به اثبات برسانید، لازم است سه قلم اساسی دیگر را فراموش نکنید:

ـ مقدار کمی نان داخل بشقابی که با چند برگ دستمال‌کاغذی تزیین شده است.
ـ یک لیوان نوشیدنی.
ـ و البته یک کاسه کوچک سوپ برای شروع.

حالا همه چیز آماده است. اجازه بدهید، تشابه این دستورالعمل را با خبر مطابقت دهیم.

ـ وقتی می‌گوییم شما باید دانش پخت و پز آنچه را که قرار است بپزید، داشته باشید، به معنای آن است که اخبار هم، بسته به جنسی که دارند از دستور پخت متفاوتی برخوردارند. برخی سخت‌اند، مثل کباب‌برگ، برخی نرمند مثل کباب‌کوبیده، برخی دیرپزند، برخی زودپز. برخی سرخ‌کردنی هستند، برخی دم‌کردنی. اخبار هم همین‌طورند. برخی نرمند، برخی سخت؛ برخی خبرها راحت پخته می‌شوند، برخی وقت‌گیرند. حتی سبک پخت و پز اخبار بسته به جنسی که دارند، متفاوت است.
ـ وقتی می‌گوییم دقت در پخت و پز، منظورمان این است که غذا نباید بی‌نمک یا شور باشد، نباید نپخته یا سوخته باشد. خبر هم همین

شرایط را دارد، نمک داشتن یعنی اینکه طعم و مزه داشته باشد. پخته بودن یعنی اینکه همه طرف خبر را ببینیم. چیزی از قلم نیفتاده باشد.

ـ طعم و مزه برای غذا لازم است، امّا فراموش نکنید هر چیزی به اندازه‌اش خوب است. نمک و آب‌لیمو زیاد به ماهی نزنید. در خبرنویسی هم باید دقت داشته باشیم که هر خبری در این رابطه ظرفیتی دارد.

ـ دیس غذا، ظرفی است که ما خبر را در آن به مخاطب عرضه می‌کنیم. باید زیبا و اشتهاآور باشد.

ـ برنج، سبزی، خیارشور، سیب‌زمینی، هویج‌پخته، نان نوشابه و... مخلفات غذا هستند. ضمناً اینها نقش رنگ‌آمیزی سفره خبر را هم دارند. علاوه بر آنکه اشتهای مشتری را تحریک می‌کنند، ویتامین‌زا نیز هستند. خبرها نیز، رنگ لازم دارند. «رنگ به خواننده حس و حال بودن در محیط خبری را می‌دهد.» البته در هر شرایطی مواظب باشید، ماهی از دستتان سُر نخورد. اصل همان ماهی است، بقیه لازمهٔ مصرف ماهی و کاربردی‌تر کردن آن هستند. در خبر به اینها می‌گوییم: حواشی مهم، اطلاعات تازه، واقعیت‌های جزیی لازم، رنگ، نقل‌قول، پیشینه خبر و...

ـ و امّا آن کاسه کوچک سوپ مهم است. برای آنکه غذا به راحتی از گلوی مشتری (مخاطب) پایین برود، باید کاری کنید که او با سوپ خوشمزه‌ای که برایش تدارک دیده‌اید، شروع کند.

سوپ خبر[1]

این سوپی که قرار است قبل از مصرف ماهی به خورد مشتری دهیم و در روزنامه‌نگاری آن را لید می‌نامیم، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

۱. باید کم باشد. به این علت که اگر زیاد باشد، مشتری سیر خواهد شد و از خیر خوردن ماهی خواهد گذشت.

۲. باید خوشمزه باشد، به این علت که اگر خوشمزه نباشد، خورده نخواهد شد.

۳. باید مقوی باشد، به این علت که مفید به حال مشتری باشد.

ـ سوپ باید کم باشد، سرخبر یا لید باید خلاصه، موجز و کوتاه باشد.

ـ سوپ باید خوشمزه باشد، سرخبر یا لید باید جذاب باشد.

ـ سوپ باید مقوی باشد، سرخبر یا شروع باید حاوی نکات مهم باشد؛

اهمیت نوشتن یک لید خوب بسیار زیاد است. همین بس که اگر نوشتن یک لید اصولی را یاد گرفتید، ۵۰ درصد نوشتن خبر را فراگرفته‌اید.

فرض این است که شما فرد کنجکاوی هستید، به همراه خانواده در یک خیابان خلوت در حال رانندگی متوجه می‌شوید که دو ماشین سواری با هم به‌طرز ناجوری تصادف کرده‌اند و عده‌ای از مردم، اطراف آنها جمع شده‌اند.

چند متر آن طرف‌تر کنار خیابان ماشین خود را پارک می‌کنید و برای پرس و جو پیرامون کمّ و کیفِ موضوع و ارضاء کنجکاویتان یا کمک

---

۱. سوپ غذا را در خبرنویسی، سر خبر نامگذاری می‌کنیم. آمریکایی‌ها به آن لید (Lead / nose)، فرانسوی‌ها، «Attaque / chapeau» و انگلیسی‌ها به آن شروع (Intro) می‌گویند.

احتمالی، به آنها نزدیک می‌شوید. وقتی پاسخ کنجکاوی‌هایتان را دریافت کردید، به داخل ماشین بازمی‌گردید. نخستین سؤالی که همسرتان خواهد پرسید، این است:

ـ چی شده بود؟

شما چه پاسخ می‌دهید:

ـ ترمز ماشین پیکان بریده، از عقب محکم زده به ماشین جلویی، یک خانم باردار، توی ماشین جلویی چون کمربند ایمنی نبسته بوده با سر رفته توی شیشه.

این «سرخبر» یا همان لید است.

زنگ تلفن روی میز خبر سرویس شهری در تحریریه به صدا درمی‌آید، ظاهراً در بخشی از برج ۶۵ طبقه میانا آتش‌سوزی رخ داده است. خبرنگاری به محل رویداد اعزام می‌شود. در بازگشت دبیرش سؤال می‌کند چه خبر بود؟ خبرنگار پاسخ می دهد:

ـ چهار طبقه برج در آتش سوخته و میلیون‌ها تومان خسارت وارد شده خوشبختانه به کسی آسیبی نرسیده است.

این سر خبر یا لید است.

مراقب باشید هنگام نوشتن لید حاشیه نروید؛ سریع بروید سر اصل مطلب و به مهم‌ترین و جذاب‌ترین نکات اشاره کنید؛ اگر نتوانید قلابتان را همان ابتدا وصل کنید، طعمه خواهد گریخت و البته کوتاه بودن فراموش نشود؛ باب وودوارد[1]، خبرنگار سابق واشینگتن‌پست که سلسله گزارش‌هایش (رسوایی واترگیت) نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا را

1. Bob Woodward.

مجبور به استعفا کرد، دربارهٔ لید می‌گوید: من به خانه می‌روم و همسرم سؤال می‌کند: چه خبر؟ می‌گویم: «از کار اخراج شدم» این لید است. نظر «وودوارد» درباره لید اگر چه در وهله اول کمی افراطی به نظر می‌رسد، امّا تأکید او بر پرهیز از حاشیه‌نویسی در لید است. همیشه این نصیحت «نیکلاس باگنال» را به یاد داشته باشید: «اگر توانستید توجه مخاطب را در اولین جمله یا در هشت ثانیه اول جلب کنید، به هدف رسیده‌اید، در غیراین‌صورت خواننده وقت خود را برای ادامه تلف نخواهد کرد.» (هیکس، آدامز، گیلبرت، ۱۳۸۶: ۳۳)

برای آنکه شما یک معیار شمارشی داشته باشید، برای تعداد کلمات سرخبر، محدودیتی تعریف شده است: ۲۵ تا ۴۰ کلمه، برخی گفته‌اند ۲۵ تا ۳۵ کلمه؛ برخی نیز می‌گویند کمتر از ۲۰ کلمه بهتر است. برخی از رسانه‌ها ۱۲ کلمه بیشتر را نمی‌پسندند. توجه داشته باشید، در صورتی‌که حق مطلب ادا شده باشد، هر چه تعداد کلمات کمتر باشد، بهتر است. در شروع کارتان لازم است کلمات را بشمارید. امّا به مرور معیار دستتان می‌آید. خبرنگاران حرفه‌ای بدون آنکه کلمه‌شماری کنند، استاندارد را رعایت می‌کنند. این‌کار با تمرین و استمرار ملکه‌ذهن و کارشان شده‌است.

دقت داشته باشید حرفه‌ای‌ها هم در لیدنویسی، همگی به لحاظ قوت و قدرت، جذابیت و استحکام یکسان نیستند؛ برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر می‌نویسند، برخی آهنگین می‌نویسند، برخی کم‌تحرک. اگر می‌خواهید پس از مدتی به جرگه حرفه‌ای‌های گروه اول بپیوندید، از ابتدا یک حساب ویژه برای لید باز کنید. لید پایه و اساس خبر است، پس پایه کارتان را با تواضع و وسواس محکم کنید، تا عادت شما ـ زمانی که به جرگه حرفه‌ای‌ها پیوستید ـ خوشایند و قابل‌تحمل باشد.

اگر برای کلمه‌شماری کمی تنبل تشریف دارید، یک راه دیگر هم به شما پیشنهاد می‌کنم. جمله‌ای را که نوشته‌اید، یک‌بار بخوانید. سعی کنید هنگام خواندن نفس تازه نکنید. اگر با یک‌نفس راحت و بدون احساس‌خفگی جملهٔ خود را خواندید، بدانید که تعداد کلمات شما به اندازه و استاندارد است. البته این توصیه تنها برای لید نیست، بلکه دستوری کلی برای نگارش رسانه‌ای به معنای کامل آن است.

به این توصیه گابریل گارسیا مارکز در کارگاه گزارش‌نویسی هنگام مطالعه گزارش شاگردانش توجه کنید: (پاترنوسترو، ۱۳۸۰ : ۵۷)

...به صدای بلند شروع می‌کند به خواندن بخش‌هایی از نوشته‌هایمان؛ ویرایش زبانی مختصری پیشنهاد می‌کند. بعضی جمله‌ها خیلی بلندند و گابو (مارکز) موقع خواندن آنها وانمود می‌کند نفسش بندآمده. می‌گوید: «باید از ویرگول‌های تنفسی استفاده کنیم وگرنه هیپنوتیزم درست از کار درنمی‌آید. یادتان نرود هر جا تپقی وجود داشته باشد، خواننده بیدار می‌شود و فرار می‌کند و یکی از چیزهایی که خواننده را از هیپنوتیزم بیرون می‌آورد، از نفس افتادن است

اکنون اجازه بدهید به تصادفی که چند سطر قبل اتفاق افتاد برگردیم. همان زمان که شما در حال پرس‌وجو دربارهٔ تصادف بودید، خبرنگار روزنامه‌محلی هم آنجا حضور داشت و سؤال‌هایی مشابه پرسش‌های شما را از شاهدان عینی پرسید. فکر می‌کنید او چگونه لیدش را نوشت؟

خودرو پیکانی که ترمز بریده بود، صبح دیروز با سرعت به عقب یک ماشین پژو زد و همسر راننده را که ۶ ماهه باردار بود، به شدت زخمی کرد. این زن، بدون بستن کمربند ایمنی، روی صندلی جلو نشسته بود.

این لید حدوداً ۳۳ کلمه و قابل قبول است. در حقیقت خبرنگار روزنامه‌محلی همان پاسخ شما به همسرتان را هنگامی که پرسید، چی شده؟ مرتب کرده است.

اگر خاطرتان باشد چند قدمی پس از تصادف، شاهد آتش‌سوزی در برج میانا بودیم. آیا خاطرتان هست که خبرنگار در پاسخ دبیرش که پرسید چه شده بود، گفت: چهار طبقه برج در آتش سوخته و میلیون‌ها تومان خسارت وارد شده و خوشبختانه به‌کسی آسیبی نرسیده است. «وقتی خبر تنظیم‌شده را به دبیرش داد، خبر را این گونه شروع کرده بود:

عصر دیروز ساختمان میانا واقع در خیابان آفریقا دچار آتش سوزی شد. این آتش سوزی در مدت کمی و تازمانی که ماموران آتش نشانی برسند، سریعا به طبقات بالایی سرایت کرد و زمانی مهار شد که چهار طبقه از برج سوخته بود

دبیر مربوطه نگاهی به خبر و نگاهی به صورت خبرنگار انداخت وگفت بدک نیست! و ادامه داد:

ـ به یاد داری زمانی که از ماموریت خبری به تحریریه بازگشتی، من از تو چه سؤالی کردم؟

ـ خبرنگار گفت: بله.

ـ دبیر گفت: همان پاسخی که به من دادی همان لید بود. دوباره بنویس. ضمناً با کلمه قوی تری شروع کن به طوری که خواننده نتواند از خواندن بقیه مطلب منصرف شود. خبرنگار این بار با توجّه به راهنمایی دبیرش، این گونه نوشت:

آتش سوزی در برج ۶۵ طبقه میانا در خیابان آفریقا، دیروز میلیون‌ها تومان

خسارت برجای گذاشت. این آتش‌سوزی تلفات انسانی نداشت و مأموران آتش‌نشانی در حالی‌که تنها چهار طبقه آن آسیب دیده بود، موفق به مهار آتش شدند.

لید جدید رضایت دبیر را در پی داشت. این لید علاوه بر آنکه از تعداد کلمات کمتری نسبت به لید قبلی برخوردار است، حاوی نکات مهم‌تری از جمله میزان خسارات مالی (اگر چه کلی) و نداشتن تلفات انسانی است و مهم‌تر اینکه با کلمه قوی «آتش سوزی» شروع شده است.

لذا توصیهٔ بعدی این است که لید خبرتان را با کلمات قوی شروع کنید. کلماتی که قوی، تأثیرگذار، هشداردهنده، تحریک‌کننده و یا کنجکاوی‌برانگیز است.

لید برای پاسخگویی به یک سؤال تولید می‌شود

اگر کمی دقت کرده باشید، همان‌گونه که اخبار، پاسخگویی به کنجکاوی‌های مخاطب است، لید نیز به بخشی از همین کنجکاوی‌ها پاسخ می‌دهد.

ما در خبرها شش سؤال را مشخص و پاسخ‌های دریافتی را مبنا و خمیرمایه اصلی خبر قلمداد کردیم. بدیهی است که این شش سؤال را نمی‌شود یکجا پاسخ گفت. باید پله، پله، جلو رفت.

یادتان باشد، در لید ممکن است به یک، دو یا سه سؤال مهم پاسخ دهیم و پاسخ سؤال های دیگر را در جملات و پاراگراف‌های بعدی خبر بیاوریم. اکنون اجازه بدهید به لید آتش‌سوزی بازگردیم و ببینیم از چه عناصر خبری تشکیل شده است.

چه شده؟

ـ آتش سوزی در برج ۶۵ طبقه میانا اتفاق افتاده است. میلیون‌ها تومان خسارت وارد شده و چهار طبقه آسیب دیده است.

کی؟

ـ دیروز.

کجا؟

ـ خیابان آفریقا.

پس همان طور که مشاهده می‌شود لید به سه سؤال از شش سؤال ما پاسخ گفته است. در ادامه خبر علاوه بر آنکه همین سه عنصر باید توضیح بیشتری داده شوند، باید به چرایی (علت آتش‌سوزی)، چگونگی (فرایند سوختن و خاموش شدن توسط مأموران آتش‌نشانی) و که (صدمه‌دیدگان، احیاناً مقصران و مأموران حریق) توجه شود.

لیدها براساس عنصری که آغازکننده جمله است، نامگذاری می‌شوند. مثلاً لید بالا لید «چه» محسوب می‌شود، چراکه با آتش‌سوزی شروع شده است.

اکنون لید که؟

ماموران آتش‌نشانی پس از چهار ساعت تلاش موفق شدند، آتش‌سوزی مهیب در برج ۶۵ طبقه میانا واقع در خیابان آفریقا را مهار کنند.

لید چرا؟

به علت اختلال در سیم‌های برق، عصر دیروز ساختمان ۶۵ طبقه میانا دچار حریق شد

لید کی؟

عصر دیروز، برج ۶۵ طبقه میانا واقع در خیابان آفریقا دچار حریق شد و میلیون‌ها تومان خسارت به بار آورد.

لید کجا؟

برج *۶۵ طبقه میانا واقع در خیابان آفریقا*، عصر دیروز دچار حریق شد و میلیون‌ها تومان خسارت به بار آورد.

توجه کنید ما با هر یک از عناصر ششگانه خبری می‌توانیم لیدمان را شروع کنیم، امّا به یاد داشته باشید، همیشه تنها یکی از عناصر، مهم‌تر و یا تأثیرگذارتر از دیگران است، لذا باید همان عنصر را انتخاب کرد.

لیدها اصولاً به دو یا سه عنصر مهم خبری پاسخ می‌دهند. لذا سعی کنید به هر شش سؤال در لید پاسخ ندهید برای اینکه اولاً لیدتان سنگین نشود، در ثانی حرفی برای گفتن در پاراگراف‌های بعدی داشته باشید. «هارولد ایوانز» دربارهٔ این موضوع به نکته جالبی اشاره می‌کند: «خبری که به نکات ویژه بسیار کم اشاره کند، خبری مبهم و خبری که به این نکات بیش از حد توجه نماید گیج‌کننده است.» (هیکس، آدامز، گیلبرت، ۱۳۸۶: ۳۲)

حرفه‌ای‌ها، با توجه به علایق انسانی و تراز ارزش‌ها بلافاصله تشخیص می‌دهند که مهم‌ترین عنصری که می‌تواند برای مخاطب مهم وجذاب باشد،کدام است؟ این تقسیم‌بندی لید براساس چگونگی شروع است. امّا لیدها براساس محتوایی که ارائه می‌دهند نیز تقسیم‌بندی شده‌اند.

خبرنگار علاوه بر آنکه باید قادر باشد، مهم بودن هر یک از عناصر خبری را در سرخبر (لید) تشخیص دهد، زاویهٔ نگاهش به خبر نیز باید اصولی باشد وکاربرد درست واژگان در خبر را بشناسد؛ چرا که به وسیله

آن می‌تواند ریتم، ضرب‌آهنگ و محتوای نوشته‌اش را متحول کند.

اکنون به لید سه روزنامه انگلیسی دربارهٔ واقعه عمل جراحی زنی در هواپیما توجه کنید و اشتراکات و تفاوت‌های هر یک را ببینید. (هیکس، آدامز، گیلبرت، ۱۳۸۶: ۴۵)

خانمی که در حین پرواز با هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ بر اثر عارضه ریوی در وضعیت وخیمی گرفتار شده بود، درون هواپیما توسط دو پزشک و با استفاده از وسایلی نظیر چوب‌لباسی، بطری آب معدنی، چاقو و چنگال و یک بطری مشروب مورد عمل جراحی قرار گرفت و زندگی و سلامت خود را باز یافت. (گاردین)

دو پزشک بریتانیایی خارج از مرزها، داخل یک جمبوجت و با استفاده از یک چوب‌لباسی، دست به یک عمل جراحی خطیر زدند. (دیلی میل)

پزشکی با انجام عمل جراحی در آسمان و با استفاده از یک چوب‌لباسی، نوک‌قلم، براندی و نیمه یک بطری‌پلاستیکی، جان مادری را از مرگ حتمی نجات داد. (سان)

توجه کنید، هر سه روزنامه، ورودی خود را با عنصر «که؟» شروع کرده‌اند. گاردین با زن بیمار و دیلی‌میل و سان با پزشک و هر سه روزنامه نیز در ورودی خبر به جراحی زن در هواپیما با وسایل غیرمتعارف اشاره دارند.

«بهترین روش نگارش ورودی چنین خبری آن است که با در نظرداشتن عنصر تحریک احساسات خوانندگان با ذکر وسایل یاد شده،

دست به خلق درامی انسانی زد و در ادامه نیز عوامل حیرت‌انگیز را دوباره عنوان کرد.»

سه ورودی خبر که به عنوان نمونه ذکر شد، هر یک معایب و محاسن خاص خود را دارند، مثلاً ورودی خبر روزنامه گاردین خام و طولانی است. حال آنکه درست و آگاهی‌دهنده است. ورودی روزنامه دیلی‌میل مختصر است امّا استفاده از کلمه «جمبوجت» بسیار مناسب‌تر از کلمه بوئینگ ۷۴۷ گاردین است. زیرا واقعاً دانستن نوع هواپیما برای کسی اهمیت ندارد... روزنامه سان هم تا حدودی ما را با جزئیات مواجه می‌کند امّا به جای استفاده از کلمه «زنی» از کلمه «مادری» بهره می‌جوید. در صورتی که در هیچ جای داستان این خبر، کلامی از این زن به عنوان مادر و یا فرزندانش به میان نیامده است. امّا واقعاً اهمیت این خبر به قول روزنامه گاردین آیا به خاطر وجود زن است؟ و یا اینکه مطابق برداشت روزنامه سان وجود پزشک است و یا مانند آنچه روزانه دیلی‌میل به کار برده حضور دو پزشک بریتانیایی است؟ (هیکس، آدامز، گیلبرت، ۱۳۸۶ : ۴۷)

فکر کنم درباره لید یا همان سوپ خبر خیلی صحبت کردیم . سرگرم سوپ شدیم، ماهی از دهان افتاد. اکنون مجبوریم دوباره بحث ماهی را داغ کنیم. ماهی، غذای اصلی (بدنه خبر) بود و سوپ، ورودی یا سرخبر. اجازه بدهید اکنون که آستین‌ها را برای سرکشیدن یک سوپ خوب بالا زده‌ایم، ادامه‌اش را با ناخُنک‌زدن به ماهی پی بگیریم.

گفتیم برای پخت ماهی (بدنه خبر) باید اصولی را مورد توجه قرار داد. بعد از نوشتن لید یا نوشاندن سوپ خبر به مخاطب باید خوردن ماهی، طبیعی جلوه کند، لذا توالی مطالب باید مثل جریان آب در رودخانه روان و عادی باشد. باز هم تأکید می‌شود، همان‌گونه که شما به همسرتان،

والدینتان یا دوستتان دربارهٔ یک واقعه که شاهدش بوده‌اید، گزارش می‌دهید.

یک مثال: فرض کنیم شما دانشجوی رشته حقوق هستید، استادتان از شما خواسته است به عنوان کار عملی در دادگاهی شرکت کنید که در آن محاکمه فردی در ارتباط با موادمخدر (کوکائین) جریان دارد. در پایان دادگاه، متهم به ۹۰ روز ممنوع‌الخروج شدن از خانه محکوم می‌شود و البته در حاشیه برگزاری دادگاه موضوع جالبی اتفاق می‌افتد، به این ترتیب که وکیل متهم از دادستان می‌خواهد که با او دست بدهد و چنان دست او را فشار می‌دهد که دادستان از درد به زمین می‌افتد.

شب هنگام، زمانی که شما به منزل می‌روید این موضوع را برای والدینتان تعریف می‌کنید. به این شکل:

> امروز اتفاق جالبی افتاد. به عنوان کار کلاسی با بچه‌ها به دادگاهی رفته بودیم، یک وکیل، دست خانم دادستان را چنان فشرد که فکر کنم دستش از جا کنده شد.

والدین شما کنجکاو می‌شوند:

ـ عجب، خُب؟

شما یک شروع تاثیر گذار داشته اید. ادامه می دهید:

> قضیه از آنجا شروع شد که دادستان، علیه شوهر خانم وکیل کیفرخواستی را مطرح کرد.
>
> متهم این پرونده در رابطه با ماده مخدر کوکائین به ۹۰ روز ممنوع‌الخروج شدن از منزلش محکوم شد.
>
> پس از قرائت حکم قاضی، وکیل از خانم دادستان خواست با او دست بدهد.

امّا او ظاهراً به محض گرفتن دست خانم دادستان، چنان آن را فشار داد که وی از درد به زمین افتاد.

طبیعی است که مطلب آنقدر جالب است که والدین شما خواهند پرسید:

ـ «خُب، بعد چی شد؟»

شما ادامه می دهید:

«هیچی. بعد از این حادثه، پلیس خانم وکیل را بازداشت کرد.»

اگر تنها ۵ درصد مطلب شما را تغییر دهیم و سؤال‌های والدینتان را از مطلب جدا کنیم. شما یک خبر جالب و خوب تهیه کرده‌اید که در هر رسانه‌ای با هر میزان وسواس قابل ارائه است. آن ۵ درصد مربوط به اطلاعاتی است که خبر را مستند می‌کند. ممکن است والدین شما برایشان مهم نباشد که اسم وکیل یا دادستان چیست؟ امّا وقتی شما برای یک رسانه می‌نویسید، از آنجا که به جامعه گزارش می‌دهید، باید افراد مطرح در خبر شناسنامه داشته باشند. حالا این خبر را در نشریه دانشجویی دانشکده خودتان بخوانید.

یک وکیل دادگستری به خاطر فشردن شدید دست یکی از مقام‌های دادستانی فدرال این ایالت، تحت پیگرد قانونی قرار گرفت.

نام این وکیل ۴۹ ساله «کتی بروئر رنتاس» است.

قضیه از آنجا شروع شد که جنیفر کین به عنوان دادستان دادگاه، علیه شوهر کتی رنتاس کیفرخواستی را مطرح کرد.

متهم این پرونده در رابطه با ماده‌مخدر کوکائین به ۹۰ روز ممنوع‌الخروج شدن از منزلش محکوم شد.

پس از قرائت حکم قاضی، کتی رنتاس از خانم دادستان خواست که با او دست بدهد.

امّا او ظاهراً به محض گرفتن دست خانم دادستان، چنان آن را فشار داد که خانم کین از درد به زمین افتاد. در پی وقوع این حادثه، کتی رنتاس بازداشت شد.

به یک مثال دیگر توجه کنید:

تحقیقات پنج ساله‌ای در دانشگاه مینه‌سوتا دربارهٔ اینکه آیا خوردن صبحانه روی وزن جوانان تأثیر می‌گذارد، یا خیر، انجام شده است. در این رابطه از بیش از دو هزار نوجوان نظرسنجی شده است. نتایج به دست آمده به ما می‌گوید: آنها که صبحانه‌خور هستند، به طور متوسط وزن بدنشان ۲ کیلو و ۳۰۰ گرم کمتر از کسانی بود که صبحانه را حذف کرده بودند.

سرپرست تیم تحقیق، فردی به نام «مارک پریرا» است. از ایشان پرسیدیم. مگر کالری صبحانه نباید موجب افزایش وزن بشود؟

ایشان گفت: «حرف شما درست است. ممکن است در نگاه اول عکس این موضوع منطقی‌تر به نظر برسد امّا این، احتمالاً به این خاطر است که کسانی که صبحانه می‌خورند، دیگر آنقدر احساس بی‌حالی نمی‌کنند.

پرسیدیم: آیا مهم نیست که صبحانه چه چیزی بخوریم؟»

آقای پریرا جواب داد: «هرچند بهتر است غذای سالمی بخورید، امّا شواهد به نفع خوردن صبحانه، حالا هر چه می‌خواهد باشد، بر نخوردن آن سنگینی می‌کند.»

اجازه بدهید این متن را به یک خبر برای خوانندگانمان تبدیل کنیم:
ابتدا سرخبر (لید) آن را پیدا کنیم:

مطالعه پنج ساله روی بیش از ۲ هزار نوجوان نشان می‌دهد: کسانی که صبحانه می‌خورند لاغرتر از کسانی هستند که این وعده غذایی را حذف کرده‌اند.

این تحقیق که در مینه‌سوتای آمریکا انجام شده اعلام می‌کند، آنهایی که صبحانه‌خور بودند، به طور متوسط وزن بدنشان ۲ کیلو و ۳۰۰ گرم کمتر از کسانی بود که صبحانه‌خور نبودند.

کسانی که صبحانه می‌خوردند مجموعاً در طول روز کالری بیشتری مصرف کرده بودند.

مارک پریرا، سرپرست تیم تحقیق گفت: «ممکن است در نگاه اول عکس این موضوع منطقی‌تر به نظر برسد، امّا احتمالاً کسانی که صبحانه‌خور هستند، دیگر آنقدر احساس بی‌حالی نمی‌کنند و در کار روزانه انرژی بیشتری مصرف می‌کنند.»

وی گفت: «هرچند بهتر است غذای سالمی بخورید، امّا شواهد به نفع خوردن صبحانه ـ حالا هر چه می‌خواهد باشد ـ بر نخوردن آن سنگینی می‌کند.»

یک مثال دیگر:

فرض کنیم شما دانشجوی رشته روزنامه‌نگاری و از اقوام آقای مهدیخانی، مدیرعامل شرکت «تاکسی بی‌سیم» هستید. دیشب ایشان با خانواده محترمشان مهمان شما بوده‌اند. در حین گفت‌وگوهای گرم فامیلی و زمانی که شما با او دربارهٔ ترافیک وحشتناک تهران سخن می‌گفتید، به شما خبر می‌دهد که قرار است به زودی تاکسی هوایی در تهران فعال شود. با شنیدن این حرف کنجکاوی شما تحریک می‌شود.

ـ عجب! خُب، کی؟ کجا؟ چگونه؟ چرا؟ و... یک‌ریز سؤال می‌کنید.

او هم به سؤال‌های شما پاسخ می‌دهد

ـ مجوز راه‌اندازی تاکسی هوایی را از سازمان هواپیمایی و شهرداری تهران گرفته‌ایم. پنج تا بالگرد هم از یکی از کشورهای آسیای میانه خریده‌ایم که از اول مهرماه آنها را فعال می‌کنیم. اگر سازمان‌های مربوطه همکاری کنند برنامه‌مان این است که تا پایان سال این بالگردها بشن ۵۰ تا.

سؤال می‌کنید: «یعنی مردم عادی را هم سوار می‌کنید؟»

ـ چرا که نه؟ به خاطر مسائل امنیتی، ابتدا برای میهمانان خارجی و مقامات دولتی است، ولی به محض اینکه تعداد زیاد شد، مردم عادی هم می‌توانند سوارشن.

سؤال می‌کنید: همه جای تهران؟

ـ اولین مسیر پرواز تاکسی‌های هوایی تهران مسیر چهارراه تهرانپارس تا میدان آزادی در نظر گرفته شده، قرار است مسیرهایی در جنوب و شمال تهران نیز راه‌اندازی بشه.

ـ چندتا مسافر جا می‌شن؟

ـ بین سه تا هفت نفر، تازه رنگشم مثل تاکسی‌های تهران زرد است.

ـ خلباناش کی‌اند؟

ـ در صورت داشتن شرایط لازم، هر کی علاقه‌مند باشه، می‌تونه بیاد.

بعد از رفتن آقای مهدیخانی با خودتان می‌گویید: چه سوژه جالبی. خوب است همین مطلب را برای کلاس درس خبرنویسی تنظیم کنم؛ و بعد دست به‌کار می‌شوید:

«تاکسی هوایی» با پنج فروند بالگرد، از مهرماه امسال در تهران فعالیت خود را آغاز می‌کند.

ابوالفضل مهدیخانی، مدیرعامل شرکت «تاکسی بی سیم» گفت: توافق لازم برای ورود تاکسی‌های هوایی از یکی از کشورهای آسیای میانه انجام و مجوز آن از سازمان هواپیمایی و شهرداری تهران، گرفته شده است.

به گفته مهدیخانی، بالگردها، قرار است تا پایان شهریور کار خود را شروع کنند. وی گفت: در صورت همکاری سازمان‌های مرتبط، تا پایان امسال تعداد بالگردهای مسافربر شهر تهران به ۵۰ فروند خواهد رسید.

اولین مسیر پرواز تاکسی‌های هوایی تهران، چهارراه تهرانپارس تا میدان آزادی در نظر گرفته شده و قرار است مسیرهایی در جنوب و شمال تهران نیز راه‌اندازی شود.

به گفته مدیرعامل تاکسی بی سیم تهران، در مرحله اول مهمانان خارجی و مقامات دولتی با این بالگردها سفر می‌کنند و در مرحله بعد با توسعه ناوگان، تمام اقشار جامعه می‌توانند از بالگردها برای سفر شهری خود استفاده کنند.

این بالگردها زردرنگ هستند و ظرفیت آنها سه تا هفت نفر مسافر است.

به گفته مهدیخانی، علاقه‌مندان پرواز می‌توانند در صورت داشتن شرایط لازم، به حرفه تاکسیرانی هوایی بپردازند.

یک تمرین دیگر

شما خبرنگار هستید. در تاکسی کنار دوست خود نشسته‌اید و با هم صحبت می‌کنید. دوست شما مطلب جالبی برایتان تعریف می‌کند که برای همسایه‌شان، هنگامه اتفاق افتاده است.

«هنگامه، همسایه‌مان مهریه‌اش را به اجرا گذاشته؛ ۱۲۴ هزار شاخه

گل‌سرخ، جالب است نه؟»

شما که تعجب کرده‌اید می‌پرسید: مگر قصد طلاق گرفتن دارد؟

ـ نه. امّا طبق قانون، مهریه را هر زمان می‌توان درخواست کرد.

ـ آره ولی اصولاً زن‌ها تا زمانی که طلاق نگیرند، درخواست مهریه نمی‌کنند.

ـ درسته امّا مورد این بابا فرق می‌کنه. می‌گه، همسرش خسیسه و او می‌خواد ادبش کنه.

حالا موضوع برای شما جالب‌تر شده، می‌گویید: عجب!؟

ـ هنگامه می‌گوید: همسرش حتی حاضر نیست پول یک فنجان قهوه او را بپردازد.

ـ چه داستان جالبی. خُب بگو ببینم بالاخره کار به کجا کشید؟

ـ هیچ. دادگاه هم حکم توقیف یکی از املاک شوهر هنگامه را به ارزش ۶۰ میلیون تومان داده و اعلام کرده است این ملک تا زمانی که او ۱۲۴ هزار شاخه گل‌سرخ را فراهم نکند در توقیف باقی خواهد ماند.

خبرنگار که فرد باهوشی است، نخستین چیزی که در ذهنش جرقه می‌زند این است که: «آخ جون. یک خبر جالب برای انتشار.» پس از تحقیق بیشتر و مطمئن شدن از صحت اطلاعات، بلافاصله آن را تنظیم می‌کند و برای دبیرش تلفنی می‌خواند:

یک زن با مراجعه به دادگاه خانواده در تهران و شکایت از همسرش، مهریه‌اش را که ۱۲۴ هزار شاخه گل‌سرخ است، به اجراگذاشت.

این زن که هنگامه نام دارد می‌گوید: «همسرش آن قدر خسیس است که حتی حاضر نیست، پول فنجان قهوه او را بپردازد.

او می‌گوید: «می‌خواهم ادبش کنم.»

دادگاه خانواده، حکم توقیف یکی از املاک شوهر هنگامه را به ارزش ۶۰میلیون تومان صادر و اعلام‌کرده است: این ملک تا زمانی که او ۱۲۴ هزار شاخه گل‌سرخ را فراهم نکند در توقیف باقی خواهد ماند.

اگر شما در رسانه‌ها کمتر با خبرهایی به این یکدستی و روانی روبه‌رو می‌شوید و بیشتر شاهد اخبار کلیشه‌ای و خسته کننده هستید، صرفاً به این علت است که برخی از خبرنگارها به سرعت، عادت‌های خوب گزارشگری عادی خود را فراموش می‌کنند.

برخی از آنها هنگامی که قلم به دست می‌گیرند تا گزارش خود را کامل کنند، گویی رگ‌های بدنشان منقبض می‌شود، شبیه آدم‌های عصا قورت‌داده‌ای می‌شوند که راه رفتن عادی خود را فراموش کرده‌اند.

اکنون که شما قصد دارید وارد این حرفه جالب و دوست داشتنی شوید، با خودتان عهد کنید که هنگام گزارشگری، عادت‌های طبیعی خود را فراموش نکنید.

خلاصه فصل دوم

گفتیم: کار خبرنگاری بی‌شباهت به آشپزی نیست.

گفتیم: همان‌طور که یک آشپز لازم است غذای خوشمزه مقابل مشتری بگذارد، یک خبرنگار نیز موظف است، کار پخت‌وپز خبری را به خوبی بیاموزد تا تولید خبری او مخاطب‌پسند باشد.

گفتیم: تمهیداتی در نظر بگیرید تا قبل از آنکه مخاطب غذای اصلی را میل کند، یک کاسه کوچک سوپ نوش‌جان کند.

گفتیم: این کاسه سوپ در خبرنویسی همان لید است و تأکید کردیم سوپ باید کم، خوشمزه و مقوی باشد. یا به عبارتی لید باید موجز، جذاب و حاوی نکات مهم خبر باشد.

گفتیم: لیدها بر اساس عناصر ششگانه خبری شکل می‌گیرند.

گفتیم: اگر یاد بگیرید چگونه یک لید خوب بنویسید، ۵۰درصد تنظیم خبرنویسی را فراگرفته‌اید.

گفتیم: توالی مطالب در خبرنویسی باید مانند جریان آب در رودخانه روان و عادی باشد.

گفتیم: اکنون که شما قصد دارید وارد این حرفه جالب و دوست‌داشتنی شوید، با خودتان عهد کنید که هنگام گزارشگری، عادت‌های طبیعی بودن خود را فراموش نکنید!

تمرین ۱.

پنج داستان در اینجا برایتان تعریف شده است، لید هرکدام را مشخص کنید. و توضیح دهید دلیل انتخاب شما چه بوده است.

- بندر دیر در ۲۱۰ کیلومتری جنوب بوشهر یکی از بندرهای مهم صیادی کشور است. در دو ماه اخیر حدود ۱۰ فروند شناور در آب‌های استان بوشهر غرق شده‌اند که نیمی از آنها در آب‌های منطقه دیر اتفاق افتاده است. به گفته مدیرعامل تعاونی صیادان بندر «دیر» استان بوشهر، یک شناور باری روز شنبه در آبهای ساحلی این بندر غرق شد.

- به گزارش پایگاه اینترنتی «سون دقیقه» طبق بخشنامه ریاست شهربانی استانبول، نیروهای پلیس در این شهر در دو روز آخر هفته هر روز ۱۲ ساعت در سر نوبت‌های کاری خود حاضر خواهند بود؟
به گزارش این پایگاه، مقامات شهربانی استانبول در توجیه لغو تعطیلات آخر هفته نیروهای پلیس، گفته‌اند که این آماده‌باش برای مقابله با رخدادهای تروریستی احتمالی در این شهر است و از ارائه توضیحات بیشتر در این مورد خودداری کرده‌اند.

- نیروی انتظامی‌استان اصفهان در روز سیزدهم مرداد اطلاعیه‌ای منتشر کرده که در آن آمده است: «با بانوانی که اقدام به اسکیت‌سواری و دوچرخه سواری در معابر عمومی می‌کنند، برخورد می‌شود. در این اطلاعیه نیروی انتظامی به زنان توصیه کرده در صورتی که قصد استفاده از دوچرخه و اسکیت و اسکوتر را دارند می‌توانند به پارک یا

ورزشگاه‌های مختص زنان مراجعه کنند.

- در اطلاعیه سازمان نظام پزشکی که در نشریه «نظام پزشکی» ارگان سازمان نظام‌پزشکی ایران، چاپ شده، از پزشکان خواسته شده با تهیه مدارک لازم برای تهیه «اسپری دفاع شخصی» یا گازاشک‌آور به واحدهای این سازمان مراجعه کنند. پزشکان متقاضی باید علاوه بر پر کردن فرم مربوط و ارائه یک قطعه عکس و کپی شناسنامه، ۲۳ هزار تومان نیز به حساب سازمان نظام‌پزشکی واریز کنند.

- بارش سنگین برف در روزهای گذشته به تناوب در تهران ادامه داشته و رفت و آمد در این شهر را مختل کرده است. به همین دلیل هیأت دولت اعلام کرد: «دو روز آینده همه ادارات دولتی، دانشگاه‌ها و کلیه مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش استان تهران به استثنای دفاتر ریاست جمهوری، وزرا و بانک‌ها و مراکز امدادی، بهداشتی، درمانی و خدماتی تعطیل می‌باشند.» هیات دولت همچنین از استانداری‌ها خواسته است در مورد توقف یا محدودیت فعالیت‌های مراکز دولتی و آموزشی در استان خود تصمیم بگیرند. تعطیلی دو روزه در استان تهران و نیز تعطیلی مدارس در هشت استان دیگر ایران در حالی اعلام می‌شود که بارش شدید برف در تهران و بسیاری از نقاط ایران باعث اختلال در رفت و آمد و ایجاد مشکلاتی برای شهروندان شده است.

تمرین ۲.

چرا لیدِ حاوی تمام عناصر خبری لید خوبی نیست؟

تمرین ۳.

با مطالعه کتاب‌های «خبر[۱]» «مبانی خبرنویسی[۲]» و «اصول خبرنویسی[۳]» یافته‌های خود را دربارهٔ لیدنویسی تکمیل کنید. اگر دانشجو روزنامه‌نگاری هستید و در کلاس درس، این یافته‌ها را به عنوان کنفرانس ارائه کنید.

تمرین ۴.

خودتان یک داستان خبری کاملاً شخصی بسازید. (مثلاً مشاهداتی دربارهٔ یک تصادف یا مشاجرات دوستانه، یا اعتراض دانشجویان به کیفیت غذای دانشگاه) و سپس لید آن را برجسته کنید.

تمرین ۵.

تفاوت لید نرم و لید سخت را از کتاب «نرم خبر و سخت خبر[۴]» استخراج و با ذکر مثال‌های خوب آن را ارائه کنید.

---

۱. خبر، دکتر یونس شکرخواه، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲. **مبانی خبرنویسی**، دکتر امید مسعودی، انتشارات خجسته.
۳. **اصول خبرنویسی**، دکتر اکبر نصراللهی، انتشارات سروش.
۴. **نرم‌خبر، سخت‌خبر**، بروس دی، ایتول و... ترجمه محمدرضا نوروزپور، انتشارات ثانیه.

۳

مخلفات سفره خبر

در همه موارد و مثال‌هایی که تا اینجا مطرح شد، ما تنها روند عادی و روزمره زندگی را کمی نظم داده‌ایم؛ به عبارتی، خبر همان‌گونه شکل می‌گیرد که زندگی جریان دارد. پس سعی کنید، در جریان تهیه خبر و خبرنویسی به زندگی لگد نزنید.

به قول «ساول پت»، گزارشگر آسوشیتدپرس، خوب نوشتن یعنی رها بودن، یعنی راحت بودن، فضا داشتن. خوب نوشتن یعنی ارضا کردن این حس که آدم یک ماجرا را بتواند بیان کند. (بهره‌مند، جدیدنیوز)

اکنون، قبل از آنکه زاویه نگاهمان را به خبر کمی تغییر دهیم، از شما می‌خواهیم یک بار دیگر برگردید و در فصل قبل، تمام فرایند پختن ماهی را مرور کنید؛ حتماً قبول خواهید کرد که کار بسیار آسانی است؛ کافی است ماهی‌ای داشته باشید، ماهی‌تابه‌ای، مقداری روغن و شعله برای افروختن.

تردید ندارم که حافظه شما، از من قوی‌تر است. حال که دوباره

صحبت از ماهی شد، احتمالاً شما یاد مخلفات کنار ماهی افتادید. حتماً می‌پرسید، آن دو سه قاشق برنج، کمی‌سبزی، خیارشور، سیب‌زمینی و هویج‌پخته کنار دیس که ماهی را همراهی می‌کرد، کجا رفت؟ نکته‌سنجی شما قابل تقدیر است.

گفتیم در خبرنویسی اینها نقش رنگ‌آمیزی سفره خبر را دارند. علاوه بر آنکه اشتهای مشتری را تحریک می‌کنند، سرشار از ویتامین نیز هستند. گفتیم خبرها نیز رنگ لازم دارند. گفتیم اینها لازمه مصرف ماهی و کاربردی‌تر کردن آن هستند. در خبر به اینها می‌گوییم حواشی مهم، اطلاعات تازه، واقعیت‌های جزیی لازم، رنگ، نقل‌قول، پیشینه خبر و...

اگر می‌خواهید خبرتان خوانده شود به اینها توجه کنید. اینها حواشی پررنگ‌تر از متن‌اند. به آنها اطلاعات تکمیلی می‌گوییم.

اکثر خبرهایی که ما تهیه می‌کنیم، می‌تواند با اخبار تکمیلی در همان رابطه پربارتر شوند، لذا هرگاه خبری کسب می‌کنید، این سؤال مهم را از خودتان بپرسید:

ـ دیگه چی؟

ـ آیا اطلاعات بیشتری در این رابطه وجود دارد؟

ـ آیا افراد بیشتری می‌توانند پازل‌های خبر ما را کامل‌تر کنند؟

ـ آیا عناصر خبری (شش خواهران) را می‌شود بسط داد؟

ـ آیا این خبر دارای سابقه و پیشینه است؟

هر عنصر خبری، می‌تواند چند لایه باشد. خبری ممکن است، به چند «چه؟» پاسخ دهد. ممکن است «چرایی؟» دیگری هم داشته باشد. ممکن است افراد مختلفی (که؟) در آن درگیر باشند.

اجازه بدهید، به خبر دختری بازگردیم که مهریه ۱۲۴ هزار شاخه‌گل

خود را به اجرا گذاشته بود. اگر خاطرتان باشد، گفته شد که اعتراض دختر و اصرار او به دریافت مهریه‌اش به خاطر آن است که می‌خواهد شوهر خسیس‌اش را تنبیه کند. او می‌گوید شوهرش حتی حاضر نیست، پول یک فنجان قهوه او را بپردازد. این سخن او به چه معناست؟ خبرنگار تیزهوش بلافاصله از خودش می‌پرسد؟

آیا او مثال زده است؟ آیا حقیقتاً این اتفاق افتاده است؟ آیا ممکن است فقط به خاطر یک فنجان قهوه باشد، یا موارد دیگری هم وجود دارد؟ آیا دوست من در این باره اطلاعات بیشتری دارد؟ آیا می‌تواند امکان یک گفت‌وگوی رو در رو یا حتی تلفنی را با هنگامه برایم فراهم کند؟ آیا همسر این خانم در دسترس است؟ آیا می‌شود نظر او را پرسید؟ آنها چه مدتی است که با هم ازدواج کرده‌اند؟ (در اولویت‌های دورتر) آیا امکان مصاحبه با رئیس دادگاه آنها وجود دارد؟

اگر خاطرتان باشد، گفتیم خبرنگار، این خبر را با همان کیفیتی که ذکر آن رفت به دبیرش داد امّا به شما نگفتیم که دبیرش چه واکنشی نشان داد، او خبرنگارش را به خاطر یافتن یک سوژه جالب و یک تنظیم روان تشویق کرد، در عین حال از او خواست که سؤال‌های بالا را تکمیل کند و البته تأکید کرد تا یک ساعت دیگر خبر تکمیلی باید روی میزش باشد.

خبرنگار شروع به جست‌وجو کرد. و مطالب زیر را به دست آورد.

هنگامه بعد از ده سال زندگی مشترک با همسرش شاهین، خواستار پرداخت مهریه کامل خود شده است.

او با همکاری دوستش موفق می‌شود با تلفن همراه هنگامه تماس بگیرد.

هنگامه گفت: «کمی پس از اینکه ما به عقد یکدیگر درآمدیم، من

متوجه یک خصوصیت خاص در شاهین شدم. او مردی به شدت خسیس است و این مسأله برای من که همیشه زندگی راحت و مرفهی داشتم قابل تحمل نبود و برای همین پس از ده سال به این فکر افتادم که مهریه‌ام را به اجرا بگذارم و او را تنبیه کنم.»

خبرنگار دربارهٔ فنجان قهوه توضیح خواست و از هنگامه پرسید، آیا حقیقت دارد که او حتی حاضر نیست پول یک فنجان قهوه شما را بپردازد؟

هنگامه گفت: «شاهین خیلی خسیس است به طوری که وقتی با هم به رستوران یا کافی‌شاپ می‌رویم او حتی حاضر نیست پول قهوه‌ای را که می‌خورم بپردازد و هنگام خروج از رستوران فقط پول خوراکی‌های خودش را پرداخت می‌کند. بنابراین باید ۱۲۴ هزار شاخه گل‌سرخ مهریه من را که حق طبیعی من است به من بدهد.»

خبرنگار پرسید، همسرتان چه می‌گوید؟ آیا او حاضر شده مهریه را بپردازد؟

ـ یک آدم فیلمی‌است که لنگه نداره. توی دادگاه خودش را به نداری زده می‌گوید: فقط توان خرید پنج شاخه گل‌سرخ در روز را دارد.

خبرنگار از هنگامه اجازه می‌گیرد در صورتی که از نظر او مشکلی نیست با همسرش صحبت کند. هنگامه با گشاده‌رویی موافقت می‌کند و شماره تلفن همراه همسرش (شاهین) را به او می‌دهد.

همسر هنگامه با اکراه به خبرنگار پاسخ می‌دهد و تهدید می‌کند در صورتی که آبروی او توسط روزنامه برده شود، شکایت خواهد کرد و پس از دریافت ضمانت‌های لازم تنها به بیان این جمله اکتفا می‌کند:

«این‌بابا چند تا دوست میلیاردر داره، تحریکش کردن که این کار رو بکنه و او نمی‌دونه که این کارا به نفعش نیست. به هر حال من توان تهیه این

مقدار گل را ندارم و قادرم روزی فقط پنج شاخه‌گل به او بدهم تا به حقش برسد.» و بعد هم تلفن را قطع می‌کند.

خبرنگار با توجه به فرصتی که دبیرش به خاطر ضرب‌الاجل چاپ، به‌او داده تنها یک ربع ساعت وقت دارد؛ لذا سریعاً دست به‌کار تنظیم می‌شود و البته او می‌داند نباید خبر را پیچیده کند، مشکلی هم برای تنظیم ندارد. خبر او را بخوانید:

یک زن با مراجعه به دادگاه خانواده در تهران و شکایت از همسرش، مهریه‌اش را که ۱۲۴ هزار شاخه‌گل‌سرخ است، به اجراگذاشت.

این زن که هنگامه نام دارد می‌گوید: «همسرش آن قدر خسیس است که حتی حاضر نیست، پول یک فنجان قهوه او را بپردازد.»

او می‌گوید: «می‌خواهم ادبش کنم.»

دادگاه خانواده، حکم توقیف یکی از املاک شوهر هنگامه را به ارزش ۶۰ میلیون تومان داده و اعلام‌کرده است: این ملک تا زمانی که او ۱۲۴ هزار شاخه‌گل‌سرخ را فراهم نکند در توقیف باقی می‌ماند.

هنگامه بعد از ده سال زندگی مشترک با همسرش شاهین خواستار پرداخت مهریه کامل خود شده است.

او می‌گوید: کمی پس از آنکه ما به عقد یکدیگر درآمدیم من متوجه یک خصوصیت خاص در شاهین شدم. او مردی به شدت خسیس است و این مسأله برای من که همیشه زندگی راحت و مرفهی داشتم قابل تحمل نبود و برای همین به این فکر افتادم که مهریه‌ام را به اجرا بگذارم و او را تنبیه کنم.

هنگامه در ادامه گفت: خساست شاهین به حدی است که وقتی با هم به رستوران یا کافی‌شاپ می‌رویم او حتی حاضر نیست پول قهوه‌ای را که می‌خورم بپردازد و فقط پول خوراکی‌های خودش را پرداخت می‌کند.

بنابراین شاهین باید ۱۲۴ هزار شاخه گل‌سرخ مهریه من را که حق طبیعی من است به من بدهد.
شاهین می‌گوید: این حرف‌ها به خاطر رفت و آمد هنگامه با دوستان میلیاردرش است و دوستانش او را تحریک کرده‌اند تا مهریه‌اش را به اجرا بگذارد. به هر حال من توان تهیه این مقدار گل را ندارم و تنها قادرم روزی پنج شاخه گل به او بدهم تا به حقش برسد.
قاضی تقاضای شاهین را رد کرده است.

(لطفا به تنظیم خبر دقت کنید.) خبرنگار به خاطر تعجیلی که داشت اطلاعات تکمیلی را تنها با اندکی تغییر در نقل‌قول‌ها به انتهای خبر اصلی چسباند و خبر قابل قبولی ارائه داد.

فردای آن روز وقتی خبرنگار خبرش را در بالای صفحه حوادث روزنامه خواند، خودش را به خاطر کم‌توجهی اولیه سرزنش و دبیرش را به خاطر آن تذکر بجا تحسین کرد

اکنون شما هم قبول می‌کنید که حق با دبیر بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، اکنون خبر ما کامل‌تر و از قوت و ویتامین بیشتری برخوردار شده است. به عبارتی این احترامی است که ما به مخاطب می‌گذاریم و او را در مورد خبری که پیش رو دارد ارضاء می‌کنیم.

بسته به مدت زمانی که شما برای تهیه خبر دارید (ضرب‌الاجل)، میزان اهمیت خبر (ارزش خبری) و استعدادی که یک خبر برای افزودن اطلاعات دارد، می‌توان تحقیق را گسترش داد.

مثلاً در همین خبر ممکن است اطلاعاتی مربوط به مهریه به پربارتر شدن خبر کمک کند، یادتان هست وقتی دوستتان گفت که هنگامه

مهریه‌اش را به اجرا گذاشته، شما سؤال کردید مگر می‌خواهد طلاق بگیرد؟ چرا فکر نمی‌کنید ممکن است همین سؤال را خوانندگان خبر هم داشته باشند. پس به آن پاسخ بدهید:

بنا به قوانین کشور، زن می‌تواند مهریه خود را در هر زمان از زندگی مشترک با همسرش یا هنگام طلاق به اجرا بگذارد و خواستار دریافت آن شود.

- یا با استفاده از مطالب آرشیوی اضافه کنیم:

در ایران معمولا سکه طلا یا ملک به عنوان مهریه‌زن تعیین می‌شود و در سال‌های اخیر شمار زیادی از شوهران به خاطر عدم پرداخت مهریه به همسرشان راهی زندان شده‌اند.

البته این مطالب باید مبنای درست و اصولی داشته باشند و صرفاً ذهنی نباید نگارش شوند.

اجازه بدهید نگاهی به خبر صبحانه و تأثیر آن در چاقی و لاغری بیندازیم. اطلاعات تکمیلی چنین خبری چیست؟

آیا این تحقیق تفاوتی برای زن و مرد یا پیر و جوان قائل شده است؟ آیا متخصصان رشد کودک و نوجوان می‌توانند نتایج این نظرسنجی را نقد کنند؟ آیا نکته بیشتری می‌توان از زبان آقای پریرا بیرون کشید؟ چرا که نه؟ اقدام ما به شکل زیر نتیجه داد:

حدود ۲۵ درصد افراد گروه مورد مطالعه اغلب از خوردن صبحانه پرهیز می‌کردند و این مسأله بویژه در میان زنان نوجوان چشمگیر بود.

دکتر پریرا گفت: «این مسأله فقط مختص دخترها نیست، امّا مسلماً در میان این گروه مشکل بزرگتری است.»

«آنها از خوردن صبحانه خودداری می‌کنند چون نگرانند وزنشان بالا برود ـ و

تناقض‌آمیز است که کسانی که نگران نیستند و صبح غذا می‌خورند همان کسانی هستند که وزنشان را پایین‌تر نگه می‌دارند.»
تم فرای، رئیس بنیاد رشد کودک در «مجمع ملی بحث درباره اضافه وزن» گفت که این یافته‌ها نشان می‌دهد چقدر مهم است یک پیام روشن و عاری از تناقض به جوانان داده شود.
وی گفت: «مشکل واقعی، فراوانی و تکثر توصیه‌هایی است که در مورد چاقی وجود دارد. لازم است ابهامی باقی نگذاریم که خوردن غذا سر وقت و به طور منظم حیاتی است - و اینکه یک وعده صبحانه درست، خیلی لازم است.»
اگر شما روز را با خوردن غذایی خوب شروع کنید، بیشتر احساس سرزندگی می‌کنید، انرژی بیشتری برای حرکت و فعالیت دارید و این یعنی اینکه انرژی بیشتری خواهید سوزاند.

قبول کنید اگر این مطالب را به خبر قبلی بیفزاییم، خبری به مراتب کامل‌تر و خواندنی‌تر و حتی تأثیرگذارتر خواهیم داشت. در حقیقت با این کار خبرنگار ابهام‌زدایی بیشتری از خبر به عمل آورده است.

پس اطلاعات تکمیلی لازمه هر خبر است. اطلاعات تکمیلی را می‌توان طبقه‌بندی کرد:

- نقل قول
- پیشینه
- استفاده از تضادها
- مشاهدات عینی
- رنگ و توصیف (واقعیت‌های جزیی، حواشی مهم)

جزیی کردن اطلاعات تکمیلی، این ویژگی را دارد که هر بخش در

کوران خبر فراموش نخواهد شد.

نقل قول

نقل قول کردن از دیگران، به خبر جان می‌بخشد. اگر درست، بجا و اصولی به کار گرفته شود، بر هنر و ادبیات خبر می‌افزاید و مستند بودن خبر را تقویت و آن را ملموس‌تر می‌کند.

استفاده از نقل قول‌های خوب و مناسب می‌تواند از لید حمایت و اطلاعات را مستند کند. به علاوه این نقل قول‌ها به خواننده این امکان را می‌دهد که صدای گوینده را بشنود و به داستان و درام جذابیت می‌بخشد. (Rich, 2005: 47)

امّا نقل‌قول‌های خسته‌کننده، کیفیت خبر را پایین می‌آورند؛ اگر همان مطالب قبلی را تکرار می‌کنند، بهتر است به بیانی دیگر ارائه شوند یا کلاً حذف شوند. امّا یک نقل‌قول خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

ـ قبل از هر چیز واضح و زنده است.

ـ از احساسات قوی و عکس‌العمل‌های گوینده پرده برمی‌دارد.

برای مثال، به این نقل‌قول از عامل یک سری قتل‌های زنجیره‌ای در فلوریدا، قبل از اعدام شدن با صندلی الکتریکی، توجه کنید: «می‌خواهم زودتر کلید را بزنند و برق را وصل کنند؛ ترسی ندارم. مرگ فقط به همان زشتی است که خودمان می‌سازیم.»

در تصمیم‌گیری برای انتخاب یک نقل‌قول، کلید مؤثر، طرح این پرسش است: این عبارت، احساس‌برانگیز است یا اطلاعات جدیدی را اضافه می‌کند؟ سوزان ایجر، یکی از اعضای هیأت تحریریه دیترویت فری‌پرس می‌گوید: گزارشگران باید نقل‌قول را به عنوان ادویه و چاشنی

داستان و نه گوشت و سیب‌زمینی آن در نظر بگیرند.

وی می‌گوید: خواننده‌ها همان‌گونه که به مهمانی می‌روند به سوی روزنامه روی می‌آورند. آنها می‌خواهند با اشخاص جالبی صحبت کنند. امّا نقل‌قول‌های طولانی، خیلی جذاب نیستند. (Rich, 2005: 47)

«یکی از استادان رویترز می‌گوید: باید صدای یک انسان را در خبرتان بیاورید، چون خبر دربارهٔ انسان‌ها است «خبرها، امروزه حریصانه به دنبال نقل‌قول‌های طلایی هستند نقل‌قول‌های کوتاه و تأثیرگذار. حواستان باشد تا این جملات را صید کنید و به موقع در خبرتان به کار ببرید. (بهره مند، جدیدنیوز)

بر این اساس، نقل‌های طلایی باید:

۱. کوتاه و تأثیرگذار باشند.

۲. به ارزش خبر اضافه کنند.

۳. زوایای احساسی خبر را برجسته کنند.

وقتی جان اف کندی رئیس جمهوری آمریکا کشته شد، همسر او ژاکلین جمله‌ای گفت که یکی از خبرنگاران توانست آن را بشنود: «خدای من، آنها جان را کشتند.»

اول فضا را آماده کنید. مثلاً گره ایجاد کنید: تظاهرکنندگان می‌گویند کتک خورده‌اند، امّا پلیس این ادعا را رد می‌کند. و بعد نقل‌قول را بیاورید: «با باتوم بجان‌مان افتاده بودند.» این را جان وازین در حالی گفت که با دست شانه‌هایش را می‌مالید و لنگ‌لنگان راه می‌رفت. (بهره مند، جدیدنیوز)

علامت استفاده از نقل‌قول مستقیم گیومه است. جمله نقل‌شده را داخل گیومه قرار دهید. اساس نقل‌قول مستقیم بر رعایت امانت واژگانی به همان ترتیبی است که گوینده بیان کرده است، لذا در آن دخل و تصرف

نکنید.

هنگامه می‌گوید: «می‌خواهم ادبش کنم.»

هنگامی‌که جمله طولانی گوینده نیازمند اصلاح یا خلاصه کردن است، یا به منظور ساده‌تر کردن نیاز به تغییر واژگانی دارد، ترجیحاً از نقل‌قول غیرمستقیم استفاده کنید:

هنگامه در ادامه گفت: خساست شاهین به حدی است که وقتی با هم به رستوران یا کافی‌شاپ می‌رویم او حتی حاضر نیست پول قهوه‌ای را که می‌خورم بپردازد و فقط پول خوراکی‌های خودش را پرداخت می‌کند. بنابراین شاهین باید ۱۲۴ هزار شاخه گل‌سرخ مهریه من را که حق طبیعی من است به من بدهد.

قبل و بعد از جمله نقلی از توضیحات طولانی مرتبط با جمله نقلی پرهیز کنید (Rich, 2005: 49)

هنگامی که دربارهٔ چگونگی با خبر شدن از حادثه آتش‌سوزی در مجتمع ساختمانی سؤال کردم، گفت: «از اخبار تلویزیون شنیدم.»

یا

«از اخبار تلویزیون شنیدم» این جوابی بود که در پاسخ به پرسشی که دربارهٔ چگونگی باخبر شدن از حادثه آتش‌سوزی در مجتمع ساختمانی پرسیده شد، داده شد

بهتر است در چنین شرایطی از یک عبارت گذار استفاده کنید؛ به این شکل:

در خانه یکی از دوستانش بود که آپارتمانش به آتش کشیده شد. وی گفت: «اخبار حادثه را از تلویزیون شنیدم.»

هیچ‌گاه نقل‌قول تمام مطالبی که شخص در مصاحبه (یا سخنان خود) بیان می‌کند، ارزش ندارد. امّا چگونه می‌توانیم به یک انتخاب درست برسیم؟ کدام قسمت از سخنان فرد ارزش نقل‌قول مستقیم را دارد؟ قاعده اصلی ساده است: اگر می‌توانید آن سخنان را خودتان بهتر بیان کنید، از نقل‌قول مستقیم استفاده نکنید. (Potter, 2006)

بسیاری از گزارش‌های خبری مملو از نقل‌قول‌هایی هستند که این معیار را رعایت نمی‌کنند و بیشتر آنها نقل‌قول‌هایی هستند که از دهان مقامات بیرون می‌آیند. از نقل‌قول‌هایی که فقط نکات مسلم را بیان می‌کنند، به خصوص آنهایی که به زبان اداری هستند، خودداری کنید. چه کسی مایل به شنیدن این خبر از طرف شهردار است مبنی بر این که:

«انتظار داریم هفته آینده در مورد طرح توزیع بودجه شهرداری به حقوق‌بگیران کم‌درآمد،اقدام لازم صورت بگیرد.»

چنین اطلاعاتی بهتر است تفسیر بشوند، یعنی اینکه دوباره به زبانی دقیق و روشن به وسیله خبرنگار نوشته شوند. در این مورد خبرنگار می‌تواند چنین بنویسد:

بنا به اظهارات شهردار، حداقل یک هفته طول خواهد کشید تا مردم پولی از شهرداری دریافت کنند.

بهترین نقل‌قول‌ها، نقل‌قول‌های هستند که ذهنی‌اند و بینش و چشم‌انداز درستی به گزارش، می‌دهند. خبرنگارها در بیان آنها از زبانی جالب و متنوع استفاده می‌کنند و منعکس‌کننده تجربهٔ شخصی و دانش حرفه‌ای خبرنگار هستند. (Pooter, 2006)

پیشینه

اغلب خبرها دارای پیشینه هستند. پرداختن به پیشینه در خبر بسیار مهم و از الزامات خبرنویسی حرفه‌ای است. خبرنگاران مبتدی به دو علت کمتر سراغ پیشینه می‌روند:

۱. راحت‌طلبی. بالاخره پیگیری پیشینه یک خبر نیاز به وقت‌گذاری و تحقیق دارد.

۲. آنها چون در حوزه محدود خبری فعالیت و هر روز اخبار حوزه خود را پی‌گیری می‌کنند، دچار این توهم می‌شوند که خوانندگان آنان نیز از سابقه و پیشینه خبر مطلع هستند، در حالی‌که چنین نیست. برخی از مردم به طور اتفاقی ممکن است خبری را مطالعه کنند. یا اینکه در روزهای قبل ممکن است به علت گرفتاری و یا هر چیز دیگری موضوع را پی‌گیری نکرده باشند. مبنای گزارش خود را بر چنین افرادی استوار کنید.

خبر مربوط به تأثیر صبحانه خوردن روی چاقی و لاغری را بار دیگر نگاه کنید. آیا به نظر شما این پیشینه بر قوت کار شما نمی‌افزاید:

> در مطالعه‌ای روی حدود هفت هزار فرد میانسال در نورفوک، **که قبلاً انجام شده**، تیمی از دانشگاه کمبریج دریافت که کسانی که بیشترین صبحانه را خورده‌اند کمترین اضافه وزن را داشته‌اند.

خبر، مربوط به کشت بی‌سابقه موادمخدر در افغانستان است:

> سازمان ملل متحد از نیروهای ناتو هم خواسته است در جلوگیری از تولید موادمخدر به دولت افغانستان کمک کنند.
>
> **پیشینه:**
>
> **ماه گذشته** نیز، این سازمان ابراز نگرانی کرد که در سال جاری میلادی میزان

تولید مواد مخدر بویژه در مناطق ناآرام افغانستان افزایش خواهد یافت، جایی که به گفته این سازمان کنترل دولت در آن مناطق چندان چشمگیر نیست.

خبری دربارهٔ ممنوعیت دوچرخه‌سواری بانوان در اصفهان:

در اطلاعیه نیروی انتظامی اصفهان، اقدام زنان دوچرخه‌سوار و اسکیت‌سوار خلاف مقررات و آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی قلمداد شده و نیروی انتظامی اصفهان تأکید کرده «این نوع ورزش بانوان در معابر عمومی باعث جریحه‌دار شدن عفت عمومی و در برخی مواقع ایجاد تصادف و بروز خسارات جانی و مالی می‌شود.»

پیشینه:

یک هفته پیش از انتشار این اطلاعیه، شهرداری اصفهان از راه‌اندازی دفتر حمل و نقل غیر موتوری خبر داده بود که هدف آن توسعه دوچرخه‌سواری است.

پزشکان ایرانی اسپری دفاع شخصی می‌گیرند:

بنابر اعلام سازمان نظام پزشکی، استفاده از گازاشک‌آور، فقط برای فرد تحویل‌گیرنده و در مواقع ضروری برای «دفاع از خود و افراد خانواده در مقابل تعرضات» مجاز است.

پیشینه:

چند ماه پیش، رئیس سازمان نظام‌پزشکی گفته بود به منظور بهبود شرایط امنیتی پزشکان و آمادگی آنان برای مقابله با خطرات جانی و مالی، مجوز وزارت کشور برای تجهیز آنان به اسپری دفاع شخصی صادر می‌شود.

پیشینه به خواننده کمک می‌کند تا بداند که رویداد چه روندی را طی

کرده است. او را دربارهٔ نارسایی احتمالی روند رویداد مطلع می‌سازد. پرداختن به پیشینه در خبر، مسوولان را پاسخگو تربیت می‌کند. آنها می‌فهمند قول‌هایی راکه به جامعه می‌دهند، روزنامه‌نگاران در آرشیوهای خود ذخیره می‌کنند و در روز موعود، به‌کار می‌گیرند.

وزیر مسکن گفت: «امسال توانسته‌ایم ۷۰۰ خانه برای بی‌خانمان‌ها بسازیم.»

پیشینه:

وزیر در ابتدای سال قول ساخت ۳ میلیون مسکن را داده بود.

استفاده از تضادها

تضاد، یعنی کنار هم گذاشتن نقل‌قول‌های مخالفِ هم، افعالی که ظاهراً باید از هم پیروی کنند، امّا نمی‌کنند. تضاد، یعنی اشاره به سوابقی که با امروز خبر منافات دارد. به‌کارگیری تضادها در خبر علاوه بر آنکه بر جذابیت خبر می‌افزاید و آن را خواندنی می‌کند، نارسایی‌ها را نیز آشکار می‌کند.

بدیهی است در هر خبری نمی‌توان به دنبال تضاد بود، امّا خبرنگاران حرفه‌ای هنگام مواجهه با خبر، در صورتی که تضادی در بطن آن باشد به راحتی از کنار آن نمی‌گذرند.

ساعاتی قبل از انتصاب علی احمدی توسط رئیس جمهور به عنوان سرپرست جدید وزارت آموزش و پرورش، معاون اول رئیس جمهور، استعفای وزیر را یک شایعه رسانه‌ای خواند.

پلیس فرانسه می‌گوید: هیچ دانشجویی دستگیر نشده است. این در حالی است که خانواده‌های سه تن از دانشجویان می‌گویند، ۴۸ ساعت است که

فرزندانشان در بازداشت بسر می‌برند.

در حالی‌که فرمانده نظامیان آمریکا در عراق از خروج نیروهای این کشور تا ماه مارس خبر داد، وزیر دفاع این کشور گفت در کنگره به دنبال تصویب لایحه‌ای است که اعزام نیروی جدید به عراق را تسهیل می‌کند.

فدراسیون فوتبال خبر داد، افشین قطبی سرمربی تیم ملی شده است. امّا قطبی می‌گوید از این موضوع بی‌اطلاع است.

تضادها را کنار هم قرار دهید تا پررنگ شوند و به چشم بیایند.

مشاهدات عینی

شما داستانی را برای دوستتان تعریف می‌کنید. او تعجب می‌کند. برای اینکه او را مطمئن کنید، می‌گویید: «آن را با چشم‌های خودم دیدم و با گوش‌های خودم شنیدم.» اکنون او بیشتر قانع می‌شود. لذا هنگامی که در میدان خبر حضور دارید، بویژه در گزارش‌های خبری مشاهدات خود را بیان کنید.

البته بدیهی است منظور، همه آنچه را که دیده‌اید، نیست. مشاهدات هم مانند نقل‌قول گزینشی است. نکاتی را انتخاب کنید که ریتم خبر شما را تنظیم می‌کند. همه جا خودتان را جلو نیندازید، تا خواننده خبر مجبور نشود برای دیدن صحنه از روی سر شما سرک بکشد. دوش به دوش مخاطب بایستید و تنها برخی صحنه‌ها را برای او برجسته کنید. فکر کنید که مخاطب کنار شما در شلوغی یک درگیری خیابانی ایستاده است؛ شما با انگشت‌دستتان او را متوجه نقطه‌ای می‌کنید: «آنجا را ببین؛ سیل آن

موتور سیکلت را با خود می‌برد.» ارائه مشاهدات‌عینی خبرنگار هم در همین حد است.

ارائه مشاهدات‌عینی که صرفاً در اخبار میدانی و زمانی که خبرنگار در صحنهٔ رویداد حضور فیزیکی دارد، کاربردی است، مزایای دیگری نیز دارد. سفرهٔ خبری شما را متنوع‌تر می‌کند، تُن خبر شما را داستانی می‌سازد و طبیعی است که در این صورت برای مخاطب خوشایندتر جلوه خواهد کرد. به این مثال‌ها توجه کنید:

زمانی که خبرنگاری از سرمربی تیم‌ملی پرسید: «چرا از جوان‌ترها در ترکیب تیم‌ملی استفاده نکردید؟ «او بشدت برآشفت و گفت به این سؤال جواب نخواهد داد.

وقتی دادگاه سرپرستی فرزند را به پدر واگذار کرد، **زن فرزندش را در آغوش کشید و با صدای بلند شروع به‌گریستن کرد، به طوری که همه حاضران، و حتی رئیس دادگاه نیز متأثر شده بودند.**

مشاهدات عینی در گزارش‌ها، کاربردی‌تر و با حجم بیشتر قابل‌قبول است، امّا غلظت آن در گزارش‌های خبری پایین می‌آید و در خبر به شدت گزینشی و کم می‌شود. همیشه یادتان باشد، در خبرنویسی، این موضوع را در حد نمک غذایتان متعادل کنید. اگر زیاد شد، غذا شور خواهد شد و از دهان خواهد افتاد. نباید خودتان را در خبر پررنگ کنید. مثل عکاس‌ها متواضع باشید، همیشه در عکسشان هستند، امّا دیده نمی‌شوند؛ تکرار می‌کنم سدی میان مخاطب و رویداد نشوید.

رنگ و توصیف

«رنگ به خواننده حس و حال بودن در محیط خبری را می‌دهد. لذا دنبال جزئیاتی باشید که به خواننده می‌گوید آنجا چطور بود؛ جزئیاتی که باعث می‌شود خواننده به خبرتان بچسبد و آنها را رها نکند. اگر هواپیمایی سقوط کرده، از چیزهایی بگویید که این ور و آن ور پراکنده شده و البته با ذکر جزئیات یک صندلی نیمه‌سوخته، چمدان شکسته، عروسک له شده و... اشاره به عروسک له شده نشان می‌دهد بچه‌ها در این سانحه کشته شده‌اند. نشان می‌دهد با یک فاجعه انسانی سروکار دارید. (بهره‌مند، جدیدنیوز)

دیوید فینکل از روزنامه واشینگتن‌پست می‌گوید: بجای اینکه بنویسید بیمار شیزوفرنی صداهای عجیب و غریب می‌شنید، بنویسید آن صداها چه بود. مثلاً بنویسید او می‌شنید: «برو همسرت را بکش.» (بهره‌مند، جدیدنیوز)

ارائه زمینه و فضا با کلمات و جزئیات کوچکی که گویای سبک یک نویسنده‌اند هول‌انگیزی یا زیبایی ـ یک صحنه را به خواننده القا می‌کنند، به گزارش رنگ و جلوه می بخشند و بر جذابیتش می‌افزایند. شاید شما به رفتارهای ویژه طرف گفت‌وگو توجه داشته باشید، یا سعی کنید که صداهای زمینه یک ماجرا را ثبت کنید. (تامسون: ۹۷)

ساختارخبر

بر همین اساس ساخت اخبار از زوایای دیگری نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. زاویایی که اگر چه در وهله اول با فرم و شکل خبر سروکار دارد، امّا نهایتاً محتوای خبر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند

به ارتقای آن بینجامد. از این بابت می‌توانیم تنظیم اخبار را در دو شیوه زیر بررسی کنیم:

- تولید و تنظیم خطی خبر
- تولید و تنظیم پازلی خبر

خبر خطی

خبرهای خطی، خبرهای تک‌عنصری یا تک‌قهرمان هستند. و از مشخصه تنظیم آن: وی گفت، وی افزود، وی در ادامه اضافه کرد (یا) در این اطلاعیه آمده است، در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است و... مواردی از این‌دست است. اگر چه خبرنگاران برخی مواقع ناگزیر از پرداختن به اخبار به این شیوه هستند، امّا توجه داشته باشید، که این‌گونه پرداختن به خبر منسوخ شده و تولید آن ناشی از تنبلی و یا غیرحرفه‌ای بودن خبرنگار است. به این مثال توجه کنید:

سفیر ایران در روسیه گفت: مسکو به تعهداتش درباره نیروگاه بوشهر و اس ـ ۳۰۰ عمل خواهد کرد.

محمد رضا سجادی در این رابطه گفت: مقامات رسمی و سخنگوی وزارت امور خارجه تأکید کردند که روسیه در این زمینه قرارداد دارد و به تعهد خود پایبند است و به آن عمل خواهد کرد.

وی گفت: در نیروگاه بوشهر شاهد تلاش روس‌ها بوده و هستیم. روس‌ها تمام تلاش‌شان را می‌کنند و این‌گونه نیست که در زمینه تکمیل این نیروگاه در جا بزنیم.

سفیر ایران با بیان اینکه اگر در موضوع نیروگاه بوشهر سوءتفاهمی وجود داشت، پس از سفر وزیر انرژی روسیه، آقای اشماتکو به تهران و توضیحاتی

که داد کاملاً مرتفع شد.
سجادی یادآور شد: در گذشته هم بارها شاهد این مسأله بوده‌ایم؛ کشورهای غربی خواسته‌اند بین ما، همسایگان و یا سایر کشورهای دیگر سوءتفاهم ایجاد کنند و اختلافات را دامن بزنند.
وی خاطرنشان کرد: در مورد عدم انجام تعهدات از سوی روسیه تا حد بسیار زیادی غلو شده است و بر این اساس زحمات طرف ایرانی و روسی که با وجود فشارهای بین‌المللی در رابطه با این پروژه انجام می‌شود نادیده انگاشته می‌شود و این به نفع ما نیست.
سفیر ایران در روسیه در عین حال گفت: اینکه بخشی از تأخیرها تقصیر روس‌هاست را نفی نمی‌کنم. به هرحال ما پس از فروپاشی شوروی با آنها قرارداد بستیم و این دوران زمانی بود که در روابط بین سازمانی آنها هم مشکلات زیادی وجود داشت و ما در این رابطه از روس‌ها بارها گله کرده‌ایم.

اصطلاحاً این خبر را می‌توان خبر خطی قلمداد کرد چرا که داستان ما تک‌قهرمان است (سفیر ایران در روسیه) وی گفت، وی افزود، سفیر ایران ادامه داد و... خبرنگار کارکشته بلافاصله پس از گرفتن این مصاحبه از سفیر ابتدا آن را وارسی می‌کند که حرف‌های کارآمد خبر کدامند؟ آنها را شناسایی و انتخاب می‌کند و حرف‌های اضافی خبر را دور می‌ریزد. خبرنگار کاربلد، بلافاصله به آرشیو خبری مراجعه و واژه‌های کلیدی را در موتورهای جست‌وجوگر سِرچ می‌کند و به واکاوی نکات برجسته و مهم خبر از زاویه‌های مختلف می‌پردازد.

در حقیقت خبر خطی همان ماهی خام است که باید پخته شود و با اطلاعات تکمیلی و یک تنظیم اصولی به دست مخاطب برسد، که

اصطلاحاً آن را خبر پازلی نامگذاری می‌کنیم.

خبر پازلی

خبر پازلی خبری است که خبرنگار با تلاش خود آن را از حالت تک‌قهرمان خارج و با استفاده از مخلفات سفره غذا و با استفاده از اخبار تکمیلی غنا می‌بخشد. در خبر بالا داستان حول محور سفیر می‌چرخد در حالی که در خبر پازلی سفیر تنها یکی از قهرمانان داستان است و خبر حول محور حادثه و پیامدهای آن حرکت می‌کند. اکنون به تنظیم پازل‌گونه این خبر توجه کنید.

سفیر ایران در روسیه از عملکرد روسیه در ساخت نیروگاه بوشهر دفاع کرد وگفت: مقامات رسمی این کشور گفته‌اند که به قرارداد خود در زمینه تحویل سیستم دفاع ضد موشکی اس ـ ۳۰۰ عمل خواهند کرد.

محمدرضا سجادی، کشورهای غربی را متهم کرد که سعی دارند بین ایران، همسایگان و یا سایر کشورهای دیگر سوءتفاهم ایجاد کنند و افزود: در مورد عدم انجام تعهدات از سوی روسیه تا حد بسیار زیادی غلو شده است.

مقامات ایرانی در هفته‌های گذشته از روسیه به خاطر زیرپا گذاشتن قرارداد تحویل سیستم دفاع ضد موشکی اس ۳۰۰ به ایران ابراز نارضایتی کرده ولی از عملکرد روسیه در ساخت نیروگاه اتمی بوشهر دفاع کرده‌اند.

حسن فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران اخیراً از روسیه به خاطر تأخیر شش‌ماهه در ارسال موشک‌های اس ۳۰۰، انتقاد کرد.

طبق گزارش‌ها، قرارداد فروش موشک‌های اس ۳۰۰ در سال ۲۰۰۵ میان ایران و روسیه امضا شده است امّا گفته می‌شود به دلیل مخالفت‌های برخی کشورها نظیر آمریکا، روسیه از تحویل این موشک‌ها به ایران خودداری کرده

است.

موشک‌های اس ۳۰۰ یکی از پیشرفته‌ترین موشک‌های ضدهوایی در جهان است. این موشک می‌تواند ۱۰۰ هدف را در آسمان ردیابی کند.

جدیدترین نوع این موشک‌ها بین ۱۹۵ تا ۳۰۰ کیلومتر بُرد دارند و می‌توانند هواپیما و موشک‌های بالستیک را از فاصله ۱۰ متر تا ۲۷ کیلومتری از زمین هدف قرار دهند.

گفته می‌شود ایران قصد دارد با خرید این موشک‌ها، سپر دفاعی تأسیسات هسته‌ای خود را تقویت کند.

سفیر ایران در روسیه می‌گوید: «مقامات رسمی و سخنگوی وزارت خارجه روسیه تأکید کردند که روسیه در این زمینه قرارداد دارد و به تعهد خود پایبند است و به آن عمل خواهد کرد.

طولانی شدن ساخت نیروگاه اتمی بوشهر نیز یکی از مواردی است که انتقادهایی را در ایران به دنبال داشته است.

به تازگی علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران از واکنش منفی رسانه‌ها و بعضی نمایندگان مجلس درباره نیروگاه هسته‌ای بوشهر انتقاد کرده و گفته بود: طرح این‌گونه مباحث باعث بروز «جو بدبینی به روسیه» شده است در حالی که باید در این زمینه منصفانه قضاوت کرد.

سفیر ایران در روسیه نیز تأخیر در بهره‌برداری از نیروگاه بوشهر را با تحریم‌های علیه ایران مرتبط دانست و گفت «بخشی از تأخیرهایی که برای تکمیل آن (نیروگاه بوشهر) پیش آمده ناشی از تحریم‌هایی است که غربی‌ها اعمال کرده‌اند.

توجه کنید در تنظیم پازلی خبر، خبرنگار با افزودن اطلاعات جدید،

خبر را از حالت تک قهرمان و خطی خارج کرده است و به مخاطب اطلاعات وسیع‌تری از واقعه ارائه می‌کند. ضمناً به لحاظ ساخت خبر نیز دیگر از «وی گفت، وی افزود و سفیر ادامه داد» نیز خبری نیست. لذا توصیه می‌شود خبرنگاران هنگامی که اظهارات شخصیت، یا یک اطلاعیه یا یک سخنرانی و... را قرار است به خبر مبدل کنند، ابتدا باید از خود سؤال کنند:

ـ آیا این، همه خبر است؟

ـ آیا زوائدی ندارد که بشود آن را حذف کرد؟

ـ آیا خبر زوایای دیگری ندارد که بشود برآن افزود؟

ـ آیا قهرمانان دیگری برای خبر می‌توان آفرید؟

ـ پیشینه خبر کجا رفت؟

توصیه می‌شود حتی اگر مبنا و خمیرمایهٔ خبر شما قرار است همان اظهارات سفیر باشد، باز هم بگردید و چند پاراگراف تقویتی لابلای اظهارات سفیر اضافه کنید. و به ازای آن از مطالب تکراری و کم‌اهمیت بکاهید تا علاوه بر آنکه خبر خودتان را به لحاظ اطلاعات غنا می‌بخشید ریتم تک خطی وی گفت، وی افزود را نیز بشکنید.

پفک یا ماهی؟

در عین حال توجه داشته باشید اطلاعات تکمیلی یا مخلفات سفره خبر نباید نافرم و باری به‌هرجهت باشد. ممکن است خبرنگاری هوس کند، صرفاً برای اینکه به این توصیه عمل کرده باشد، به سمت کسب و افزودن اطلاعاتی حرکت کند که بر موجودیت و بار معنایی و محتوایی خبر نمی‌افزاید، این فرد مصداق آشپزی است که کنار سفره ماهی و در

حاشیه آن به همراه سبزی، هویج پخته، سیب زمینی و... کمی هم پفک!
گذاشته باشد.

خلاصه فصل ۳

در این فصل ما دربارهٔ مخلفات سفره خبر صحبت کردیم.
گفتیم: اکثر خبرهایی که ما تهیه می‌کنیم، می‌تواند با اخبار تکمیلی در همان رابطه پربارتر شود. لذا هرگاه خبری کسب می‌کنید، این سؤال مهم را از خودتان بپرسید
ـ دیگه چی؟
ـ آیا اطلاعات بیشتری در این رابطه وجود دارد؟
ـ آیا افراد بیشتری می‌توانند پازل‌های خبر ما را کامل‌تر کنند؟
ـ آیا عناصر خبری (شش خواهران) را می‌شود بسط داد؟
ـ آیا این خبر دارای سابقه و پیشینه است؟
گفتیم: اطلاعات تکمیلی لازمه هر خبر است و بعد اطلاعات تکمیلی را طبقه‌بندی کردیم:
ـ نقل‌قول
ـ پیشینه
ـ استفاده از تضادها
ـ مشاهدات عینی
ـ رنگ و توصیف (واقعیت‌های جزیی، حواشی مهم)
گفتیم: برای آنکه به مخاطب خود یک خبر مقوی و راضی‌کننده داده باشید، هنگام تهیه خبر، اخبار تکمیلی را مورد توجه قرار دهید.
گفتیم: توجه نکردن به اطلاعات تکمیلی منجر به تولید اخبار تک‌خطی می‌شود، اخباری که هم به لحاظ محتوا از غنای لازم برخوردار نیستند و

هم اینکه از ریتم موزونی پیروی نمی‌کنند.
و نهایتا گفتیم: اخبار خوب اخباری هستند که به شیوه پازلی تنظیم می‌شوند و خبرنگار در این شیوه اطلاعات را به شکل پازل قطعات در داخل متن به هم گره می‌زند.

تمرین ۱.

خبر مربوط به دادگاهی که در جریان آن وکیل دست دادستان را به طرز وحشتناکی فشرده بود، حتماً فراموش نکرده‌اید. به نظر شما اطلاعات تکمیلی این خبر چه می‌تواند باشد؟ مطمئن باشید که یک خبرنگار کارکشته از چنین موضوعی به راحتی نمی‌گذرد. سعی می‌کند حتی اگر وقت زیادی برای صرف کردن ندارد، در همان زمان محدود نیز اطلاعات تکمیلی را به دست آورد؛ سرنوشت خانم وکیل بعد از بازداشت شدن چه شد؟ آیا قانونی دربارهٔ چنین حرکتی وجود دارد؟ بر سر خانم دادستان چه آمد؟ قاضی در این باره چه نظری دارد؟ بدون پاسخ دادن به این سؤال‌ها شما تنها ماهی را جلوی میهمان خود گذاشته‌اید؛ پس سریعاً به فکر تهیه مخلفات سفره یعنی سبزی، هویج‌پخته، سیب‌زمینی و چند قاشق برنج (اطلاعات تکمیلی) باشید.

در پی وقوع این حادثه، کتی رنتاس یک شب را در سلول انفرادی بازداشتگاه بسر برد.

او هم اکنون با تسلیم وثیقه ۱۰۰ هزار دلاری آزاد شده است.

دادگاه او را موظف کرده است که از لحاظ روحی و روانی مورد آزمایش قرار بگیرد.

قاضی همچنین به وی دستور داده که ابداً به جنیفر کین نزدیک نشود.

هر چند کتی رنتاس تأکید کرده که قصد صدمه‌زدن به خانم کین را نداشته، او هم اکنون با مجازات یک سال زندان روبه‌رو است.

در این رابطه، سخنگوی دفتر دادستان فدرال فلوریدا گفته که حمله به یک

مقام فدرال جرمی جدی است و کیفرخواستی در این رابطه علیه کتی رنتاس مطرح می‌شود.

اکنون شما با کمک این اطلاعات یک خبر پازلی درست کنید

تمرین ۲.

تیم‌ملی فوتبال ایران با تیم‌ملی فوتبال عربستان در زمین حریف بازی کرده و با نتیجه ۱-۱ مساوی به کار خود پایان داده است. مربی تیم‌ملی فوتبال ایران علی دایی است. این بازی در چارچوب بازی‌های مقدماتی جام جهانی برگزار شد و قرار است بازی برگشت هفته آینده در ایران پیگیری شود. شما برای مخلفات این خبر چه مطالبی را پیشنهاد می‌کنید.

تمرین ۳.

برای خبر زیر چه مخلفاتی را (اخبار تکمیلی) پیشنهاد می‌کنید؟

وزارت خارجه بلژیک روز سه‌شنبه (۱۴ اوت) اعلام کرد دو جهانگردی که در جنوب‌شرقی ایران ربوده شده بودند، آزاد شده و در شرایط مناسبی به سر می‌برند.

وزارت خارجه بلژیک در بیانیه‌ای گفت که مادر یکی از افراد ناپدید شده، توانسته با وی تلفنی صحبت کند و آنها تأیید کردند که در سلامت به سر می‌برند.

بر اساس اطلاعیه وزارت خارجه بلژیک، وزیر امور خارجه این کشور که در تماس تلفنی، مادر یکی از این دو گمشده را در جریان اقدامات صورت گرفته گذاشته بود، از سفارت بلژیک در تهران خواسته است در اسرع وقت یکی از همکاران سفارت را به بم بفرستد. این کار البته باید با

موافقت مقامات ایران صورت گیرد.

تمرین ۴.

این خبر را بخوانید و زیر اطلاعات تکمیلی خط بکشید:

رضا ناجی بهترین بازیگر جشنواره برلین شد

جایزه خرس نقره‌ای بهترین بازیگر مرد، از آن رضا ناجی بازیگر فیلم «آواز گنجشک‌ها» به کارگردانی مجید مجیدی شد.

در این فیلم او نقش کارگر یک مزرعه پرورش شترمرغ را بازی می‌کند که کار خود را از دست می‌دهد و تلاش او برای کار کردن در شهر او را بیشتر به دردسر می‌اندازد.

فیلم برزیلی «یگان ویژه» به کارگردانی خوزه پادیلا دربارهٔ خشونت پلیس این کشور جایزه خرس‌طلایی بهترین فیلم پنجاه و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی برلین را دریافت کرد.

فیلم سینمایی «آواز گنجشک‌ها» یکی از ۲۱ فیلم شرکت کننده در بخش مسابقه جشنواره برلین بود.

«سالی‌هاکینز» نیز برای بازی در نقش یک معلم سی و چندساله در فیلم «بی غم» به کارگردانی «مایک لی» جایزه خرس‌نقره‌ای بازیگر زن را به خانه برد.

پل تامس اندرسن برای «خون به پا می‌شود» برنده جایزه خرس‌نقره‌ای بهترین کارگردانی شد. فیلم او در هشت رشته نامزد جوایز اسکار سال ۲۰۰۸ است.

ناجی برای دریافت جایزه اصلی جشنواره برلین رقیب قدرتمند خود، دانیل دی ـ لوئیس بازیگر فیلم «خون به پا می‌شود» را پشت‌سر گذاشت که به احتمال زیاد امسال جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را از آن خود می‌کند.

ناجی پس از دریافت جایزه خود گفت: «دوست دارم از برلینی‌ها تشکر کنم که عاشق هنرند. این جایزه را به کشورم که دوستش دارم، تقدیم می‌کنم و به سینمای ایران.»
پنجاه و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین از هفت فوریه (۱۸ بهمن) با نخستین نمایش جهانی مستند «نوری بتابان» به کارگردانی مارتین اسکورسیزی درباره گروه بریتانیایی رولینگ استونز کار خود را آغاز کرد. مرور فیلم‌های لوئیس بونوئل یکی از بخش‌های ویژه جشنواره امسال بود و فرانچسکو رزی با دریافت جایزه خرس‌طلایی افتخاری جشنواره تقدیر شد.

تمرین ۵.

برای تمرین بیشتر چند خبر از بخش سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و حوادث روزنامهٔ مورد علاقهٔ خود انتخاب و زیر مخلفات خبر خط بکشید و در حاشیه بنویسید که چه نوع مخلفاتی است، مثلاً نقل‌قول است؟ رنگ است؟ و یا...

تمرین ٦.

چند خبر تک خطی از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها استخراج کنید و آنها را با اطلاعات تکمیلی به خبر پازلی تبدیل کنید. (برای این کار می‌توان با سرچ کردن واژه‌های کلیدی در موتورهای جست‌وجوگر در اینترنت به اخبار تکمیلی دست یافت.)

۴

چیدن سفره خبر

غذایتان را مثل مهمانداران هواپیما بسته‌بندی کنید. روزنامه‌نگاران هم از اصطلاح بسته‌خبری[1] استفاده می‌کنند؛ کپسولی، فشرده، خلاصه و مفید و مهم‌تر از همه موادغذایی را به طور اصولی کنار هم قرار دهید.

اگر شما با پروازهای استاندارد، سفر کرده باشید، حتماً دیده‌اید برخی از آنها حتی بسته‌های غذا را هنگامی که درون سینی کوچکی مقابل شما قرار می‌دهند، از قبل شماره‌گذاری کرده‌اند. به شما توصیه می‌کنند ابتدا این غذا را میل کنید، سپس آن دیگری و... مثلاً به شما توصیه نمی‌کنند دسر شیرینی را ابتدا میل کنید، چرا؟ به این علت که جلوی اشتهای شما را

۱. اصطلاح بسته خبری بیشتر شامل مجموعه‌ای از اخبار متفاوت امّا هم‌جهت است که در نهایت قرار است خواننده را به یک ذهنیت ازپیش تعیین‌شده برساند. امّا در این جا منظور صرفاً یک خبر است. خبری که ممکن است دارای عناصر خبری متفاوت باشد، و خبرنگار مخلفات آن را خوب تدارک دیده باشد. بحث این است که این خبر با مخلفات خوب چگونه باید تنظیم شود و عناصر به چه ترتیبی کنار هم قرار گیرند.

خواهد گرفت. آنها ظاهراً نگران سلامتی شما هستند و به دنبال آن هستند که شما غذای مفیدی میل کنید و از خوردن آن لذت ببرید.

شما به عنوان خبرنگار باید همین فرمول را هنگام پخت و بسته‌بندی خبر در نظر بگیرید. خبرها را به گونه‌ای کنار هم بچینید که شنیدن و یا خواندن آن لذت‌بخش و فهم و درک آن آسان شود.

این کار باید به ترتیبی باشد تا مخاطب از خواندن خبر به بهترین برداشت مورد نظر برسد. این هنر در خبرنویسی به معنای ساختار بخشیدن به خبر است.

سبک‌های خبری

برای آنکه بتوانید یک خبر را اصولی تنظیم کنید، دانستن سه سبک زیر ضروری است. به این سه سبک، سبک پایه[1] می‌گوییم. به عبارتی آنها مادر دیگر سبک‌های خبری‌اند. دربخش دوم کتاب مشاهده خواهید کرد که چگونه سبک‌های پیشرفته وامدار سه سبک پایه هستند.

ـ سبک هرم (سبک ترتیبی یا تاریخی[2])

ـ سبک هرم وارونه[3]

ـ سبک تلفیقی (هرم به همراه پاراگراف شروع هرم وارونه[4])

برای تنظیم خبر در شرایط پیچیده‌تر سبک‌های دیگری هم وجود دارد، امّا سه‌سبک یادشده پایه واساس تنظیم همه نوع خبر است. اگر شما این سه‌سبک را فرا بگیرد در هر شرایطی می‌توانید گلیم‌تان را از آب بکشید.

---

1. The Basic News Story.
2. Chronological Style / pyramid technique
3. Inverted Pyramid.
4. Combinatiion Style.

سبک هرم

در سبک هرم شما باید خبرتان را به ترتیبی که واقعه روی داده است، گزارش کنید. این ساختار، سبک تاریخی هم لقب گرفته است. به این علت که می‌توان آن را از ساعت آ تا ب و پ و ت و... ی به ترتیب زمان وقوع پی گرفت. برای ذکر یک مثال اجازه بدهید به خبر ورزشی مربوط به بازی میان تیم فوتبال استقلال و مقاومت سپاسی بپردازیم. می‌خواهیم ببینیم این خبر به سبک هرم چگونه باید تنظیم شود:

در حالی‌که ورزشگاه آزادی در یک روز نه چندان سرد زمستانی تنها حدود ۷ هزار تماشاگر را در خود جای داده بود، استقلال تهران امروز به دیدار مقاومت سپاسی شیراز رفت.

در این بازی تیم مقاومت گل اول مسابقه را در دقیقه ۲۲ روی اشتباه دروازه‌بان خود دریافت کرد. دروازه‌بان ابتدا ضربه کیانوش رحمتی را از فاصله ۳۰ متری گرفت، ولی توپ از دستانش رها شد و درون دروازه رفت.

برتری استقلال در نیمه‌اول یک گل دیگر هم برای آبی‌ها همراه داشت. در دقیقه ۴۵، پاس خوب آرش برهانی با اشتباه مصطفی صبری، مدافع تیم مقاومت فرهاد مجیدی را با دروازه‌بان تک به تک کرد و او از داخل محوطه جریمه گل دوم استقلال را زد.

در آغاز نیمه دوم، اشتباه فاحش محمد محمدی، دروازه‌بان استقلال مقاومت را به گل رساند. مهرداد کریمیان روی خروج اشتباه محمدی در دقیقه ۴۶ توپ را از میانه زمین درون دروازه خالی فرستاد و اختلاف به یک گل رسید. مقاومت با این گل به بازی برگشت و به سوی دروازه میزبان حمله کرد. مهاجمان استقلال هم در این نیمه چند موقعیت جدی را از دست دادند تا در دقیقه ۹۰ یک گل عجیب به تیم خودی بازی را به تساوی بکشاند؛

ضربه سر مهاجم مقاومت در حالی که بیرون می‌رفت با دفع اشتباه امیرحسین صادقی وارد دروازه استقلال شد و بلافاصله فریادهای اعتراض تماشاگران و شعارها علیه صمد مرفاوی بلند شد.

امّا کاپیتان استقلال ۲ دقیقه بعد همه چیز را جبران کرد. مجیدی در میان آشفتگی مدافعان حریف در دقیقه ۹۲ با ضربه‌ای محکم باز هم از درون محوطه جریمه دروازه مقاومت را باز کرد و تیمش را نجات داد. مجیدی پس از این گل با بغض شادی کرد و مرفاوی نیز روی نیمکت اشک ریخت.

استقلال در هفته نوزدهم لیگ برتر در حالی به مصاف این تیم شیرازی رفت که باشگاه استقلال رضا عنایتی، سیاوش اکبرپور و حسین کاظمی را به دلایل انضباطی از همراهی تیم در هشت بازی لیگ برتر محروم کرده بود.

استقلال پس از سه شکست رنگ پیروزی را دید، ۳۰ امتیازی شد و با سه پله صعود به رده چهارم رسید.

دقت کنید ما در بالا، خبر بازی استقلال و مقاومت سپاسی را به ترتیبی که واقع شده بود، گزارش کردیم. این خبر از تعداد تماشاگران شروع می‌شود و گل‌ها را به ترتیب زمانی بیان می‌کند و در پایان به پس زمینه‌های مهم اشاره دارد. اگرچه شروع جذابی ندارد امّا در مجموع به لحاظ تنظیم، خبر بدی هم نشده است.

سبک هرم وارونه

در سبک هرم وارونه، خبر ساختار تاریخی ـ ترتیبی خود را از دست می‌دهد و چینش آن براساس اهمیت پایه‌گذاری می‌شود. در سبک هرم وارونه که از سبک‌های پایه محسوب می‌شود، پاراگراف اول مهم‌ترین

است، باید مهم‌ترین نکته در شروع گفته شود. به قول دان هندرسون، دستیار سردبیر روزنامه The Commercial Appeal خبر پایه شبیه فرمولی برای نوشتن یک رمان دربارهٔ غرب قدیم است: کلانتر را در نخستین پاراگراف تیرباران کنید. (Rich, 2005:35)



پاراگراف بعدی از اهمیت کمتری نسبت به پاراگراف اول برخوردار است و به همین ترتیب پاراگراف‌های خبر ادامه پیدا می‌کند تا پاراگراف نهایی که اهمیت آن کمترین است. اکنون اجازه بدهید به خبر قبلی بازگردیم و آن را به سبک هرم وارونه تنظیم کنیم:

فرهاد مجیدی، کاپیتان استقلال در دقیقه ۹۲ بازی مقابل مقاومت سپاسی شیرازگل برتری تیمش را زد تا خودش بغض کند، مرفاوی اشک بریزد و استقلال نجات پیدا کند.

گل پیروزی بخش کاپیتان در آزادی، در حالی زده شد که در دقیقه ۹۰ استقلال گل تساوی را دریافت و همزمان شعارها علیه سرمربی این تیم،

سکوهای ورزشگاه آزادی را پرکرده بود.

این در حالی بود که حاشیه‌های استقلال پس از سه شکست پیاپی هفته‌های گذشته و سقوط به رده هفتم در اوج بود. جدا از جنگ لفظی صمد مرفاوی و امیر قلعه‌نویی، باشگاه استقلال رضا عنایتی، سیاوش اکبرپور و حسین کاظمی را به دلایل انضباطی از همراهی تیم در هشت بازی لیگ برتر محروم کرده بود.

گل اول استقلال در یک روز نه چندان سرد زمستانی در حالی‌که تنها ۷ هزار تماشاگر، استقلال را همراهی می‌کردند در دقیقه ۲۲ روی اشتباه دروازه‌بان مقاومت زده شد. دروازه‌بان ابتدا ضربه کیانوش رحمتی را از فاصله ۳۰ متری گرفت، ولی توپ از دستانش رها شد و درون دروازه رفت.

برتری استقلال در نیمه اول یک گل دیگر هم برای آبی‌ها همراه داشت. در دقیقه ۴۵، پاس خوب آرش برهانی با اشتباه مصطفی صبری، مدافع مقاومت فرهاد مجیدی را با دروازه‌بان تک به تک کرد و او از داخل محوطه جریمه گل دوم استقلال را زد.

در آغاز نیمه دوم اشتباه فاحش محمد محمدی، دروازه‌بان استقلال، مقاومت را به گل رساند. مهرداد کریمیان روی خروج اشتباه محمدی در دقیقه ۴۶ توپ را از میانه زمین درون دروازه خالی فرستاد و اختلاف به یک گل رسید. مقاومت با این گل به بازی برگشت و به سوی دروازه میزبان حمله کرد. مهاجمان استقلال هم در این نیمه چند موقعیت جدی را از دست دادند تا در دقیقه ۴۶ یک گل عجیب به تیم خودی بازی را به تساوی بکشاند؛ ضربه سر مهاجم مقاومت در حالی که بیرون می‌رفت با دفع اشتباه امیرحسین صادقی وارد دروازه استقلال شد و بلافاصله فریادهای اعتراض تماشاگران و شعارها علیه صمد مرفاوی بلند شد.

امّا کاپیتان استقلال ۲ دقیقه بعد همه چیز را جبران کرد. مجیدی در میان آشفتگی مدافعان حریف در دقیقه ۹۲ با ضربه‌ای محکم باز هم از درون محوطه جریمه دروازه مقاومت را باز کرد و تیمش را نجات داد. مجیدی پس از این گل با بغض شادی کرد و مرفاوی نیز روی نیمکت اشک ریخت.
استقلال پس از سه شکست پی در پی در پایان هفته نوزدهم لیگ برتر، رنگ پیروزی را دید، ۳۰ امتیازی شد و با سه پله صعود به رده چهارم رسید.

همان‌طور که در تنظیم هرم وارونه ملاحظه می‌کنید، لید یا پاراگراف اول از مهم‌ترین و جالب‌ترین واقعه تشکیل شده است. واژه‌های بغض، اشک و نجات استقلال، مخاطب را در همان ابتدا (لید) نسبت به خبر حساس می‌کند.

در دو پاراگراف بعدی شرایط دشوار استقلال در لیگ و حتی در همین بازی و حاشیه‌های آن یعنی درگیری مربی فعلی و سابق و اخراج انضباطی سه بازیکن کلیدی، ما را متوجه این نکته می‌کند که چرا باید این برد حساسیت‌برانگیز باشد. پاراگراف‌های بعدی تا اندازه زیادی شبیه خبر قبلی است و این به دلیل نوع خبر است در حالی که مثلاً اگر ما با خبر یک بیانیه یا سخنرانی روبه‌رو بودیم، ممکن بود پاراگراف‌های بیشتری از خبر در دو سبک هرم و هرم وارونه تغییر می‌کرد.

در سبک هرم وارونه مهم‌ترین پاراگراف همان لید (سوپ خبر) است. در سبک هرم، ورودی خبر را واقعه و رویداد تعیین می‌کند و دخالت خبرنگار در تغییر آن بسیار اندک است، امّا ورودی (لید) در سبک هرم وارونه کاملاً انتخابی است و ماهرانه و با توجه به مهم‌ترین عنصر از سوی خبرنگار گزینش می‌شود.

سبک تلفیقی (هرم همراه با لید)

سبک تلفیقی مدلی برگرفته از هر دو سبک یاد شده است. در این سبک ابتدا لید را از سبک هرم وارونه استفاده می‌کنیم و سپس خبر را به سبک هرم (ترتیبی) پی می‌گیریم. به تنظیم همین خبر به سبک تلفیقی توجه کنید:

فرهاد مجیدی، کاپیتان استقلال در دقیقه ۹۲ بازی مقابل مقاومت سپاسی شیراز گل برتری تیمش را زد، تا خودش بغض کند، مرفاوی اشک بریزد و استقلال نجات پیدا کند.

در این بازی که در یک روز زمستانی نه چندان سرد تنها ۷ هزار نفر از روی سکوهای آزادی آن را تماشا کردند، تیم مقاومت گل اول مسابقه را در دقیقه ۲۲ روی اشتباه دروازه‌بان خود دریافت کرد. دروازه‌بان ابتدا ضربه کیانوش رحمتی را از فاصله ۳۰ متری گرفت، ولی توپ از دستانش رها شد و درون دروازه رفت

.... بقیه خبر به همان شکلی که در سبک هرم آمد در اینجا ادامه می‌یابد.

همان گونه که مشاهده می‌شود، بعد از پاراگراف اول یا همان لید، بقیه خبر همان خبر سبک هرم است که تقریباً بدون هیچ تغییر عمده‌ای در اینجا آورده شده است.

نرم خبرها[1] و سخت خبرها[2]

اکنون که از سبک‌های پایه سخن به میان آمد، شاید لازم باشد دربارهٔ اخبار سخت و اخبار نرم هم صحبت کنیم.

1. Soft news
2. Hard news

سخت خبرها از ابتدای تاریخ روزنامه‌نگاری بوده‌اند، امّا ظهور نرم خبرها به دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد، زمانی که رسانه‌های مکتوب در آمریکا به منظور تداوم بخشیدن به حیات خود ـ در رقابت با ماهواره‌ها و اینترنت ـ به داستانی کردن اخبار خاص پرداختند تا بر جذابیت نوشتاری خود به منظور جلب‌نظر مخاطبان بیشتر بیفزایند.

خبر سخت نوعاً به خبرهای سیاسی و خبرهای مرتبط با آن اشاره دارد که روزنامه‌نگاران عقیده دارند شهروندان برای انجام وظایف دموکراتیک خود به آنها نیاز دارند. (گنز، ۱۳۸۵: ۷۲)

توماس پترسون، به صراحت می‌گوید: «خبر سخت به پوشش رویدادهای تازه مربوط به رهبران رده‌بالا، مسائل مهم، یا گسیختگی مهم در جریان عادی زندگی روزمره، مثل زلزله یا فاجعه هوایی، اشاره می‌کند که از جهت توانایی شهروندان برای شناخت و واکنش به امور عمومی جهان اهمیت دارد بنا به این تعریف، خبر که از این نوع نباشد نرم خبر است. (گنز، ۱۳۸۵: ۷۲)

بر این اساس، خبر نرم مقوله باقی‌مانده بسیار ناهمگونی است، مشتمل بر علایق انسانی، رسوایی‌ها، تفریحات و شرح‌حال مشاهیر که در حال حاضر حتی در برترین روزنامه‌ها نیز دیده می‌شود. شکل دیگر نرم خبر که گاهی کمتر مورد انتقاد شدید واقع شده، گزارش ویژه‌ای است که اطلاعات سودمندی برای زندگی روزمره مردم فراهم می‌کند، مثلاً برای جلوگیری از حمله قلبی، داشتن برنامه غذایی سالم و سبک زندگی جدید و فعالیت‌های اوقات فراغت که تصور می‌شود کیفیت زندگی را بالا

می‌برند لازم است. در واقع خبرنرم غالبا «اطلاع ـ سرگرمی» خوانده می‌شود. (گنز، ۱۳۸۵: ۷۳)

در عین حال باید توجه داشت که اصطلاح خبرنرم گمراه‌کننده است از این اصطلاح چنین استنباط می‌شود که مطلب سمت و سوی درستی ندارد و اهمیت آن کمتر از مطالب سخت صفحه مقابل است بی‌تردید درست است که این‌گونه نوشته‌ها به گزارش فوری یک رویداد بستگی ندارد امّا اهمیت آنها را از این طریق نمی‌توان آزمود. واقعیت این است که برخی از مطالب، با آنکه در ردیف اخبار سخت رایج قرار نمی‌گیرند، با موضوع‌های بسیار سخت سروکار دارند. شاید بهتر باشد که بجای واژه‌های سخت و نرم «اخبار حوادث[1]» و «اخبار مسائل[2]» را به‌کار ببریم. (تامسون: ۲۱)

امّا نرم‌خبر چیست؟

اگر به نوشتن نرم‌خبرها پس از این مبحث علاقه‌مند شدید، به شما توصیه می‌کنم کتاب «نرم خبر و سخت خبر[3]» را مطالعه کنید. برای شناخت بیشتر، ابتدا اجازه بدهید در چهار زمینه تفاوت میان نرم‌خبر و سخت‌خبر را مشخص کنیم. این تفاوت‌ها به بهترین شکل دو مقوله یادشده را به ما می‌شناسانند و مقدمه ورود به این عرصه را فراهم می‌کنند.

---

1. event news
2. issue news

۳. نرم‌خبر و سخت‌خبر، بروس دی‌ایتول، داگلاس ای اندرسن، اندائیو یوکو و توماس ای پترسون. مترجم، محمدرضا نوروزپور. انتشارات ثانیه ۱۳۸۴.

۱. زمان انتشار

اخبار سخت، اخبار فوری، فوتی هستند. رابطه خبر سخت و زمان انتشار مثل رابطه ماهی و آب است. اگر شما ماهی را چند دقیقه‌ای بیرون آب نگاه دارید، می‌میرد. اخبار سخت نیز همین طور هستند اگر نجنبید، خبر خواهد سوخت. متقابلاً اخبار نرم فوری، فوتی نیستند.
رابطه نرم خبر و زمانِ انتشار مثل رابطه درخت و آب است؛ می‌شود چند روزی به درخت آب نداد، در حالی که او به حیات خود ادامه می‌دهد. نرم‌خبرها هم اگر چند روز پس و پیش شوند خبر سوخته محسوب نخواهند شد.

فرض کنید رئیس جمهور امروز برای شرکت در اجلاس سازمان ملل وارد نیویورک شده است، اگر این خبر را بلافاصله اعلام نکنید خواهد سوخت، لذا به آن سخت‌خبر می‌گوییم. امّا حاشیه سخنرانی رئیس جمهور در میهمانی شام سفارت می‌تواند طی یک هفته و یا بیشتر قابل پردازش باشد؛ به این می‌گوییم نرم‌خبر.

۲. جنس خبر

اخبار سخت، اخبار جدی‌تر هستند. مثل اخباری که از فعالیت روزمره و کاری سیاستمداران تولید می‌شود. اخبار دولت و مجلس، اخبار اقتصادی، اخبار حوادث بزرگ مثل سیل و زلزله و... اخبار اعتصابات کارگری، اخبار جنگ و درگیری و...، امّا اخبار نرم، اخباری هستند که بیشتر به مسائل انسانی می‌پردازند، به سرگرمی نزدیک‌اند و به حواشی جامعه بیشتر نظر می‌کنند. بنا به یک تعریف غیر متعارف امّا جالب، نرم

خبرها، اخبار پشت‌صحنه مردان سخت‌خبر هستند. وقتی شما اخبار کاری یک سیاستمدار را پوشش خبری می‌دهید با سخت‌خبرها سر و کار دارید، امّا وقتی به خانواده او توجه می‌کنید و وارد زندگی خصوصی او می‌شوید، عملاً به عرصه نرم خبر ورود کرده‌اید؛ «شهردار امروز چه مرکزی را افتتاح کرد؟» این یک سخت‌خبر است. «فرزندان شهردار چه می‌کنند؟» این یک نرم‌خبر است.

۳. زبان خبر

زبان سخت‌خبر، زبان خشک و رسمی است. سخت‌خبر به‌لحاظ زبانی، کلیشه‌ای و اطوکشیده بیان می‌شود امّا نرم‌خبرها از انعطاف زبانی بیشتری برخوردارند. نرم‌خبرها داستانی، روایی و توصیفی نوشته می‌شوند.

به این مثال توجه کنید: حضور موش‌ها در اطراف فرودگاه شیپول در آمستردام هلند، باعث حضور پرندگان شکاری در این منطقه و نهایتاً خطر برای هواپیماها و مسافران هوایی شده است. روزنامه الگمین داجبالد این موضوع را در یک نرم‌خبر مورد توجه قرار داده است، بخشی از این خبر را ببینید.

> اگر بخواهید بین موش‌ها، پرندگان شکاری، کاشتن گل لاله و فرودگاه ارتباط برقرار کنید، مطمئناً به نتیجه مناسبی نخواهید رسید امّا مسوولان فرودگاه شیپول در آمستردام ارتباط هر یک از این‌ها با دیگری را به درستی کشف کرده‌اند.
>
> موش‌ها طعمه خوبی برای پرندگان شکاری حاضر در محوطه فرودگاه و بزرگترین خطر برای هواپیماها محسوب می‌شوند و امّا گل لاله.

پژوهشگران هلندی کشف کرده‌اند که موش‌ها به شدت از بوی لاله بیزارند و لاله‌کاری در اطراف فرودگاه سبب فرار این جانور و در نتیجه دور شدن پرندگان شکاری از اطراف فرودگاه می‌شود.»... (ایتول، ۱۳۸۴: ۸۴)

۴. سبک تنظیم خبر

سخت خبرها اصولاً برمبنای هرم وارونه تنظیم می‌شوند امّا نرم‌خبرها به لحاظ تنظیم خبری از تنوع بیشتری برخوردارند.

اینها تفاوت‌های اساسی نرم‌خبر و سخت‌خبر هستند، امّا نباید این ذهنیت در نزد شما فراهم شده باشد که نرم‌خبرها اخبار مهم نیستند، بلکه نرم‌خبرها درکنار روزنامه‌نگاری انتقادی نقد و بررسی می‌شوند. سبکی از پردازش خبری که با توجه به چهار مشخصه بالا فرصت دارد تا دربارهٔ ناهنجاری‌های جامعه به مخاطب تلنگر بزند و او را بیدار کند. این نوع خبرها بجای آنکه مانند سخت‌خبرها رویدادمدار[1] باشند، فرایندمدار[2] هستند. و اگر درست و به موقع به کار گرفته شوند، کارآمدترند و تأثیرات مثبت از خود برجای می‌گذارند.

یک توضیح ضروری

گروهی از روزنامه‌نگاران بر این اعتقادند که اخبار «فوری ـ فوتی» که به سبک «هرم وارونه» نوشته می‌شوند نیز می‌توانند به سبک نرم نوشته شوند. واقعیت این است که اگر چه به قطعیت نمی‌توان چنین برداشتی را تأیید کرد، در عین حال تنوع و هنرمندی نگارش رسانه‌ای و خلاقانه بودن

---

1. event new. 2. process news.

این هنر هرگونه «باید و نباید» در این عرصه را محدود می‌کند. به لید این خبر که یک خبر فوری ـ فوتی است توجه کنید.

ابتدا لید به سبک سخت:

جاشوآ اسمیت، رهبر شورشی سابق، امشب با به دست آوردن بیش از ۸۰ درصد آرا در اولین انتخابات دموکراتیک این کشور از سال ۱۹۹۳ تا کنون، به عنوان نخست وزیر انتخاب شد.

لید به سبک نرم:

جاشوآ اسمیت در یانگ‌تاون بزرگ شد، پسری خردسال با آرزوهای بزرگ. او که قد و قامتی کوچک‌تر از همسالان خود داشت، می‌گوید که پسرهای بزرگ‌تر در مدرسه همیشه او را اذیت می‌کردند. وقتی که او به معلم دستور زبان مدرسه‌اش گفت: روزی نخست وزیر خواهد شد، معلم‌اش به او خندید. امّا اکنون هیچ کس به این حرف نمی‌خندد. روزگذشته اسمیت با به دست آوردن بیش از ۸۰ درصد آرا، به عنوان اولین رهبر منتخب کشور در اولین انتخابات آزاد از سال ۱۹۹۳ قدرت را در دست دارد (Potter, 2006)

اگر دقت کنیم می‌بینیم که باز هم لید اول که سخت است، فوری ـ فوتی‌تر از لید دوم است در لید اول اشاره به «امشب» دارد و در لید دوم که به نظر می‌رسد، برای روزنامه تنظیم شده «روزگذشته» آورده شده است. اکنون سؤال این است که آیا اگر گوینده خبر اول که فرض کنید در یک سایت خبری منتشر شده یا از یک رادیو و یا شبکه تلویزیونی خوانده شده به متن دوم دسترسی داشت آیا بهتر نبود آن را به شکل نمونه دوم ارائه کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سوال منفی باشد چرا که خواننده در زمان شنیدن خبر اول که گویی در فاصله اندکی از شمارش آرا در حال

شنیدن آن است، حتی حوصلهٔ این توصیف زیبا و کوتاه را نیز ندارد. او می‌خواهد هر چه سریع‌تر بداند که چه کسی برنده انتخابات بوده است، ولی اگر لید دوم در روزنامه فردا چاپ شده باشد از آنجا که عطش خوانندهٔ پیگیر تا حدودی فروکش کرده، نه تنها قابل قبول بلکه هنرمندانه و کاملاً حرفه‌ای است.

با وجود این توجه داشته باشید که در هر صورت نباید این توصیفات در یک سخت‌خبر به گونه‌ای باشد که جدیت خبر را کاهش دهد، و یا حجم مطالبی که خبر را نرم می‌کند،به قدری زیاد باشد که از سرعت اطلاع‌رسانی به مخاطب بکاهد.

و البته توجه داشته باشید که برخی از آموزه‌های روزنامه‌نگاری تزریق نرم‌نویسی به موضوعات سخت را لزوماً در چارچوب سافت نیوز به حساب نمی‌آورند، بلکه آن را نوعی روزنامه‌نگاری داستانی و پیشرفته به حساب می‌آورند که آن نیز جایگاه خود را دارد و در بخش دوم کتاب به آن پرداخته شده است.

خلاصه فصل چهارم

در این بخش دربارهٔ سبک‌های خبرنویسی صحبت کردیم.

گفتیم: برای آنکه بتوانید یک خبر را اصولی تنظیم کنید، سعی کنید سه سبک زیر را فرا گیرید:

ـ سبک هرم (سبک ترتیبی یا تاریخی)

ـ سبک هرم وارونه

ـ سبک تلفیقی (هرم به همراه لید)

بعد دربارهٔ هر یک توضیح دادیم و یک مثال مشخص را با سبک‌های مختلف تنظیم کردیم.

گفتیم: خبرنگاران باید توجه داشته باشند که هر موضوع خبری سبک خاص خود را می‌طلبد. لذا سعی کنید این تناسب را پیدا و از تنوع‌طلبی بی‌جا در این بخش پرهیز کنید.

گفتیم: بحثی به نام نرم‌خبر و سخت‌خبر نیز وجود دارد و تفاوت‌های چهارگانه این دو نوع خبر را برشمردیم.

تمرین ۱.

حداقل یک شماره از یک روزنامه را تجزیه و تحلیل کنید و بگویید که این روزنامه چند درصد خبرهایش را به سبک هرم وارونه و چند درصد را به سبک‌های دیگر اختصاص داده است.

تمرین ۲.

خبری را از روزنامه یا یک سایت خبری انتخاب کنید که قابلیت تنظیم به هر سه سبک را داشته باشد. ابتدا مشخص کنید که خود خبر به‌کدام سبک تنظیم شده است و بعد آن را به دو سبک دیگر تنظیم کنید.

تمرین ۳.

این خبر را به سه سبک خبری تنظیم کنید:

اعدام صدام از زبان شاهدان عینی

دیروز هیچ خارجی در لحظه اعدام حاضر نبود ولی مأموران امنیتی آمریکا که صدام را از زندان آورده بودند، بیرون ساختمان محل اجرای حکم موضع گرفته بودند.

موفق‌الرباعی، مشاور امنیت ملی عراق آن لحظات را این‌گونه توصیف می‌کند: «وقتی او را تحویل گرفتیم، به اتاق اجرای حکم بردیم. در آنجا یک قاضی، بازرس کل، معاون وزیر دادگستری، معاون وزیر کشور و چند معاون دیگر حضور داشتند. وقتی او را به ما تحویل دادند، به دستش دستبند زده بودند ولی قرآنی روی سینه داشت. صدام نشست و قاضی حکم اعدام را قرائت کرد.

بعد صدام را به پای چوبه‌دار بردیم و او داشت شعار می‌داد. همین. او بسیار، بسیار شکسته شده بود.»

سپس صدام که پیراهنی سفید و کت سیاه ضخیمی به تن داشت، در حالی که پاهایش به زمین کشیده می‌شد، به طرف چوبه‌دار هدایت شد. دستانش از پشت با دستبند بسته شده بود و چند مأمور نقابدار، دورش حلقه زده بودند.

یک نفر از حاضران مراسم خطاب به صدام فریاد می‌زند: «مستقیم به طرف جهنم.»

صدام‌حسین در حال پاسخ دادن به طعنه‌های آنان نشان داده می‌شود که مجریان اعدام را بی‌بهره از شجاعت یک عرب می‌خواند. در این هنگام، تخته اعدام ناگهان از زیر پای صدام کنار زده می‌شود و او از ریسمانی آویزان می‌شود.

یک تن از شاهدان مراسم اعدام می‌گوید که صدای شکستن گردن صدام‌حسین را شنیده است.

یک فیلم ویدئویی که از سوی دولت عراق منتشر شده، آخرین لحظات زندگی صدام‌حسین را نشان می‌دهد که از پذیرفتن سرپوش سیاه از مردان نقابداری که مأمور به دارآویختن او هستند، خودداری می‌کند. اعدام صدام‌حسین، در محوطه سازمان اطلاعات ارتش عراق صورت گرفت، جایی که به گفته مقامات عراقی، شاهد اعدام شماری از مخالفان صدام، توسط رژیم سابق عراق بوده است.

تمرین ۴.

برای مطلب مربوط به صدام حداقل یک لید به سبک نرم‌خبر بنویسید.

۵

بایدها و نبایدها

خبرنگاری، تنها آموزش چگونه نوشتن نیست. به عبارتی آشپزی خبری تنها به پخت و پز خلاصه نمی‌شود، شما ممکن است به عنوان خبرنگار گاهی نیز محصول «خبربیارها[1]» را تنظیم کنید. (مثل آشپزی که به کسی دستور خرید مواد غذایی می‌دهد، سپس آن مواد را به غذا تبدیل می‌کند) امّا همیشه این طور نیست. شما باید بتوانید خودتان موادخام و اولیه خبرتان را از بازار تهیه کنید. اگر شما نتوانید، موادغذایی مناسب و با کیفیت پیدا کنید، هر چقدر هم آشپز ماهری باشید، نخواهید توانست، محصولی با کیفت مقابل مخاطب قرار دهید. برای این کار باید برخی

---

۱. خبربیارها کارمند رسمی یا خبرنگار نیستند، اما توسط رسانه‌ها و یا خبرنگاران در حوزه‌های خاص برای آوردن خبرهای مهم اجیر می‌شوند. به طور مثال رسانه‌ای ممکن است یک دلال بورس را اجیر کند تا اتفاق‌های مهم در بازار بورس را بلافاصله پس از شنیدن به آن اطلاع دهد. خبرنگار حوزه هنگامی که خبر خام را از خبربیار دریافت کرد برای تکمیل آن فعالیت خبری خود را آغاز می‌کند.

مهارت‌های خود را تقویت کنید.

ویژگی‌های یک خبرنگار حرفه‌ای

یک خبرنگار علاوه بر آنکه لازم است تکنیک‌های اطلاع‌رسانی را به خوبی بداند، باید ویژگی‌های دیگری نیز داشته باشد:

- مردم دوستی
- صداقت و راستگویی
- جست‌وجوگری
- کنجکاوی
- صبوری و تلاشگری
- علاقه به مطالعه

مردم دوستی

خبرنگار چرا باید مردم دوست باشد؟ پاسخ به این سؤال، ساده است؛ اساس کار روزنامه‌نگاری مردم هستند. رسانه برای مردم منتشر می‌شود. رسالت روزنامه‌نگار اطلاع‌رسانی به مردم، آگاهی دادن و هدایت جامعه است. حتی مبنای سرگرمی، به عنوان کارکرد چهارم رسانه، به معنای مردم را به خواب بردن نیست، بلکه پرکردن اوقات فراغت به شکل سالم و مفید است. با وجود این، عنصر سرگرمی، دسر سفره غذای خبری محسوب می‌شود، اصل همان آگاهی دادن، اطلاع‌رسانی و هدایت است. اگر مردم را دوست نداشته باشیم، نمی‌توانیم دلسوز منافع آنان باشیم.

روزنامه‌نگار واقعی، توسعه‌مدار و منتقد است، در مقابل چه چیزی؟ در مورد کارکردهای جامعه. در مقابل مسوولان، در مقابل کسانی که امور

جامعه به دست آنان سپرده شده است. در حکومت‌های مردمی، اساس دموکراسی این است که مردم مسوولان را انتخاب می‌کنند و پس از آن سرگرم امور روزمره خود می‌شوند، آنها نمی‌توانند، خود مدام مراقب حرکات و اقدامات مسوولان باشند، لذا رسانه‌ها را مأمور می‌کنند تا از منافع آنان در مقابل دولتمردان مراقبت کنند، رسانه‌ها در چنین جامعه‌ای نقش نگهبان را ایفا می‌کنند. این یک قرارداد نانوشته امّا استوار است. لذا رسانه و خبرنگار موظفند که مردم را دوست داشته باشند و منافع آنان را ـ که خود نیز بخشی از همین مردم هستند ـ پاس بدارند.

صداقت و راستگویی

صادق بودن یعنی چه؟ اگر استدلال بالا شما را قانع کرده باشد، معنی‌اش این است که شما به عنوان خبرنگار وکالت مردم را قبول کرده‌اید، وکیل نمی‌تواند با موکل خود صادق و راستگو نباشد.

این نخستین شرط وکالت است. در این کسوت نباید قصد فریب او را داشته باشید. شما باید خبر را آنگونه که اتفاق افتاده ـ نه آن طور که برخی مواقع هوس می‌کنید، یا منافع شخصی و گروهی‌تان ایجاب می‌کند ـ به اطلاع مخاطب برسانید. اگر با او صادق باشید، شما را باور خواهد کرد و حرف و سخن شما و رسانه شما برای او حجت خواهد شد و از آن تأثیر خواهد گرفت. چیزی که آرزوی هر رسانه است.

تقاضای عینی‌گرا بودن و بی‌طرفی از روزنامه‌نگاران، در دنیای امروز، شاید کمی بیش از حد یک درخواست ایده‌ال و رؤیاپردازانه باشد، امّا می‌توان آرزو کرد که خبرنگاران بدون‌غرض اخبار خود را مکتوب و منتشر کنند.

جست‌وجوگری

چرا جست‌وجوگری؟ سؤال کردن و پرسیدن اصل اول تحقیق و جست‌وجوگری است و بنیاد تهیه خبر، پرسیدن سؤال است. لذا خبرنگار خوب یعنی محقق ژورنالیست، کسی است که هر موضوعی را به صرف می‌گویند و شنیده می‌شود، منتشر نمی‌کند. از منابع معتبر کسب اطلاع و حتی اخبار مهم را از بیش از یک منبع دریافت می‌کند.

با همین استدلال دفترچه تلفن وی پربار است. در حوزه کاری خودش با کارشناسان و مسوولان متعددی در تماس است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شناخت یک خبرنگار حرفه‌ای بررسی دفترچه تلفن وی و میزان تماس با این منابع است. خبرنگار حرفه‌ای علاوه بر آنکه افراد زیادی را در حوزه فعالیت خود می‌شناسد، سعی می‌کند در نزد آنان فراموش نشود. به همین علت هرازگاهی با هر یک از آنان به بهانه‌های مختلف تماس می‌گیرد.

خبرنگار حرفه‌ای همچنین با مقوله‌ای به نام آرشیو آشنا و مأنوس است. به محض آنکه با خبر مهمی روبه‌رو می‌شود ابتدا به دنبال سابقه آن می‌رود. ذهن جست‌وجوگر یعنی اینکه با شنیدن هر خبر از خودمان بپرسیم:

ـ این خبر چه می‌گوید؟
ـ آیا خبر پس زمینه و تاریخچه‌ای هم دارد؟
ـ چه کسی و یا کسانی مسوول و پاسخگو هستند؟
ـ آیا کسانی هستند که بتوانند دربارهٔ آن اظهارنظر کنند و بر بار آن بیفزایند.
ـ چه کسانی ذی‌نفع هستند؟
ـ چه کسانی ضرر می‌کنند؟

ـ کارشناسان بی‌طرف چه کسانی هستند؟

اینترنت را فراموش نکنید! اینترنت در عصر حاضر مهم‌ترین آرشیو خبری است، با این توصیه که مراقب منابع مشکوک، بی‌اعتبار و کم‌اعتبار هم باشید، هر چیزی که موتورهای جست‌وجوگر به شما دادند، لزوماً قابل انتشار نیست. از خبرگزاری‌ها و سایت‌های شناخته شده و معتبر استفاده کنید.

کنجکاو بودن

واژه «کنجکاوی» را معادل «فضولی» بگیرید. با وجود این سعی کنید، فضول متشخصی باشید. فضول متشخص کسی است که به همه روزنه‌های حوزه‌های خبری خود با رعایت آداب ارتباطی سرک می‌کشد. می‌خواهد از هر چیزی سر در بیاورد. محترمانه همه را سین، جیم می‌کند. عناصر خبری را دوست دارد بویژه دو عنصر چه و چرا را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد. اگر از در بیرونش کردند از پنجره دوباره وارد می‌شود. و اگر به او گفتند که بی‌جهت موضوع را پی‌گیری نکند، از دریچهٔ دیگری وارد موضوع می‌شود.

کنجکاوی دربارهٔ عناصر خبری اساس و پایه تهیه و تنظیم یک خبر است. اجازه بدهید این بخش را از خانم دبوره پاتر[1] وام بگیریم و به سؤال‌های دقیق وی در این بخش نظر بیفکنیم، او می‌گوید:

«اطلاعات جمع‌آوری شده توسط روزنامه‌نگار باید به پرسش‌های چه کسی؟ چه (چه چیز؟ کدام؟)، کجا؟ چه وقت؟ چرا و چگونه؟ پاسخ دهد.

---

1. Deborah Poter

با توجه به پیچیدگی داستان، خبرنگار ممکن است این سؤال‌ها را به طرق گوناگونی مطرح کند. این پرسش‌ها کدامند؟

چه کسی؟

چه کسی دراین رویداد دخالت دارد؟

چه کسی متأثر از این رویداد است؟

چه کسی بهتر می‌تواند رویداد را شرح دهد؟

نام چه کسی در این رویداد ذکر نشده است؟

چه کسی اطلاعات بیشتری دربارهٔ این رویداد دارد؟

چه کسی در ستیز با این رویداد است؟

آیا وجه مشترکی میان افراد درگیر وجود دارد؟

با چه کس دیگری می‌توان دربارهٔ این رویداد صحبت کرد؟

چه (چه چیز؟ کدام؟)

چه اتفاقی افتاده؟

نکته مهم این گزارش چیست؟

واقعا در پی بیان چه چیزی هستم؟

خواننده، بیننده و شنونده این خبر برای فهم این گزارش به چه چیزی احتیاج دارد؟

چه چیزی مرا غافلگیر کرد؟

مهم‌ترین حقیقتی که دریافتم چه بود؟

تاریخچه موضوع چیست؟ اتفاق بعدی چیست؟

در این باره از دست مردم چه کاری برمی‌آید؟

کجا؟

رویداد در کجا رخ داد؟

برای تکمیل گزارش به‌کجا باید رفت؟
رویداد چگونه ادامه می‌یابد؟
سرانجام آن چگونه خواهد بود؟

چه زمان؟

رویداد چه زمان رخ داد؟
نقطه عطف رویداد چه زمانی رخ داد؟
برای گزارش این رویداد چه زمانی مناسب‌تر است؟

چرا؟

چرا چنین رویدای رخ می‌دهد؟
آیا تنها یک اتفاق مجزا است یا بخشی از یک سلسله حوادث؟
چرا مردم این‌گونه رفتار می‌کنند؟
انگیزه آنها چیست؟
این موضوع چرا اهمیت دارد؟
چرا باید برای مخاطب جالب باشد؟
چرا اطمینان دارم که گزارش صحیح است؟

چگونه؟

رویداد مورد نظر چگونه رخ داد؟
این اتفاق چگونه بر مسائل تأثیر می‌گذارد؟
این گزارش چگونه به مخاطب یا جامعه کمک می‌کند؟
این اطلاعات را چگونه به دست آورده‌ام؟
آیا موضوعات نسبت داده شده روشن و واضح هستند؟
این گزارش را مخاطب چگونه برای دیگری بازگو خواهد کرد؟

بسیاری از خبرنگاران این موارد را به صورت ذهنی مرور کرده تا از

پوشش دادن نکات مهم رویداد اطمینان حاصل کنند. (Potter, 2006)

کنجکاوی بال دیگر جست‌وجوگری است.اگر این دو را داشته باشید، در به‌دست آوردن مواد خبری سرآمد می‌شوید.

صبوری و تلاشگری

بدون صبر و تلاش دو مورد قبلی ممکن نیست؛ کنجکاو باشید، جست‌وجو کنید و البته با صبوری کار خودتان را پیش ببرید. ممکن است عده‌ای بگویند که کار خبری با صبر همخوانی ندارد، چون سرعت در آن حرف اول را می‌زند. باید گفت: «بله امّا منظور ما از صبوری، خسته نشدن در جست‌وجوگری و به نتیجه رسیدن است.

خبرنگار هوشمند می‌داند که هر خبر چه مقدار ارزش دارد و برای هر خبر با توجه به موضوع، اهمیت و دیگر ملاحظات چه مقدار باید کنجکاوی و جست‌وجو را ادامه داد.

هوشمندی خبری (یا همان شم خبری) با تلاش و استمرار در کار به‌دست می‌آید. لذا از تجربه‌ها برای اصلاح و بهبود کارتان بهره‌برداری کنید. از شکست‌های خبری درس بگیرید و از آنها کلیدهای طلایی پیروزی بسازید.

مطالعه مستمر داشته باشید

منظور از مطالعه مستمر، یک فرایند پیچیده و در عین حال ساده است، پیچیده به این معنا که چندبُعدی است و ساده به این معنا که برای همه قابل پی‌گیری است.

منظور، دقیقاً این نیست که در منزل بنشینید و کتاب بخوانید بلکه

منظور این است که استمرار در پی‌گیری موضوعاتی داشته باشید که با آنها در تحریریه خبری مرتبط هستید. اخبار رادیو تلویزیون را پی بگیرید، به سایت‌های خبری سرک بکشید. روزنامه‌ها را مطالعه کنید و با مردمِ کوچه و بازار تماس خودتان را قطع نکنید. این توصیه‌ای به زندگی ماشین‌وار نیست، امّا هرگاه میان سریال مورد علاقه‌تان تلویزیون را به کانال اخبار ارجاع دادید، بدانید که یک اتفاق بزرگ در گرایش و علاقه شما به خبرنگاری و موفقیت در این شغل در حال شکل گرفتن است.

تریستان نیکولز ۲۲ سال دارد. او کارآموز خبرنگاری در روزنامه ایونینگ هرالد در انگلستان است. وی در دانشکده تحصیلات عالی پلای‌موت موفق به‌گذراندن یک دوره دو ساله و کسب مدرک ملی صلاحیت حرفه‌ای در زمینهٔ رسانه‌ها شده است. از وی سؤال شده: لطفا در مورد کارهای روزانه‌تان کمی توضیح دهید. او می‌گوید:

اولین کاری که هر روز صبح انجام می‌دهم این است که به اخبار رادیو پلای‌موت گوش می‌کنم. همچنین اخبار تلویزیون را دنبال می‌کنم. بعد خبرهای تله‌تکست را می‌خوانم و در مسیر خانه تا محل کار هم در اتومبیل به تازه‌ترین خبرهای رادیو گوش می‌کنم. در محل کار هم به روزنامه وسترن مورنینگ نیوز[1] نگاهی می‌اندازم بعد پشت‌میز می‌نشینم و عناوین خبری خبرگزاری‌ها را روی رایانه مرور می‌کنم تا ببینم مطلب جدیدی هست یا خیر سپس نگاهی به فهرست کارهای روزانه که در دفتر روزنامه درج شده است می‌اندازم.» (پریدمور، ۱۳۸۳: ۴۸)

شاید زندگی تریستان نیکولز کمی خسته‌کننده یا حتی اغراق‌آمیز

1. Western Morning News

به نظر برسد امّا توجه داشته باشید، همه ما براساس عادت‌هایمان زندگی می‌کنیم. اگر شما در کارتان موفقیت کسب کنید، شیرینی آن، چنین مرارتی را به لذت مبدل می‌کند.

وقتی که شما از شنیدن اخبار برای پیشبرد کارتان استفاده می‌کنید می‌تواند به همان اندازه مشاهدهٔ یک سریال، در شما رضایت و حتی سرگرمی ایجاد کند.

خبرها راکجا شکار کنیم؟

خبرها چند دسته‌اند:

۱. خبرهای منابع رسمی و دولتی، مانند اخبار هیأت دولت، دیدارهای رسمی دولتمردان، اخبار مجلس و احکام دادگاه‌ها، اطلاعیه‌های رسمی شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و...

۲. خبرهای منابع غیر دولتی، مثل اخبار بخش خصوصی، هنرمندان، ورزشکاران، گروه‌های سیاسی و احزاب، اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های فشار، مدسازان، ادیبان و نویسندگان، شاعران و مردم کوچه و بازار، فقرا، کارتن‌خواب‌ها، معتادان، بیمارانی مثل مبتلایان به سرطان، تالاسمی، ایدز و...

۳. رویدادها و حوادث جاری مثل سیل، زلزله، جنگ، درگیری‌های قومی، خیابانی، انفجار بمب، حوادث غیرطبیعی مثل نشت مواد سمی از یک کارخانه و به خطر افتادن جان مردم، تظاهرات و راهپیمایی‌ها، اعتصابات و...

اینها مثلث تشکیل‌دهنده اخبار رسانه‌ای هستند. خبرنگار در هر حوزه که فعالیت می‌کند، باید راه‌های کسب خبر از منابع یاد شده را بداند.

اگر چه امروزه در رسانه‌هایی که بر مبنای اصول حرفه‌ای شکل گرفته‌اند، روزنامه‌نگار متخصص جای روزنامه‌نگار همه کاره را گرفته است. به طور مثال اگر شما در حوزه اخبار رسمی فعالیت کنید، باید از میان منابع یاد شده در این بخش، تنها موارد خاص و محدودی را پوشش دهید تا بتوانید در زمینه پوشش‌های خبری خود، کاملاً مسلط باشید. امروز نباید گفت خبرنگار بخش سیاسی، یا هنری یا اقتصادی، بلکه درست‌تر این است که بگوییم خبرنگار دولت، خبرنگار مجلس، خبرنگار بورس، خبرنگار سینمای داخلی یا خارجی.) در عین حال چنانچه شما خبرنگار تخصصی باشید یا در یک رسانهٔ غیرحرفه‌ای یا کم‌بنیه به لحاظ مالی حوزه‌های وسیع‌تری را پوشش دهید، مراقبت و دیدبانی از حوزه واگذار شده به شما، شرط اولیه موفقیت در کار است. برای این کار باید به شیوه تریستان نیکولز عمل کنید!

اخبار رادیو و تلویزیون

ساعت پخش اخبار حوزه خودتان را در رادیو و تلویزیون دنبال کنید و اخبار به طور مستمر گوش کنید. حُسنِ گوش کردن اخبار این است که شما را نسبت به وقایع و اتفاقات حوزه کاری‌تان به روز نگه می‌دارد. حتی گوش کردن برنامه‌های دیگر گاهی مواقع می‌تواند سوژه‌های جالبی را در اختیارتان بگذارد. پس، هر زمان که فرصت می‌کنید، به رادیو گوش کنید و تلویزیون را ببینید. در هنگام رانندگی و رفتن به محل کار به اخبار توجه کنید.

خودتان را چک کنید

رسانه خودتان و رقبا را چک کنید. فرض این است که شما خبرنگار حوزه سیاست در یک رسانه مکتوب هستید، صفحه خودتان را مطالعه کنید و به رسانه‌های رقیب نگاه بیندازید تا متوجه شوید که همکارانتان چقدر از شما جلوتر هستند یا اینکه چه موضوعی را دنبال کرده‌اند که شما آرزو می‌کردید کاش قبل از آنها به ذهن شما رسیده بود. حتماً می‌پرسید، این حسرت خوردن‌ها چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد.

اولاً شما با دیدن مستمر نقاط ضعف یا قوت خودتان در سوژه‌یابی به مرور نکته‌بین و سوژه‌یاب می‌شوید.

ثانیاً هر موضوع بکری که همکارتان به آن توجه کرده، می‌تواند از زاویه دیگری قابل ارائه باشد. سعی کنید زاویه بهتر را انتخاب و دنبال کنید. بعضی از خبرنگاران برخی سوژه‌های خوب را نابود می‌کنند شما با خوش‌ذوقی خودتان، آن را زنده کنید.

سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها

سایت‌های خبری و حتی برخی وبلاگ‌ها می‌توانند به شما سوژه‌های بکر بدهند، لذا نخستین کار این است که به محض نشستن پشت میزکارتان به سایت‌های مرتبط سری بزنید، روی اخبار جالب تأمل کنید. بسیاری از خبرگزاری‌ها خبر خام روی سایت خود می‌گذارند. خبری که می‌تواند پرورده شود. برخی از آنها نقش ماهی‌فروش بازار تربار را ایفا می‌کنند. شما ماهی را بپزید و مخلفات آن را فراموش نکنید. البته این توصیه‌ها صرفاً برای مطبوعاتی‌ها نیست، شما اگر خبرنگار خبرگزاری هستید، سعی کنید، اخبار خام‌تان را خودتان کامل کنید.

نمابر و مبادی ورودی خبر به تحریریه را چک کنید

دبیرخانهٔ تحریریه را چک کنید، از منابع خبری چه خبر؟ روابط عمومی‌ها امروز چه کرده‌اند؟ آیا برایتان خبری ارسال کرده‌اند؟ از طریق نمابر یا ایمیل چه مطالبی به دفتر رسانه رسیده است. اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های رسمی و غیررسمی چه می‌گویند؟ بسیاری از خبرنگاران تازه‌کار فکر می‌کنند اینها اخبار کامل‌اند، در حالی که شما باید اغلب، این اخبار را به عنوان سرنخ تلقی کنید. بعد از مطالعه این اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های رسمی و غیررسمی، تازه‌کارتان در تحریریه آغاز می‌شود. اخبار رسیده از این طریق را سبک سنگین کنید. با توجه به ارزش‌های خبری و علائق مخاطبان هر یک قیمتی دارند. اگر شما زرگر باشید، قدر زر خواهید دانست. برخی از این اخبار قیمتی هستند، آنها را پرورش دهید، روی اخبار مهم کار کنید و آن را تبدیل به تیتر اول رسانه خود کنید.

سالگردها و رویدادهای از پیش تعیین‌شده

بسیاری از رویدادهای مهم، به لحاظ پوشش خبری، استعداد پردازش دارند. سالگرد و سالروز اخبار مهم را در دفترچه کاری خود یادداشت کنید. یک تقویم دیواری در اتاق محل زندگی یا در محل‌کارتان داشته باشید و به فاصله ده روز جلوتر سالگردهای خبری را علامت‌گذاری کنید. ده روز جلوتر برای این است که بتوانید فرصت کافی برای طراحی خبری داشته باشید.

منابع خبری

منابع زندهٔ خبری، ذخیره‌های طلایی خبر هستند. این منابع کیستند؟

مدیران روابط عمومی‌ها، برخی مسوولان، برخی بازیگران نقش اول حوزه خبری مثلاً برای یک ورزشی‌نویس یک ورزشکار، برای یک هنری‌نویس یک هنرپیشه، برای یک خبرنگارمجلس، یک نماینده و... آنها را ارج بگذارید و تماستان را با آنها قطع نکنید. به تناسب به آنها زنگ بزنید و از آنها بپرسید «چه خبر؟» اجازه ندهید آنها شما را فراموش کنند. حتی برخی مواقع به آنها خبر بدهید. مثلاً اخباری که به‌لحاظ کاری می‌توانند برای آنها مفید باشد. با این کار به آنها ثابت کنید که لازم است، اسم شما را در دفترچه تلفن همراه‌شان داشته باشند. در عین حال سعی کنید، بیش از حد به‌منابع خبری خود نزدیک نشوید، در غیراین‌صورت ممکن است آنها از شما توقع بیش از حد داشته باشند. ضمناً خودتان را همه‌کارهٔ حوزه خبری در رسانه خود معرفی نکنید، تا راه فراری برای مواقع اضطراری باقی گذاشته باشید. مثلاً منبع خبری از شما می‌خواهد فلان خبر را آنگونه که او می‌خواهد، منتشر کنید. اگر شما خودتان را ـ راست یا دروغ ـ همه‌کاره معرفی کرده باشید، نخواهید توانست هیچ‌گونه بهانه‌ای بیاورید، امّا اگر چنین نکرده باشید می‌توانید، بگویید با فرد بالادستی در تحریریه صحبت خواهید کرد و اگر او موافقت کرد، انجام خواهد شد.

و مردم...

عبارت «خبر یعنی مردم» را فراموش نکنید. خبر برای مردم است، پس باید به آنها توجه کرد. اخبار تولیدی، ابتکاری و تأثیرگذار از دل مردم بیرون می‌آید. به درد دل مردم گوش دهید. تماستان را با مردم قطع نکنید. بسیاری از سوژه‌های خوب را می‌توان در مترو، تاکسی و اتوبوس به دست آورد. مردم دربارهٔ چه چیزی بحث می‌کنند. نظرشان راجع به فلان موضوع

چیست؟ از چه چیزی ناراضی‌اند. از چه چیزی ابراز خوشحالی می‌کنند. پیامدهای کدام تصمیم، آنها را نگران کرده است. دربارهٔ وقایع جاری چه نظری دارند؟ و مطالبی از این دست می‌تواند سوژه خبری شما باشد. بدون‌شک دغدغه‌های مردم، عقربه قطب‌نمای خبرنگاران است و می‌تواند ما را راهنمایی کند که به‌کدام سمت و سو حرکت کنیم.

پی‌گیری کنید!

اخبار را طبقه‌بندی کنید. برخی اخبار مثل سریال تلویزیونی دنباله دارند، پی‌گیری رویدادهای مهم را در دستور کار خود قرار دهید. در یک آتش‌سوزی مهیب ممکن است یک هفته بعد، عوامل آتش‌سوزی، معرفی شوند، یا میزان خسارات در چند روز بعد کامل‌تر شود. پیامدهای یک رسوایی مالی یا اخلاقی می‌تواند در روزهای آینده نیز جذاب و شنیدنی و خواندنی باشد. لذا اخبار را به حال خود رها نکنید.

خلاصه فصل پنجم

گفتیم: فرایند کار خبری به نوشتن خلاصه نمی‌شود بلکه ابتدا باید خصلت‌هایی داشته باشید یا اگر ندارید آن را در خود بیدار و تقویت کنید.

گفتیم: این خصلت‌ها (از آن به عنوان ویژگی‌های یک خبرنگار حرفه‌ای یاد کردیم) عبارتنداز مردم‌دوست بودن، صداقت و راستگویی، جست‌وجوگری و کنجکاوی، صبور بودن، و خستگی‌ناپذیری و نهایتاً مطالعه مستمر در حوزه خبری.

گفتیم: خبرها سه دسته‌اند و آنها را به اخبار رسمی، خصوصی و اخبار رویدادها و حوادث طبیعی و غیرطبیعی تقسیم کردیم.

گفتیم: از چه راه‌هایی می‌توان سوژه‌یابی کرد. و خود را نسبت به مسائل حوزه‌کاری به روز نگه داشت. در این رابطه فهرست‌وار گفتیم:

ـ اخبار رادیو و تلویزیون را بشنوید.

ـ خودتان را چک کنید!

ـ به سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها توجه قرار کنید.

ـ نمابر و مبادی ورود خبر به تحریریه را چک کنید.

ـ منابع خبری را فراموش نکنید.

ـ و مردم... یعنی همه چیز!

تمرین ۱.

چرا خبرنگاران باید مردم را دوست داشته باشند.؟

تمرین ۲.

دربارهٔ بی‌طرفی در حرفهٔ خبرنگاریَ بحث‌های مختلفی مطرح است. به نظر شما خبرنگاران می‌توانند بی‌طرف باشند؟ فرق بی‌طرفی و بی‌غرضی چیست؟ این موضوع را در سایت‌های خبری جست‌وجو کنید. در کتاب‌های مختلف خبرنگاری و اخلاق روزنامه‌نگاری کاوش و در کلاس درس دربارهٔ آن بحث کنید.

تمرین ۳.

یک حوزه کاری برای خود تعریف کنید و سپس بگویید برای تقویت دانش خود در آن حوزه مجبورید به‌چه منابعی مراجعه کنید. روز کاری خود را تقسیم کنید.

تمرین ۴.

حتماً یک دفتر سوژه‌یابی تهیه کنید و در وهله اول نام بیست شخصیت در حوزه مرتبط با فعالیت خود را به‌دست آورید. ذکر نام، تخصص، شماره تلفن و آدرس ایمیل آنها از ضروریات است.

تمرین ۵.

همهٔ تلاش روزانه خود را در اتوبوس، تاکسی، خیابان، دانشگاه و حتی منزل مصروف آن کنید که با گوش دادن به‌اظهارات مردم سوژه‌یابی کنید. در پایان شب مطالب خود را جمع‌بندی کنید. چند سوژه به درد بخور شکار کرده‌اید؟ یادتان باشد طی روز به هیچ وجه به حافظه خود اطمینان نکنید. در بدترین شرایط نیز روی یک کاغذپاره سوژه را یادداشت کنید.

۶

مصاحبه خبری

منظور از مصاحبه در اینجا، پرس‌وجو برای کسب خبر و نه مصاحبه به منظور یک اقدام مستقل است. لذا نهایتاً این مبحث را تا مرحله مصاحبه خبری پیش خواهیم برد.

مصاحبه علی‌رغم ظاهر ساده‌اش فرایندی است که اگر نخواهیم از آن به عنوان اقدامی پیچیده یاد کنیم، حداقل تنوع و پویایی آن را می‌توانیم متذکر شویم.

مصاحبه می‌تواند کوتاه یا بلند، تلفنی یا کتبی یا چهره به چهره باشد، یا از طریق ایمیل صورت پذیرد. می‌تواند همراه با آرامش یا توأم با استرس و برخورد باشد. مصاحبه خبری یعنی پرسش از منابع خبری به منظور کسب خبر. این پرسش‌ها در کار رسانه الزاماتی دارد؛ این الزامات کدامند؟

۱. انتخاب فرد مناسب برای مصاحبه

اگر بنا را بر این بگذاریم که شما یک موضوع خبری در دستان خود

دارید و قرار است با انجام مصاحبه با منابع خبری آن را غنا بخشید، نخستین و مهم‌ترین عنصر، انتخاب درستِ فرد مصاحبه‌شونده است.

لذا قبل از آنکه گوشی تلفن را بردارید تا قرار یک مصاحبه را بگذارید، یافتن پاسخ این سؤال بسیار ضروری است: «آیا این فرد بهترین گزینه برای پاسخگویی به سؤالات من دربارهٔ این موضوع خاص است؟»

گزینه خوب دارای چه ویژگی هایی است؟

ـ **پاسخگو:** مصاحبه‌شونده، اگر نخواهد پاسخ دهد، ول‌معطلید؛ وقت خود را تلف کرده‌اید؛ البته اگر فرد مناسبی است و اصرار ما ممکن است او را ترغیب به گفت‌وگو کند، شانس خودتان را آزمایش کنید.

ـ **مطلع:** مصاحبه‌شونده، اگر مطلع نباشد یا کم‌اطلاع باشد، بر غنای خبری شما چیز زیادی نخواهد افزود.

ـ **ترجیحاً دارای شهرت:** جایگاه شهرت را در جدول خبری به یاد داشته باشید. افراد مشهور به باورپذیری خبر قوت بیشتری می‌دهند و حرف آنها برای مخاطب بیشتر قابل‌پذیرش است، امّا لزوماً همیشه افراد مشهور بهترین گزینه برای مصاحبه نیستند. مثلا گفت‌وگو با یک مأمور رسیدگی به پرونده قتل ممکن است اطلاع دقیق‌تر و شنیدنی‌تری به ما بدهد تا رئیس پلیس کشور. به همین دلیل با رعایت شرط احتیاط از کلمه «ترجیحاً» استفاده کردیم.

ـ **ترجیحاً یکی از طرف‌های درگیر در خبر:** اگر بتوانید با افراد درگیر با خبر مصاحبه کنید، کارتان از ارزش خبری بیشتری برخوردار خواهد بود. مثلاً وقتی وزیر اقتصاد برکنار می‌شود، مصاحبه با وی می‌تواند از ارزش خبری بیشتری برخوردار باشد. تا گفت‌وگو با یک اقتصاددان.

البته گفت‌وگو با منابع خبری ممکن است دردسرهای دیگری نیز

داشته باشد به‌گفته «دبوره پاتر» ممکن است آنها یکی از مشکلات زیر را داشته باشند:

وقت ندارند

خبرنگار می‌تواند مناسب‌ترین زمان یا مکان را به فردی که می‌خواهد با او مصاحبه کند پیشنهاد دهد. محدود کردن زمان لازم برای مصاحبه هم می‌تواند مفید واقع شود.

نگرانند چون فکر می‌کنند گزارش به ضرر آنها تمام می‌شود

رفتار محترمانه با مردم و تشریح دقیق انگیزه شما برای انجام مصاحبه با آنها، از نگرانی منابع می‌کاهد.

نمی دانند چه بگویند

خبرنگاران باید دلیل تهیه گزارش و لزوم برخورداری از دیدگاه‌های فردی به خصوص را به وضوح تشریح کنند.

دسترسی به آنها مشکل است

خبرنگاران اغلب باید از طریق منشی‌ها یا مسئولان روابط عمومی با فردی که قصد دارند با او مصاحبه کنند، تماس بگیرند. برخی از خبرنگاران در صورتی که گمان کنند درخواست‌شان به فرد موردنظر نمی‌رسد، مستقیماً با منبع موردنظر تماس برقرار می‌کنند.

۲. تحقیق کنید

قبل از آنکه با منابع خبری روبه‌رو شوید یا گوشی تلفن را برای انجام یک مصاحبه تلفنی بردارید، دربارهٔ موضوع کمی تحقیق کنید. به آرشیو خبری سری بزنید؛ منابع مختلف را مطالعه کنید؛ به پیشینه موضوع مراجعه و با افراد مطلع در تحریریه مشورت کنید؛ و از افراد مطلع در

بیرون کمک بخواهید.

مصاحبه برای مصاحبه: برای آنکه یک مصاحبه قوی با منابع خبری داشته باشید، قبل از آن، با منابع مطلع و کارشناس مصاحبهٔ غیررسمی داشته باشید و با آنها مشورت کنید.

۳. طراحی سؤال‌ها:

بی‌مهابا به سمت مصاحبه‌شونده حرکت نکنید. سؤال‌های خود را بنویسید و آن را مرور کنید.

ـ قرار است چه سؤال‌هایی بپرسم؟

ـ به چه منظوری؟

ـ چه ابهامی باید برطرف شود؟

ـ چه موضوعی باید شکافته شود؟

ـ مخاطبان خبر، منتظر دریافت چه مطالبی از مصاحبه‌شونده هستند؟

دو سبک تنظیم سؤال‌ها

اصولاً پرسیدن سؤال‌ها و چیدمان آن بر دو محور کلی قرار می‌گیرد که آن را ساختاربندی یا سبک مصاحبه هم می‌توان نامگذاری کرد. این دو سبک که به نظر می‌رسد از سبک‌های کلاسیک خبری الهام گرفته شده سبک مصاحبه قیفی[1] و سبک قیف وارونه[2] معروفند. (توکلی، ۱۳۸۵: ۸۱)

1. Funnel interview.

2. Inverted-funnel interview.

مصاحبه به سبک قیفی

الگوی قیفی، مرسوم‌ترین و در عین‌حال ساده‌ترین نوع مصاحبه، هم برای مصاحبه‌شونده و هم مصاحبه‌کننده است. زیرا مصاحبه با سؤال‌های ساده شروع و در پایان به سؤال‌های سخت‌تر منتهی می‌شود. این سبک برای مصاحبه‌های سخت و مصاحبه‌هایی که چالش در آن زیاد است و یا اصولاً با مصاحبه‌شونده تندخو روبه‌رو هستیم، بهتر جواب می‌دهد. چون هر دو طرف مصاحبه، درست مثل فوتبالیستی که قبل از بازی به‌گرم‌کردن خود می‌اندیشند نیازمند این گرم‌شدن با طرح سؤال‌های ساده در ابتدای مصاحبه هستند. (توکلی، ۱۳۸۵: ۸۲)

مصاحبه قیف وارونه

در مصاحبه به روش قیف وارونه، سؤال‌های کلیدی و سخت در ابتدای مصاحبه پرسیده می‌شود. این شیوه بیشتر در مصاحبه‌های تلویزیونی کاربرد دارد و برای قضات، وکلا، نیروهای پلیس و مقامات دولتی و کسانی که در پاسخ به سؤال‌های بسته مهارت دارند به‌کار می‌رود. از آنجا که پرسیدن سؤال سخت در شروع مصاحبه ممکن است از همان ابتدا، بحث را جدی، جذاب و مخاطب‌پسند کند، برای خبرنگاران وسوسه‌کننده است. (توکلی، ۱۳۸۵: ۸۲)

برخی آداب دیگر

تصویر درستی ارائه کنید: اکثر مصاحبه‌های خبری لازم است خلاصه شوند. به این دستورالعمل توجه کنید: «نسخه کوتاه‌شده مصاحبه نباید از نحوهٔ مشارکت مصاحبه‌شونده تصویر نادرستی القاء کند. نباید مصاحبه

چنان تدوین شود که با کنار هم گذاشتن قسمت‌های مختلف مصاحبه به نظر برسد که شرکت‌کننده در مصاحبه با بحثی که احتمالاً آن را نخواهد پذیرفت و در آن فرصتی برای اظهارنظر در برنامه یا خبر به او داده نشده روبه‌رو است.» (بیهن، ۱۳۸۳: ۳۳) به عبارت دیگر شما نباید از مطالب ارائه شده توسط مصاحبه‌شونده، نکاتی را برداشت کنید که نهایتاً منظور او را نرساند. باید از علائق خودتان به نفع مخاطب و مصاحبه‌شونده بپرهیزید. بعضی از خبرنگاران همان مطالبی را از مصاحبه‌شونده گزینش می‌کنند که مورد قبولشان است. این کار خلاف اخلاق حرفه‌ای است. سعی کنید ابتدا با خوب گوش‌کردن، ضبط کردن مصاحبه و یادداشت‌برداری اصولی، درک درستی از اظهارات مصاحبه‌شونده به دست آورید. حتی سعی کنید تا حد ممکن از واژه‌ها و اصطلاحات خود مصاحبه‌شونده استفاده کنید. تجربه ثابت کرده است که در بسیاری از اختلاف‌نظرهای میان مصاحبه‌شونده و خبرنگار دربارهٔ نادرستی انتقال مفاهیم، اگر نگوییم همیشه امّا در موارد قابل‌توجهی حق با طرف مصاحبه‌شونده بوده است.

همیشه خودتان را جای مصاحبه‌شونده بگذارید. بویژه برخی اشتباهات، برای مصاحبه‌شونده و برخی مواقع برای جامعه تولید اشکالات عدیده می‌کند.

چند سؤال در یک سؤال نپرسید: سؤال‌ها را تجزیه و تحلیل کنید. اولاً سؤال طولانی نپرسید به‌گونه‌ای که وقتی جمله تمام شد، هم مصاحبه‌شونده و هم خودتان ندانید بالاخره چه گفته شد. جمله‌های خود را کوتاه کنید. به همین علت هم تأکید می‌شود، چه در مصاحبهٔ تلفنی و چه مصاحبه «رو در رو» سؤال‌ها را مکتوب کنید، حتی زمانی که فکر می‌کنید به طور کامل بر محتوای سؤال‌ها اشراف دارید. احتیاط همیشه کار خوبی

است. چند سؤال در یک سؤال بیشتر در کنفرانس‌های خبری کاربرد دارد، آن هم زمانی که به شما تنها اجازه طرح یک سؤال را داده باشند (در چنین صورتی شما می‌توانید یک یا دو سؤال دیگر هم ـ البته هم‌ردیف سؤال اصلی ـ در سؤال خود ادغام کنید.) طرح چند سؤال در یک سؤال ممکن است مصاحبه‌شونده ـ بویژه سیاسی ـ را وسوسه کند که سؤال سخت درون سؤال شما را فاکتور بگیرد و پاسخ ندهد و شما هم دریافت پاسخ آن را از قلم بیندازید. (توکلی، ۱۳۸۳: ۷۲)

مصاحبه خود را ضبط کنید: مصاحبه را تلفنی انجام می‌دهید یا به صورت رودررو توصیه می‌شود آن را ضبط کنید. ضبط مصاحبه چند حُسن دارد:

ـ امکان اشتباه در انتقال بیان مطالب مصاحبه‌شونده را کاهش می‌دهد.

ـ اگر موضوعی را نقل کردید و مصاحبه‌شونده تکذیب کرد مدرکی برای حقانیت خود خواهید داشت.

ـ نقل قول مستقیم مطالب مهم و جالب مصاحبه‌شونده، با شنیدن نوار بهتر قابل انتقالند.

به مصاحبه‌شونده فرصت بدهید: هنگامی که سؤالی را مطرح می‌کنید، دربارهٔ شنیدن پاسخ کمی صبور باشید. بویژه زمانی که وقت کافی برای شنیدن سخنان طرف مقابل وجود دارد. قطع کردن یک‌باره سخنان مصاحبه شونده ـ اگر چه با رعایت ادب باشد ـ، در بسیاری مواقع ممکن است ما و خوانندگان را نسبت به شنیدن یک نکته مهم محروم کند و مصاحبه‌شونده فراموشی دست دهد.

به مصاحبه‌شونده گوش کنید: در بسیاری از مواقع بویژه زمانی که مصاحبه ضبط می‌شود، ذهن مصاحبه‌کننده یا همان خبرنگارِ گرفتار، از فضای

مصاحبه به بیرون پرواز می‌کند. بشدت از بروز چنین شرایطی پرهیز کنید. این موضوع باعث می‌شود که متوجه مطالب ناگفتهٔ مصاحبه‌شونده نشوید، کمبودهای جواب را درک نکنید. مخاطب هنگام مطالعه مصاحبه و پاسخ این گونه سؤال‌ها، شما را از بابت آن نخواهد بخشید.

دوباره سؤال کنید: اگر جوابی برای شما مبهم یا گنگ است، دوباره سؤال کنید. هیچ ایرادی ندارد که به مصاحبه‌شونده بگوییم: «می‌بخشید، من خوب متوجه پاسخ شما نشدم ممکن است کمی بیشتر توضیح دهید؟» یا ممکن است بگوییم: «منظور شما این است که... آیا من درست متوجه شدم؟»

منابع خبری را حفظ کنید: اگر مصاحبه‌شونده نکته‌ای به شما گفت و از شما خواست که آن را منتشر نکنید و شما هم قول دادید به قولتان وفادار باشید. ایجاد اطمینان در منابع خبری می‌تواند برای شما بسیار مفید باشد. و در شرایط دیگری که شما به دنبال تأیید یا رد یک نکته هستید، آنها به‌کمک شما خواهند آمد. ضمناً وقتی مصاحبه‌شونده مطلبی را می‌گوید و از شما می‌خواهد آن را ننویسید، در حقیقت نمی‌خواهد آن مطلب از زبان او مطرح شود. اگر مطلب خیلی مهم است یا او را قانع کنید که از شرطش بگذرد یا اینکه سعی کنید برای انتشار آن خبر به منابع دیگری که حاضرند آن را افشا کنند، مراجعه کنید. اگر شما به تقاضای او گوش ندهید و دست به افشاگری به نقل از او بزنید علاوه بر آنکه اخلاق حرفه‌ای را رعایت نکرده‌اید، منبع خود را برای همیشه از دست خواهید داد. (توکلی، ۱۳۸۳:۱۳۳)

وقت شناس باشید: اگر فرصت ندارید و خبر را باید خیلی زود آماده انتشار کنید، معطل نکنید امّا اگر فرصت باقی است به‌این سؤال کوتاه

پاسخ دهید: «آیا زمان و ساعت برای مصاحبه مناسب است؟» بویژه در مصاحبه‌های تلفنی سعی کنید زمان درستی برای مصاحبه در نظر بگیرید.
حرفه‌ای باشید: در یک مصاحبه، طلبکار در وهله اول مصاحبه‌شونده است که قرار است خوراک خبری شما را فراهم کند. لذا به خاطر خودتان هم که شده با او درست صحبت کنید. در عین حال ابراز تواضع هم آدابی دارد. مثلاً سعی کنید به جای آنکه بگویید: «اگر وقت بدی مزاحم شده‌ام، می‌خواهید بعداً تماس بگیرم» بهتر است بگویید: «امیدوارم وقت بدی مزاحم نشده باشم.» جمله اول ممکن است مصاحبه‌شونده را تشویق کند که بگوید: «اگر ممکن است بعداً تماس بگیرید.»

اگر مصاحبه‌شونده، شخصیت محبوب شماست، عشق و علاقه خودتان را در طرح سؤالات و هنگام گفت‌وگو به‌کناری بگذارید و اگر دیدگاه‌ها و عملکرد او را قبول ندارید و یا حتی از او متنفرید، احساس شما نباید در طرح سؤالات و بیان مطالب دیده شود. هر چقدر موفق‌تر عمل کنید، به همان نسبت نزد مخاطب حرفه‌ای تو جلوه خواهید کرد.

خلاصه فصل ششم

در این فصل ما دربارهٔ مصاحبه خبری صحبت کردیم.

گفتیم: برای انجام مصاحبه باید بهترین فرد را انتخاب کنیم. فردی که دارای قابلیت‌های لازم برای انجام مصاحبه دربارهٔ آن خبر خاص باشد.

گفتیم: قبل از شروع مصاحبه به هر اندازه که وقت دارید درباره موضوع مصاحبه و پرسیدن سؤال‌های درست تحقیق کنید.

گفتیم: دو سبک تنظیم سؤال وجود دارد. سبک قیفی و قیف وارونه که به اقتضای زمان و نوع مصاحبه باید از یکی از این دو سبک استفاده کنیم.

گفتیم: در مصاحبه سعی کنید وقت‌شناس و متواضع باشید و سعی کنید تصویر درستی از او ارائه کنید.

تمرین ۱.

با مراجعه به‌کتاب‌های مصاحبه خلّاق و مصاحبه حرفه‌ای، انواع سؤال‌های مصاحبه را به مجموعه حاضر اضافه کنید.

تمرین ۲.

چرا خبرنگاران باید مصاحبه خود را ضبط کنند. آیا می‌توانید با استفاده از منابع دیگر (کتاب و اینترنت) بر داشته‌های کتاب بیفزایید؟

تمرین ۳.

قرار است با وزیر آموزش و پرورش مصاحبه کنید. با توجه به مسائل روز پنج سؤال اساسی که می‌تواند مخاطبان شما را ارضا کند طراحی کنید.

برای انجام این کار باید به آرشیو روزنامه‌ها مراجعه کنید. از موتورهای جست‌وجوگر اینترنت هم می‌توانید استفاده کنید. مثلا در موتور جست‌وجوگر گوگل سِرچ کنید: «وزارت آموزش و پرورش» یا «وزیر آموزش و پرورش یا وزیر آموزش و پرورش + نگرانی‌های مردم» و... مواردی از این دست می‌تواند مطالبی را در اختیار شما قرار دهد که از مطالعه آن سؤال‌های خود را پیدا کنید. البته مراقب باشید هر منبعی در اینترنت نمی‌تواند معتبر و قابل استناد باشد.

۷

اصول درست‌نویسی خبر

خبر هنگامی که تنظیم شد، پیش از آنکه شلاق دبیر و سردبیر بر تن و بدنش او فرود آید، باید به دست شما نوازش شود. لذا دست به‌کار شوید و خبر خودتان را اولاً درست بنویسید در ثانی اگر وقت است دوباره و دوباره آن را بخوانید. آن را اصلاح مجدد کنید، کم و زیاد کنید. واژه‌ها را تغییر دهید، اگر ممکن است با صدای بلندتر مطلب خودتان را بخوانید و به آهنگ جملات توجه کنید. البته یادتان باشد که در خبرنویسی وقت تنگ است؛ به زمان و لحظاتی که به سرعت در حال گذر است توجه کنید. خبر مرده و یا سوخته به درد هیچ مخاطبی نمی‌خورد.

بر همین اساس توجه داشته باشید که نوشتار خبری بر دو محور اصولی استوار است:

۱. دقت در جمع‌آوری و ارائه اطلاعات و استفاده از منابع معتبر.

«در نوشتن خبر، درستی مطلب بسیار حایز اهمیت است. در گزارشی دقیق، اصول اولیه باید درست باشند؛ در جمع‌آوری اطلاعات و ارائه آن

وسواس اصولی داشته باشید. دستور زبان، املا، نقطه‌گذاری، تاریخ‌ها، آدرس‌ها، اعداد و تمام جزئیاتی که در یک گزارش وجود دارند. مثلاً نام کسی را درست ذکر نکردن، یکی از اشتباهاتی است که می‌تواند اعتبار خبرنگار را از بین ببرد.»

همچنین گزارش دقیق، داستان را به‌طور کامل بیان می‌کند، نه اینکه فقط جنبه‌ای از داستان را. این امر به‌این معنا نیست که هر گزارشی باید همه آنچه را که می‌توان دربارهٔ یک موضوع گفت شامل شود، معنای آن این است که خبرنگار نباید اطلاعات کلیدی را حذف کند که می‌تواند باعث تحریف و تغییر مفهوم داستان شود. برای مثال، نوشتن اینکه آزمایش جدید، تشخیص سرطان دهان را آسان‌تر می‌کند، به‌این معنا است که آزمایش‌های قدیمی قابل اعتماد نبودند. اگر این آزمایش جدید فقط سریع‌تر است، خبرنگار باید به همین امر اشاره کند (Potter, 2006)

۲. *سادگی و روشنی.* از زبان ساده و صریح استفاده کنید. اچ جی ولز نویسنده و روزنامه‌نگار بریتانیایی یک بار جایی گفته بود «من به همان سر راستی که راه می‌روم، به همان سرراستی هم می‌نویسم؛ این بهترین راه برای رسیدن به مقصد است.» (رویترز، جدیدنیوز)

«آن لندرز» نویسنده معروف ستون‌های اقتصادی جراید است. فکر می‌کنید، دلیل محبوبیت فراوان او چیست؟: «من یاد گرفته‌ام همان‌گونه که حرف می‌زنم، بنویسم و اغلب مردم آن را دوست دارند.» مردم از خواندن نوشته‌های روشن، ساده و قابل‌هضم لذت می‌برند و ساده‌ترین و واضح‌ترین سبک نگارش، روشن حرف زدن شماست. در مقاله‌ای در مجله وال‌استریت، جان‌لوئیز دیگائیتانی، برای نوشتن یک متن ساده و صمیمانه، یک توجیه ساده دارد: «مجسم کنید که بجای نوشتن، با مخاطب

خود مشغول صحبت هستید.» (Potter, 2006)

یک بار، رئیس اسبق من یک نامه تبلیغاتی را به این‌ترتیب آغاز کرد: اطلاعاتی را که تقاضا کرده‌اید، ضمیمه نامه کرده‌ایم.» من از او پرسیدم: اگر قرار بود که این پاکت را بجای پست‌کردن به دست من می‌دادی، چه می‌گفتی؟ گفت: خب می‌گفتم این اطلاعاتی است که می‌خواستید؛ و یا این همان بروشوری است که تقاضا کرده بودید و یا چیزی مثل آن. گفتم: خُب، چرا همان‌طور نمی‌نویسید؟

خبری که خوب نگاشته شده باشد، کوتاه، واضح و دقیق است. چنین کاری به ظاهر ساده به نظر می‌رسد، امّا کاری دشوار است... اصولاً خبرنگاران تمایل دارند که تمام اطلاعات جمع‌آوری شده را در گزارش خود بیاورند. امّا گزارش‌هایی که اصل مطلب را ادا می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که برای استفاده‌کننده‌های پرمشغله خبری جالب باشند و سازمان خبری که گزارش‌های طولانی را منتشر می‌سازد، احتمالاً فضا یا زمان کافی برای پوشش دیگر اخبار نخواهد داشت (Potter, 2006)

به طور کلی، گزارش‌های خبری دارای جمله‌ها و پاراگراف‌های کوتاه‌تر از دیگر انواع نوشته‌ها هستند. هر پاراگراف در پی بیان منظوری است. پاراگراف جدید زمانی شکل می‌گیرد که خبر، شخصیت یا صحنه جدیدی معرفی شود. (Potter, 2006)

روزنامه‌نگاران از زبانی ساده و صریح که درک آن آسان باشد استفاده می‌کنند. بیشتر از اسامی و فعل‌ها استفاده می‌شود تا صفت‌ها و قیدها. گزارش‌های خبری مناسب، گزارش‌های مبهم، سربسته و یا تکراری نیستند، زیرا هر کلمه‌ای مهم است. همان‌طور که ای. بی. وایت در کتاب معروف خود به نام «عناصر سبک نویسندگی» خاطرنشان می‌سازد، یکی

از قواعد اصلی نوشتن این است کلمات غیرضروری را حذف کنید.
(Potter, 2006)

خبرنگار تازه‌کار فکر می‌کند، برای آنکه خبری پر و پیمان تهیه کند، لازم است از همه اطلاعات به دست آمده استفاده کند، غافل از آنکه اطلاعات اضافه به تأثیرگذاری پیام صدمه می‌زند و دایره مخاطبان را تنگ می‌کند.

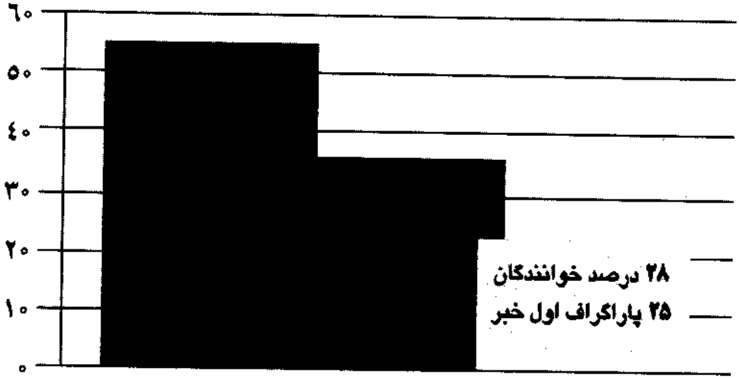
متن طولانی، خواننده را می‌کُشد

شاید اصل حرف برای روزنامه‌نگاران کلیشه و قدیمی باشد، امّا نموداری که ملاحظه می‌کنید، این حرف را علمی‌تر به ما نشان می‌دهد. بر این اساس، هر چه تعداد کلمات نوشته ما، جملات و پاراگراف مطلب خبری ما بیشتر باشد، به همان نسبت مخاطبان خودمان را از دست خواهیم داد. «هر کلمه اضافه که می‌نویسید، گلوله‌توپی است که به سوی مخاطبان شلیک می‌شود.»

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنید، بررسی‌ها نشان می‌دهد ۵۶/۷ درصد خوانندگان تنها پنج پاراگراف اول یک خبر را مطالعه می‌کنند و از خیر بقیه خبر می‌گذرند، ۳۹ درصد تا ۱۰ پاراگراف یک خبر را می‌خوانند. و تنها ۲۸ درصد حوصله و وقت می‌کنند تا ۲۵ پاراگراف مطلب را ادامه دهند.

این موضوع بر دو نکته مهم تأکید دارد ابتدا اینکه اهمیت سبک هرم وارونه را در خبرنویسی مورد توجه قرار می‌دهد؛ نکات مهم را در بالای خبر بنویسید که اگر مخاطب هر مقدار از خبر را خواند، به همان نسبت مهم‌ترین نکات را دریافت کرده باشد. دوم اینکه ما را به ضرورت رعایت

خبر طولانی، خواننده را فراری می دهد



«ایجاز» در روزنامه‌نگاری توصیه می‌کند: «حرف اصلی را بزن و برو». پس از سادگی، ایجاز مهم‌ترین عنصر مورد توجه روزنامه‌نگاران است. ایجازی که از کلمه و جمله شروع می‌شود و تا متن کامل یک مطلب را دربر می‌گیرد.

دی. اچ. مِنزل[1] یکی از نویسندگان کتاب «نگارش یک مقاله تکنیکی» به جمع‌آوری آماری برای یافتن طول لازم و کافی جمله‌های یک مقاله تکنیکی پرداخت؛ او دریافت که درک جمله‌هایی با بیش از ۳۴ کلمه، بسیار دشوار است و مصرف‌کننده به طور حتم، صبر و طاقت کمتری در قبال جمله‌های طولانی و رگبار کلمه‌ها از خود نشان می‌دهد.

لذا اگر می‌خواهید خبرنگار موفقی باشید، بدانید که مخاطبان خبر

1. D. H. Menzel

- بویژه مخاطبان امروزی - به شدت کم‌حوصله و گرفتارند؛ هر کلمه اضافی در خبر می‌تواند حکم «سم خبری» را داشته باشد. پس مواظب باشید که مخاطبان خبر خود را مسموم نکنید. همیشه هنگام تنظیم خبر، داستان ماهی‌فروش را به یاد داشته باشید: روزی ماهی‌فروشی، کنار دریا بساط خود را پهن کرده بود و به فروش ماهی مشغول بود. تابلویی کنار بساط او خودنمایی می‌کرد که روی آن نوشته شده بود «*در این مکان ماهی‌تازه به فروش می‌رسد*» ظریفی بر او گذشت و گفت: ناراحت نمی‌شوی ایرادی بگیرم. ماهی‌فروش گفت: خیر.

گفت: مردم می‌بینند در این مکان ماهی‌تازه به فروش می‌رسد، لذا نوشتن عبارت «در این مکان» چه لزومی دارد؟ ماهی‌فروش کمی تأمل کرد و پذیرفت و این بخش از نوشته خود را پاک کرد. ماند عبارت: «*ماهی تازه به فروش می‌رسد*» فردای آن روز فرد بر ماهی فروش گذشت و گفت: نکته دیگری بگویم ناراحت نمی‌شوی؟ و چون پاسخ مثبت شنید گفت: «*به فروش می‌رسد*» هم در این جمله اضافه است. چون مشتریان می‌بینند که تو ترازویی داری و به فروش مشغولی. مشخص است که فروشنده هستی.

ماهی‌فروش این بخش از جمله خود را نیز پاک کرد. فردای آن روز نیز همین روال ادامه یافت. ظریف گفت وقتی تو کنار دریا بساط کرده‌ای و ماهی هم نشان می‌دهد که تازه است دیگر نیازی به عبارت *ماهی‌تازه*» هم نیست.

این داستانِ ایجاز در نوشتار مطبوعاتی است. لذا توصیه می‌شود بی‌رحمانه تیغ‌تان را روی کلمات، عبارات و جملاتی که چیزی بر داشته‌های خبرتان اضافه نمی‌کند، فرود آرید.

زبانتان را به زبان مخاطب نزدیک کنید

از آنجا که خبرنگاران برای عامه مردم گزارش تهیه می‌کنند، باید از به کار بردن زبان حرفه‌ای، زبانی خاص یا عباراتی فنی که برای بیشتر مردم ناآشنا است، خودداری کنند. سخنگوی بیمارستان ممکن است در مورد یک بیمار بگوید که از «لاسریشن و کانتیوژن[1]» رنج می‌برد، امّا خبرنگار باید از عبارات ساده‌تر «بریدگی و خون‌مردگی» استفاده کند. چنانچه لازم باشد برای دقت بیشتر در گزارش از اصطلاح‌های فنی استفاده شود، بهتر است که تعریفی از آن اصطلاح نیز آورده شود. برای مثال، باید برای عبارت «سوخت فسیلی» در گزارشی که دربارهٔ موضوعات انرژی جهانی است، فهرست کوتاهی از انواع مختلف این سوخت آورده شود: زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی. خبرنگارها باید از به‌کار بردن «نیک‌واژه‌ها» (استفاده از واژه‌های خوشایند ولی مبهم برای کلمات و موضوعات ناخوشایند) اجتناب ورزند، یعنی کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که ممکن است مخاطبین را گیج و یا گمراه کنند. اگر شورای شهر «تسهیلات جدید برای تدفین» را به تصویب می‌رساند، شهروندان باید از این ماجرا از طریق رادیو و یا در گزارش روزنامهٔ روز بعد مبنی بر اینکه شهرداری قصد دارد قبرستان بسازد باخبر شوند. (Potter, 2006)

جملات کوتاه، قوی‌ترند

جملات خود را کوتاه کنید. جمله بلند خواننده خبر را خفه می‌کند. طبق نظریه لسلی سلرز[2] عمل کنید: «... جملات بلند شانس کمتری برای

---

1. lacerations and contusions
2. Lesli Sellers.

خوانده شدن دارند. در این‌گونه مواقع جملات بلند اغلب گرفتار ساختار خود می‌شوند. به طوری که برای درک کامل مفهوم جمله، لازم است جمله دوباره و دوباره خوانده شود...» (وارد، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

کوتاه‌نویسی و ساده‌نویسی اصل اولیه در کار خبرنویسی است. نوشتار روزنامه‌ای (ژورنالیستی) محل فخرفروشی نیست. بزرگترین عارضه این است که نویسنده بخواهد، میزان سواد خود را با به‌کارگیری کلمات پیچیده، خارجی و دور از ذهن به خورد خواننده بدهد. هنگام نوشتن برای رسانه، همیشه به لحاظ سواد، قشر متوسط جامعه را در نظر داشته باشید.

به قول آقای فیلیپ گایار[1] سبک روزنامه‌نگاری (ژورنالیستی) بیش از هر چیز این هدف را دنبال می‌کند، که کار خواندن و فهمیدن را برای خواننده عادی آسان سازد. هدف دیگر، مطبوع و دلپذیرساختن مطالعه و تبدیل خواننده به شاهد غیر مستقیم وقایع است... «سادگی نیز خصیصه چیره در سبک نویسندگی و روزنامه‌نگاری است. همه مطالب باید به صورتی که برای کم‌سوادترین خوانندگان نیز درک‌شدنی باشد، نوشته شود. حتی اگر مخاطبان روزنامه گروهی هستند که فرهنگشان بالاتر از حد متوسط است، نباید از نظر دور داشت که آنها هم روزنامه را هنگام استراحت و فراغت می‌خوانند، بنابراین مطالعه آن نباید مستلزم صرف کوشش خاصی باشد.» (گایار، ۱۳۶۹:۱۱۱)

اجازه بدهید جمع‌بندی کنیم:

۱. سخن کوتاه کنید. (یک کلمه بهتر از دو کلمه اسبت.) همیشه «گفت» را از «اظهار داشت» بیشتر دوست داشته باشید.

1. Philippe Gaillard.

۲. بجای استفاده از افعال مجهول از فعل معلوم در نوشته خود استفاده کنید. جمله مجهول داستان شما را پیچیده و فهم آن را سنگین‌تر می‌کند.

ننویسید: مردی بر اثر ضربه‌آهنی سارقی که در تعمیرگاهش با او روبه‌رو شد، از پای درآمد.

بنویسید: سارقی با میله‌آهنی، صاحب یک تعمیرگاه را از پای در آورد.

۳. کلمات فنی و تخصصی را تا جایی که به محتوای خبر لطمه نمی‌خورد، عمومی و همه‌فهم کنید.

۴. عبارات رسمی و سنگین را به زبان عادی و روزمره مبدل کنید؛ اشخاص پرمدعا و متفاخر و (برخی) سیاستمداران، زبان خاصی به‌کار می‌برند. چرا؟ شاید برای این است که می‌خواهند از پاسخ به سؤال‌ها و روبه‌رو شدن با حقایق طفره روند. شاید برای این است که قصد دارند معنای واقعی گفته‌ها را پنهان کنند. شاید برای آنکه این‌گونه اشخاص با زبان بهتری آشنا نیستند. امّا ما آشناییم. کار ما همین است که معانی را برای خوانندگان کاملاً آشکار کنیم. (تامسون: ۳۳)

۵. از بکار بردن کلمات سخیف و کوچه‌بازاری در نوشته‌های خود پرهیز کنید. پاکیزه بنویسید. وحشتناک است، وسط غذایی که شما تهیه کرده‌اید، (خبر) میهمان شما (مخاطب) یک مگس مرده پیدا کند. نه تنها آن غذا از گلویش پایین نخواهد رفت، بلکه بسته به فرهیختگی‌اش ممکن است برای همیشه، هوس نشستن پای سفره‌ای که شما آن را تدارک دیده‌اید از سرش بپرد.

روزنامه‌نگاران باید دقت داشته باشند که رادیوی آنان روی پیشخوان آشپزخانه کدبانوی خانه نشسته است. روزنامهٔ آنان سفره خانواده شده

است. تلویزیون آینه‌ای است که مخاطب خودش را در آن می بیند. آن را تمیز نگه دارید. از به‌کار گرفتن کلمات زشت، شنیع، سخیف، چندش‌آور پرهیز کنید. در بسیاری از روزنامه‌های معتبر دنیا به‌کار بردن کلماتی مانند کثافت، لجن، فحش‌های رکیک حتی هنگامی که نقل‌قول باشد، ممنوع است.

۶. با قوانین گرامری آشنا شوید و آنها را به طور اصولی در نوشته خود به‌کار گیرید. نگذاشتن یک ویرگول در جایی که باید حتماً نوشته شود می‌تواند معنای جمله شما را ۱۸۰ درجه تغییر دهد. در عین حال دقت کنید که در این بخش وسواس بیش از حد نوشته شما را به لباسی مندرس و پر از وصله و پینه مبدل خواهد کرد و خواننده از خواندن متن شما خسته خواهد شد.

۷. ریاضیدان باشید امّا به ادبیات احترام بگذارید! اگر به من به عنوان سردبیر یک روزنامه گفته شود بدون هیچ امتحانی، از میان دو فارغ‌التحصیل ریاضی و ادبیات، تنها یکی را برای خبرنگاری انتخاب کن، بدون هیچ‌گونه مکثی من فارغ‌التحصیل ریاضی را انتخاب خواهم کرد.

تردیدی نیست که روزنامه‌نگاری یک کار ادبی است و نه ریاضی، امّا به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که به روزنامه‌نگاران بگوییم کمی توجه به ریاضیات و آمار می‌تواند آنان را از به‌کارگیری اشتباهات فاحش در بکارگیری اعداد و ارقام نجات دهد.

«خبرنگارانی که در ریاضیات متبحر نیستند، در واقع مهارت اولیه لازم برای پیدا کردن رمز بسیاری از اطلاعات در دنیای اطرافشان را ندارند؛ اطلاعاتی مانند آمار جنایات، استانداردهای آلودگی هوا و ارقام بیکاری.

بدون داشتن مهارت‌های ریاضی لازم برای این حرفه، آنها مسلماً دقت لازم برای انجام صحیح کار را نخواهند داشت.» (Potter, 2006)

خبرنگاران به درک ریاضیات نیز نیازمندند تا بتوانند تشخیص دهند چه موقع اعداد پیش‌رویشان معنی‌دار نیست. آنها به درک ساختار ریاضی نیز نیاز دارند تا معنای ورای ارقام و داده‌ها را دریابند. آنها لازم است که مفاهیم ریاضی را بدانند تا بتوانند بانکداری، تجارت، ورشکستگی و زمان شکوفایی اقتصادی را درک کنند. به بیانی ساده، خبرنگارها به مهارت‌های ریاضی نیاز دارند تا به اعداد معنا دهند، همان‌طور که به مهارت زبان برای معنا دادن به کلمات نیازمند هستند.

حضور خبرنگاران آگاه به فن ریاضی، امروز در دنیای به شدت فنی و ماشینی، بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. آنها نویسنده‌ها و ویراستارهایی هستند که می‌توانند پیشرفت‌های علمی، پزشکی، فنی و اقتصادی را ارزیابی کنند و توضیح دهند.آنان خبرنگارهایی هستند که بجای صبر کردن برای دریافت کمک از افرادی که به این فن آگاهی دارند، خود با تحلیل و بررسی اعداد، گزارش خود را تهیه می‌کنند. (Potter, 2006)

پس از اینکه اعداد بررسی مجدد شدند، خبرنگار باید تصمیم بگیرد که در گزارش خود چگونه از آنها استفاده کند. قاعده کلی این است: هر چه اعداد کمتر، بهتر. به منظور ساده‌تر شدن گزارش، اعداد باید سرراست شوند و به‌گونه‌ای از آنها استفاده شود که قابل‌فهم باشند.

آنها می‌توانند و باید بتوانند اعداد را به بیانی که به سادگی برای خواننده‌ها و بیننده‌ها قابل درک باشد، تبدیل کنند. «پل همپ» نویسنده کتاب «ده راهنمای عملی برای گزارش‌های اقتصادی و تجاری در سیستم‌های اقتصادی در حال توسعه» می‌گوید، بیان عدد به خودی خود

اهمیت و اعتبار کمی دارد. معنای واقعی عدد در ارزش نسبی آن است. بنابراین، گزارشی در مورد افزایش بودجه مدارس ممکن است اعداد خام را به میزان اضافه شده‌ای که برای هر کودک هزینه می‌شود، تبدیل کند. (Potter, 2006)

خلاصه فصل هفتم

در این بخش بر اصول درست‌نویسی تأکید شد.

گفتیم: خود ویراستاری در کار خبرنویسی از اهمیت بالایی برخوردار است. قبل از آنکه دیگران خبر شما را سلاخی کنند، خودتان آن را نوازش کنید.

گفتیم: دقت در جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از منابع معتبر و دقت در تنظیم اصولی خبر مهم است و از آن به عنوان مثلث دقت یاد کردیم.

گفتیم: سادگی، روشنی و ایجاز باید در کار خبرنگاری به شدت مدنظر قرار گیرد. به عبارتی به زبان آدمیزاد گزارشگری کنید.

گفتیم: بکار گیری زبان پاکیزه، آشنایی با قواعد گرامری و کمی دقت در ارائه آمار و ارقام و انتقال درست مفاهیم مدنظر خبر، برای خبرنگاران لازم است.

تمرین

مطالب روزنامه‌ها را مطالعه کنید، و ایرادهای نگارشی آن را مشخص و با توجه به نکات این فصل اصلاح کنید.

بخش دوم

- سبک‌های جدید خبری
- اصول نوشتن گزارش خبری در روزنامه‌نگاری مدرن

۱

هنر نوشتن

سالانه ده‌ها جشنواره در کشور در بخش‌های عمومی و تخصصی برای روزنامه‌نگاران برگزار می‌شود. جشنواره مطبوعات، مطبوعات شهری، خودرو، مالیات و... و اغلب، داوران در بررسی آثار رسیده گله‌مندند که کار هنرمندانه در میان آثار رسیده کمتر دیده می‌شود؛ علت چیست؟ پاسخ به این سؤال ساده است؛ خبرنگاران ـ حتی آنها که پرکار و علاقه‌مند هستند ـ نسبت به اصول کار خبرنگاری کم توجه‌اند. در حالی که این اصول به هیچ وجه پیچیده نیستند.

نخستین توصیه این است که هر کار خبری باید یک تولید هنری محسوب شود. لطفاً با خبر مانند عریضه‌نویس‌های کنار ساختمان دادگستری برخورد نکنید؛ هنگامی که با یک رویداد یا خبر روبه‌رو می‌شوید، این سؤال‌ها را از خود بپرسید:

۱. این خبر چقدر می‌ارزد؟ چقدر می‌تواند مورد توجه مخاطب قرار گیرد؟ چقدر جای پردازش دارد؟ (توجه به ارزش‌های خبری)

۲. این خبر چگونه کامل می‌شود؟ طرف‌های خبر چه مطالب یا کسانی هستند؟ چگونه می‌توانم آنها را پیدا کنم؟
۳. برای تهیه و تنظیم این خبر چقدر وقت دارم؟
۴. آیا این خبر برخورد و تضاد هم دارد؟ چگونه می‌توانم این برخوردها را نشان دهم؟
۵. آیا این خبر سابقه و پیشینه هم دارد؟ سوابق و پیشینه‌ها را از کجا می‌توان یافت و در کجای خبر باید قرار داد؟
۶. حس و حال‌ها را چگونه می‌توانم توصیف کنم؟
۷. این خبر در کدام سبک خبری بهتر سازمان می‌یابد؟

مهم نیست جنس خبر شما چیست؟! درباره یک موضوع سخت‌خبر مانند خبر مربوط به بروز سیل می‌نویسید یا دربارهٔ گزارش پشتِ صحنه مسابقهٔ استقلال و پرسپولیس، ابتدا در نظر داشته باشید که قرار است داستانی تعریف کنید. بی‌جهت نیست که غربی‌ها واژه story را بجای news بکار می‌گیرند. آنها از همان ابتدا می‌خواهند به روزنامه‌نگارشان بگویند زمانی که خبری را گزارش می‌کنی در نظر داشته باش که در حال داستان‌گویی هستی.

زمانی که شما می‌خواهید داستانی بنویسید، ابتدا باید طرحی در ذهن داشته باشید. سپس باید طرح خود راگسترش دهید. بویژه در خبرهایی که خطی نیستند و ارزش پرداختن دارند. باید فکر کنید که کدام شروع برای این خبر مناسب است و کدام پایان تأثیرگذارتر خواهد بود؟ چه مطالبی باید بدنه خبر را تکمیل کند.

باید فکر کنید که از اطلاعات به دست آمده کدامش به درد می‌خورد و کدامش دورریختنی است؟ برخی از خبرنگاران فکر می‌کنند هر کس

هر چه گفته باید به خبرشان اضافه کنند تا پربارتر شود. فراموش نکنید اطلاعات اضافه، بار منفی ایجاد می‌کند. اصولاً حرف حساب دو کلمه بیشتر نیست، پس با قاطعیت و بی‌رحمانه روی پرحرفی‌های افراد خط بکشید. شما به نقل‌قول‌هایی نیاز دارید که داستان شما را جلو ببرد و لایه‌های مختلف آن را بگشاید. خبرنگار حرفه‌ای خبر را زیر سلطه خود قرار می‌دهد و خبرنگار مبتدی اسیر خبر می‌شود.

حرفه‌ای عمل کنید، اجازه ندهید ساختار و شاکله خبر از دست شما خارج شود. خبر غیراصولی یعنی خبری که علاوه بر آنکه خوب تدارک دیده نشده و اطلاعات لازم برای آن کسب نشده، شاکله خوبی نیز ندارد. این شاکله محصول دو فاکتور است:

- قدرت نویسندگی
- قالب خبر (سبک)

قدرت نویسندگی خلاق

کن فیوسن[1] در سال‌های دبیرستان طبل می‌نواخت او که هنوز هم حین گزارش‌نویسی برای نشریه The Des Moines (lowa) Register به آوای طبل گوش فرا می‌دهد، می‌گوید من با ریتم و ضرباهنگ ناآشنا نیستم. عادت کرده‌ام با صدای تاپ‌تاپ طبل کار کنم به این ترتیب مطمئن می‌شوم پاراگراف‌ها به ورطه تکرار نیفتاده‌اند. جالب اینکه فیوسن برای دست‌یابی به چنین کیفیت موسیقیایی تمام گزارش‌هایش را حین نگارش بلند می‌خواند. ریتم و ضرباهنگ خواننده را تا میانه‌های داستان می‌کشاند.

1. Ken Fuson

فیوسن همواره خواسته تا از رسیدن خواننده بـه‌پایان داسـتان اطـمینان حاصل کند.

او می‌گوید: من بیشتر از آنکه روی شروع داستان وقت بگذارم، برای پایان آن زمان صرف می‌کنم. به‌عقیده فیوسن یک پایان خوب، داستان را خاطره‌انگیز خواهد کرد.

از گفته‌های اوست: اینکه خوانندگان، داستان مرا بـه‌خـاطر بیاورند، برای من بیش از پول اهمیت دارد.

زمانی که فیوسن جایزه مـعتبری را از کـمپانی گـانتو ـ مـالک نشـریه رجیستر ـ دریافت کرد به‌مدیران این شرکت گفت ویراستارانی که بخش پایانی یکی ازگزارش‌هایش را حذف کرده‌اند، مستحق اعدامند.

فیوسن، رسیدن خواننده از آغاز داستان تا انتهای آن را امری تصادفی و شانسی نمی‌داند وی به‌دقت اجزای مختلف داستانش را طراحی می‌کند و در این فرایند، اندیشیدن نخستین گام است. به‌گفته فیوسن، او ابتدا در جست‌وجوی راه‌هایی برمی‌آید که بتواند برخوردها را نشان دهد و حس و حال‌ها را توصیف کند:

«من به‌آهنگ صحیح و مـاهیت گـزارش زیـاد مـی‌انـدیشم» و سـپس سازماندهی عناصر گزارش می‌پردازد:

«تمام جملات را تایپ می‌کنم و آنها را کـه بـه‌کـارم مـی‌آیند انـتخاب می‌کنم. سپس این اطلاعات را مرتب می‌کنم. باید بدانم منظورم چیست و پایان خبر کجاست. پس از اینکه دریافتم هـدف چیست و آن را چگـونه می‌خواهم بیان کنم، به‌این فکر می‌کنم که چگونه شروع کنم.»

فیوسن، معتقد است پاراگراف اول باید کامل باشد و پاراگراف دوم باید آن را کامل‌تر کند.

وی می‌گوید: ای کاش بجای اینکه ابتدا به فکر روشن کردن منظورم باشم، می‌توانستم راه بهتر نوشتن را بیاموزم. این روش اگر چه ممکن است بهترین مِتُد نوشتن نباشد، امّا برای فیوسن که به طور مکرر جایزه می‌برد، کارآمد بوده است. (Rich, 2005:181)

تکنیک عبور

حرکت سلیس از یک پاراگراف به پاراگراف دیگر نیاز به نوعی تکنیک عبور یا ارتباط بین مطالب دارد امّا بهترین تکنیک، عدم عبور است! گزارش خبری زمانی به بهترین شکل سازمان می‌یابد که یک فکر در آن به صورت طبیعی، دیگری را دنبال کند، اطلاعات نهفته در یک پاراگراف باید پرسشی را برانگیزد که در پاراگراف بعد، به آن پاسخ داده شده است. یا پاراگراف نخست باید حاوی اطلاعاتی باشد که در پاراگراف بعد با حقایق و نقل قول‌های پشتیبان، مورد حمایت قرار گیرد.(Rich, 2005:181)

اگر چنین منطقی را رعایت کنید دیگر نیاز به عبور خاصی ندارید با این همه بکارگیری بعضی از این تکنیک‌ها برای تسهیل عبور به پاراگراف بعد، بی‌فایده نیست:

از تکنیک علت و معلول استفاده کنید.

اگر در یک پاراگراف سؤالی را بر می‌انگیزید، در پاراگراف بعد به آن پاسخ دهید یا با طرح مثال و نقل قول، آن را پردازش کنید.

سعی کنید پرسش‌های احتمالی خواننده را پیش‌بینی و مطرح کنید.

برای معرفی یک گوینده جدید در پی گوینده قبل اظهارنظری را دربارهٔ او یا از خود او بیاورید، سپس به سراغ نقل‌قول یا مطلب تفسیری بروید. به

این مثال توجه کنید: (Rich, 2005:182)

پیشنهاد بحث‌برانگیز گنجاندن یک واحد مربوط به تبعیض‌نژادی در واحدهای درسی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تمپل، دیروز از سوی گروهی چند ملیتی از دانشجویان و کارمندان دانشکده‌های این دانشگاه مورد حمایت شدید قرار گرفت.

آنیکا تراهان، یکی از دانشجویان تازه وارد گفت: التزام دانشجویان گذراندن این واحد، گفت‌وگو را بین دانشجویان غیربومی گسترش خواهد داد.

وی افزود: دانشجویان سفیدپوست از جوامعی می‌آیند که در آنها هرگز نتوانسته‌اند با سیاهپوستان تعامل سالمی داشته باشند.

در عین حال، مشخص نیست که این واحد پیشنهادی، روی روابط سیاهان و سفیدپوستان آمریکا متمرکز می‌شود یا تبعیض‌نژادی علیه آمریکایی‌های آسیایی‌تبار و دیگر نژادها را نیز دربرخواهد گرفت.

(عبور به‌گوینده جدید:)

ملفی آسانته، مدیر گروه مطالعات آفریقا ـ آمریکا در دانشگاه تمپل از تمرکز این واحد درسی بر نژادپرستی سفیدپوستان علیه سیاهان آمریکایی به عنوان اساس نژادپرستی در ایالات متحده حمایت کرد.

(عبور به‌گوینده جدید:)

امی دیکسون یک دختر سفیدپوست و دانشجوی سال دوم نیز ضمن حمایت از این موضوع، گفت: مسأله اصلی ما در محیط دانشگاه روابط دانشجویان سفید و سیاه است.

هانتلی کالینز ـ از نشریه فیلادلفیا اینکوایر

بدون کلیشه؛ استفاده از واژه‌های گذار

معمولاً نویسندگان تازه‌کار در انتقال مفاهیم خود عملکرد چندان موفقی ندارند. نوشته‌های آنها دربرگیرندهٔ برخی حقایق و یا نقل‌قول‌هایی هستند که بدون هیچ نظم خاصی روی‌هم انباشته شده‌اند از این‌رو نیاز است که این نوشته‌ها به روشی انتقال داده شوند که در ذهن خواننده نوعی ارتباط منطقی فراهم آورند. انتقال پیام در حقیقت مجرایی است که میان واقعیت‌های ذهن و کلام موجوَد در متن نوعی ارتباط برقرار می‌کند. (Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:37)

تکرار کلمات، افکار و مفاهیم

یکی از روش‌های ساده در انتقال پیام تکرار کلمات است. در مورد داستان‌های ارائه‌شده در گزارش‌های خوب، حتماً به تکرار کلمات، افکار و مفاهیم ارائه شده در متن و چگونگی انتقال آنها از یک پاراگراف به پاراگراف بعدی توجه کنید. (Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:37)

ارائه واقعیات با رعایت توالی منطقی، روشن‌کردن چه کسی؟ چه؟ کجا؟ کی؟ چرا؟ و چگونه؟ به شیوه‌ای جالب و قابل‌فهم، خود به خود جریانی روان به راه می‌اندازد. شیوهٔ نگارش مطلب با تقویت این جریان، گزارشی یکدست و قابل جذب می‌آفرینند. (تامسون، ۴۷)

این کار در صورتی عملی است که هر جمله مطلب مورد نظر خود را طوری بنویسید که به صورتی منطقی از جمله قبلی پیروی کند. خوانندگان را باید برای هر تحول تازه متن آماده نگه دارید، پاراگراف‌ها باید حس یکسانی از تداوم را به دست دهند و با کلمات یا ایده‌ها با یکدیگر پیوند داشته باشند. رشته‌های ارتباط می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- تداوم اندیشه
- تکرار کلمات کلیدی
- استفاده از کلمات و عبارات کمکی مانند: امّا، در این میان، هفته آینده، با این حال، اینکه، آنکه

ولی اگر بخواهید مطلب را با کلمات ارتباطی غیر لازمی چون «وی در ادامه گفت...» ادامه دهید، بی‌سلیقگی به خرج داده‌اید. (تامسون، ۴۹)

کلمات ربطی

برخی کلمات در حوزه دستوری، نقش ارتباطی دارند. کلمات و قیدهای ربطی از مهم‌ترین این کلمات هستند. این عبارت‌های ربطی در حقیقت به خواننده کمک می‌کنند تا به نحوی داستان را دنبال کند. (Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:37)

قیدهای زمانی و مکانی

نویسنده با به‌کارگیری کلمات و عباراتی که به‌زمان و مکان خاصی اشاره دارد، می‌تواند خواننده خود را از روند داستان آگاه نگه دارد. عبارت‌هایی همچون شهر منهتن، در سراسر شهر، پس از نیمه‌شب، رأس ساعت ۳/۱۵ بعد از ظهر، جایی اطراف کانزاس، را می‌توان در این مقوله گنجاند. (Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:37)

اعداد

استفاده از اعداد ترتیبی به داستان شما نظم و ترتیب خاص می‌بخشد. توجه داشته باشید در برخی موارد نویسنده ممکن است از تمام کلمات و

عبارات ربطی جهت انتقال پیام خود استفاده کند. این امر مستلزم تکرار کلمات، عبارت و مفاهیم مختلف به منظور حرکت از یک قسمت داستان به قسمت دیگر است. (Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:37)

بکارگیری پیش‌زمینه:

برای اشاره به پیش‌زمینه، می‌توانید از کلمات و عباراتی مثل «پیش‌تر» یا «در گذشته» استفاده کنید. همچنین می‌توانید از عناصر زمانی خاص مانند «دو ماه پیش» بهره بگیرید. اگر می‌خواهید بخشی از داستان را به‌ترتیب زمانی شرح دهید، می‌توانید از عباراتی مثل این کمک بگیرید: «سانحه این‌گونه آغاز شد.» (Rich, 2005:182)

برای گذر از یک نکته به‌نکته دیگر بویژه در خبرهایی که پیرامون ملاقات‌ها و دیدارها با موضوع‌های مختلف مورد بحث می‌نویسید، می‌توانید از عبارات انتقالی مانند اینها استفاده کنید: «در مبحثی دیگر» یا «در موضوعی مرتبط» یا «مباحث دیگری از جمله...» یک کلمه یا عبارت در پاراگراف، می‌تواند در پاراگراف بعدی نیز قابلیت تکرار داشته باشد.

تکنیک‌های حفظ هیجان و اشتیاق

راه‌های زیاد دیگری پیش روی نویسنده است تا ریتم حرکت در میانه خبر را حفظ کند از آن جمله‌اند:

موازی سازی

جملات موازی و شبیه، به‌خواننده کمک می‌کنند تا به‌سرعت در داخل خبر حرکت کند. منظور از جملات موازی، ساختاری است که

کلمات را به ترتیب گرامری مشابه در جملات جای می‌دهد. بعضی از کلمه‌ها برای تأثیر بیشتر می‌توانند تکرار شوند. بویژه کلمات آغازکنندهٔ جملات، در این مثال، نویسنده از تکنیک موازی‌سازی در آغاز داستان استفاده کرده، امّا شما می‌توانید از آن در هر قسمت دیگر بهره بگیرید:

رادلف آلماراز، مبارزه با ایدز را پیشه خود ساخت، اگر چه حرفه‌اش به واقع جراحی بود.

وی از این موضوع **چیزی به بیمارانش نگفت.** به مقامات بیمارستان جان هاپکینز در بالتیمور، جایی که به عنوان جراح تومورهای سرطانی کار می‌کرد نیز **چیزی نگفت.** حتی به دکتری که اوایل امسال، لوازم پزشکی‌اش را از او خرید **هم چیزی نگفت.**

امّا اکنون، پرونده دکتر آلماراز که از بیماری ایدز و در سن ۴۱ سالگی، در شانزدهم نوامبر درگذشت، بیماران پیشین او را به هراس انداخته است.

ماتئو پوردی، فیلادلفیا اینکوایر

قدم‌هایتان را کنترل کنید

اندازه جملات را متنوع کنید. به دنبال استفاده از جملات نسبتاً بلند، از جمله‌های کوتاه و بریده استفاده کنید:

هر سال در آستانه سال نو، ایولیزا باتزوم روانه بخش اورژانس بیمارستان دانشگاه پنسیلوانیا می‌شد و حالت تهوع و استفراغ خود را به اطلاع می‌رساند، از او تست بارداری به عمل می‌آمد و هر بار از شنیدن نتیجه آزمایش به خود می‌بالید. (جمله بلند)

چندین زن دیگر نیز همین‌گونه بودند. (جمله کوتاه)

لورتا تفانی، فیلادلفیا اینکوایر

دیالوگ

در جای ممکن و مقتضی در خبرهایتان از دیالوگ استفاده کنید. دیالوگ در گزارش‌های خبری ـ توصیفی (فیچر)، در داستان‌های خبری درباره جلسات مجلس و شورا و بویژه، گزارش‌های مربوط به دادگاه‌ها به خوبی قابل استفاده است. مطلب زیر گزیده‌ای از گزارش دادگاهی مربوط به سوء استفاده جنسی و قتل یک کودک است.

دادستان تام گابینز از متهم ادوارد ترستون پرسید: «این تصویر کمربندی است که با آن کیت را می‌زدی، مگر نه؟»

ـ «شبیه همان است.» ترستون که به اتهام قتل کیت جونز، کودک ۲۲ ماهه محاکمه می‌شد در پاسخ به دادستان این را گفت.

ـ «اینجا، همان محلی است که بچه را با کمربند می‌زدی؟»

ـ متهم جواب داد: نه.

لینت هیوز، شیکاگو تریبیون

جملات ساده برای بیان اطلاعات پیچیده

هر چه اطلاعات شما دشوارتر باشند، جملات مورد استفاده نیز باید ساده‌تر باشند. از جملات کوتاه با ساختار ساده استفاده کنید. بویژه برای ارائه اطلاعات اداری که درک آنها برای خواننده دشوار است.

خیلی از خبرها بویژه دربارهٔ رویدادهای دولتی، به توضیح و پیش‌زمینه‌های طولانی و خسته‌کننده نیاز دارند. همه این اطلاعات را یکجا نیاورید. از اجتماع این اطلاعات در جملات پشت سر هم و طولانی بپرهیزید و در عوض آنها را در پاراگراف‌های کوتاه خرد کنید. همچنین از نمودار برای ارائه آمار و دیگر اطلاعات برای بستن خبر استفاده کنید.

«مایک مک گراو» و «جف تایلر» گزارش‌نویس‌های آمریکایی در سلسله گزارش‌های خود پیرامون وزارت کشاورزی آمریکا که جایزه پولیتزر را برای آنان به ارمغان آورد، از جدول‌های آماری بهره فراوان جستند. این دو در بدنه گزارش دنباله‌دار خود با عنوان «گوشت‌های مرگبار» با استفاده از «نقل‌قول» حکایت و فهرست‌های فراوان به خوبی توانستند مطالب سنگین و خسته‌کننده امّا ضروری گزارش را بشکنند. آنها همچنین از جملات کوتاه در موضوعات پیچیده، استفاده کردند.

پایان خبر

پایان خبر، بویژه در سبک‌های پیشرفته باید تأثیرگذار باشد. برای بسیاری از نویسندگان، پایان به اندازه آغاز خبر اهمیت دارد؛ حتی در سبکی مثل هرم وارونه که براساس کم اهمیت‌ترین بخش‌ها در پایان تنظیم می‌شود. متأسفانه بسیاری از خوانندگان، گزارش‌های جراید را تا انتها دنبال نمی‌کنند. امّا اگر خواننده‌ای چنین کرد، شما باید از قبل با پایانی خاطره‌انگیز به او پاداش داده باشید. پایان داستان خبری اصطلاحاً کیکر[۱] (ضربه) هم نامیده می‌شود.

به پایان‌بندی، مانند یک ضربه مشت فکر کنید. پایان داستان باید بدون تکرار آنچه پیش‌تر نوشته‌اید به خواننده نوعی احساس تکرار خلاصه‌وار مطالب را القا کند. (Rich, 2005:183)

انواع پایان‌بندی

- پایان چرخشی: در این‌گونه پایان‌بندی، گزارشگر به سمت لید چرخش می‌کند. (در سبک گیلاس توضیح داده شده است).

1. Kicker.

● پایان نقل قولی: بهترین راه پایان دادن به فیچرهای خبری و اخبار سخت[1] استفاده از ضربه‌های نقل قولی است. به دنبال نقل‌قولی باشید که خلاصه‌ای از حس داستان خبری یا پیام اصلی آن را در خود جای داده باشد. گویندهٔ مطلب را پیش از جمله بیاورید:

سرانجام پس از دو ساعت و نیم طرح دعوا و دفاع، قاضی کوران، گرابوفسکی را به سی ماه زندان و پس از آن سه سال عفو مشروط محکوم کرد.

در پایان، قاضی کوران با اشاره سر به والدین گرابوفسکی، به متهم گفت: «مطمئنم قلب آنها از اینکه امروز در اینجا نشسته‌اند، به درد آمده است.»

جین زاکمن، میلواکی ژورنال

چنانچه از دو جمله نقل‌قولی برای پایان‌دادن به مطلب استفاده می‌کنید، گوینده را بین دو جمله جای دهید. نگذارید آخرین کلماتی که خواننده به خاطر می‌آورد، «او گفت» باشد:

هات میل یا همان سرویس ایمیل رایگان مایکروسافت، نشانی ایمیل، شهر و ایالت محل سکونت مشترکان خود را در اختیار یک سایت عمومی اینترنتی متخصص در ترکیب اطلاعات با شماره تلفن و نشانی سکونت شهروندان قرار می‌دهد.

به گفته مقامات شرکت مایکروسافت، اطلاعات مشتریان سرویس هات‌میل به صورت خودکار روی صفحات سایت اینترنتی اینفواسپیس قرار می‌گیرد، مگر اینکه کاربران هات‌میل به هنگام ثبت‌نام گزینه مربوطه را در صفحه رجیستر هات‌میل حذف کنند.

---

1. Hard News.

جان مازنا، سخنگوی ائتلاف مخالف «ایمیل‌های تجاری ناخواسته» گفت:...

کریس لیورمور، یکی از کاربران هات‌میل در منطقه ردموند گفت:...

آخر خبر:

به این ترتیب طی چند ماه اعتبار هات‌میل من تمام شده و دیگر قابل استفاده نخواهد بود. **لیورمور با بیان این مطلب افزود:** «برای خواندن یک پیام واقعی و متعلق به خودم، مجبورم از بیست پیام ناخواسته تجاری عبور کنم. این وحشتناک است.»

آسوشیتدپرس

● پایان بدون پرحرفی: اگر واقعاً حرف دیگری برای گفتن ندارید، داستان را تمام کنید. این روش، مناسب داستان‌های ساخته شده بر مبنای اخبار سخت است؛ بویژه آن‌ها که خلاصهٔ ماجرا را در لید دارند و ترتیب اهمیت موضوعات در آنها از کل به جزء (سیر نزولی) رعایت شده است. می‌توانید چنین داستانی را با یک نقل‌قول، موضوع موکول شده به آینده و یا ذکر حقیقتی دیگر از داستان پایان دهید:

تامپا، فلوریدا ـ به‌گفته شرکت ملی خدمات صیدهای دریایی، برای نخستین بار یک صیاد میگو به جرم دریافت نکردن دستگاه محافظ لاک‌پشت‌ها از دولت فدرال و نصب آن در قایق خود، به زندان افتاد.

داستان با اشاره به عناصر اساسی خبر شامل چه کسی؟ چطور؟ چرا؟ و کجا؟ ادامه یافته و با ذکر این واقعیت پایان می‌یابد:

براساس آمارهای دولتی، هر سال بیش از یازده هزار لاک‌پشت دریایی در تورهای صید میگو در آب‌های آمریکا گرفتار می‌شوند.

آسوشیتدپرس

بدون‌شک تنوع پایان‌نویسی برای خبر و گزارش خبری و فیچرها بیش از این است، این تنوع در مورد لید و شروع خبر هم صدق می‌کند. آنچه مسلم است تقسیم‌بندی شروع و پایان خبر به موارد مشخص، قبل از آنکه برگرفته از نظرات کارشناسان باشد، بازتاب و تجزیه و تحلیل کار خوبِ خود روزنامه‌نگاران است که به اشکال موجود، تدوین و توصیه شده است. لذا روزنامه‌نگاران قبل از هر چیز باید بیاموزند که چگونه یک لید مؤثر بنویسند و یک پایان‌بندی به یادماندنی خلق کنند و دقت کنند که چطور اطلاعات به دست آمده را در بدنه داستان خبری خود پیاده کنند تا در نهایت، اطلاع‌رسانی مطلوب، مؤثر و خواندنی جلوه کند.

۲

سبک‌های خبری

جک هارت[1] سردبیر و استاد نویسندگی در نشریه «ارگنین[2]» می‌گوید: هنگام سازماندهی داستان خبری خود، منطقی فکر کنید. او این روند را تسلسل و تطابق دادن می‌نامد: «اطلاعات را در یک مسیر منطقی طبقه‌بندی کنید که خوانندگان متوجه شوند چگونه یک نکته، نکتهٔ دیگری را کامل می‌کند.» هارت معتقد است، سکانس‌بندی و تسلسل مطالب به نویسنده کمک می‌کند تا برای داستانش تصویرسازی کند. به عقیده وی بسیاری از نویسندگان تا میانه یک داستان پیش می‌روند بی‌آنکه بدانند از چه ساختار ویژه‌ای استفاده می‌کنند. (Rich, 2005:192)

توصیه اغلب مدرسان خبر این است که نویسندگان اجازه دهند داستان مسیر طبیعی خود را طی کند، همان‌گونه که آن را برای یک دوست تعریف می‌کنند.

---

1. Jake Hart.
2. The (Portland) Oregonian.

تمام داستان‌ها باید به خواننده در درک کانون ماجرا و کشمکش و نقاط برخورد، پیش‌زمینه و راه‌حل مسأله اصلی کمک کنند. اغلب داستان‌ها را می‌توان به ترتیب موضوعات، نقطه نظرات یا ترتیب‌های زمانی برای تمام یا بخشی از داستان خبری مرتب کرد. (Rich, 2005:1923)

به قول «چیپ اسکلن[1]» هر تجارتی یک سری فن و فوت‌های محرمانه و هر شغلی یک سری ابزار برای خود دارد: نجار، اره و چکش؛ لوله‌کش آچارفرانسه؛ نقاش، قلم‌مو و مجموعه‌ای از رنگ‌ها و... در زمان شکسپیر، هنرمندان کیف‌هایی را حمل می‌کردند که ابزار هنریشان در آن بود. لباس، ماسک و وسایل نمایش که آنان را قادر می‌ساخت شخصیت نمایشی خود را بروز دهند. (poynter.org)

به عنوان یک فرد آماده‌خدمت همیشه شعار من این بوده است که: «به من ابزار بده، من هر چیزی را خواهم شکست» امّا به عنوان یک نویسنده معمولاً ابزاری را درخواست می‌کنم که به من برای خوب نوشتن کمک می‌کند، خواه یک خبر تازه باشد یا یک نوشته برای مجله، یک مقاله شخصی یا یک داستان خیالی.

همان طور که یک ساختمان نیاز به یک ساختار دارد و همانگونه که بدن ما را یک اسکلت شکل داده است، اخبار نیز به لحاظ شکل نیازمند برنامه هستند. (poynter.org)

ارنست همینگوی یکی از اولین گزارشگرانی که در آمریکا به عنوان یک نویسنده مؤثر مطرح است به این موضوع توجه کرده است؛ زمانی که می‌گوید: نثر و نوشتن یک سبک معماری است و نه تزئینات داخلی.

---

1. Chip Scanlan.

نویسندگان توانا این موضوع را به خوبی درک می‌کنند و مطمئنا جعبه‌ابزارشان از شکل‌ها و سبک‌های متنوع برای پرداختن به اخبار و گزارش‌ها پر است.

بهترین داستان‌های خبری نیز معمولاً توسط همین تنوع سبک‌هاست که شکل می‌گیرند؛ مواردی که نویسندگان خبری از آن برای بیان داستان‌شان بهره می‌گیرند، بسیار محدود است. لذا آنها باید بتوانند دربارهٔ بهترین راه و سبک بیان آن تصمیم اصولی و درست بگیرند.

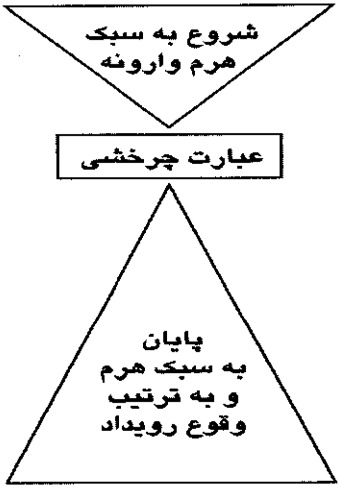
مهندسان معمار و نویسندگان از یک قانون یکسان پیروی می‌کنند فرم و شکل از محتوا پیروی می‌کند. به این معنا که قبل از اینکه شما جعبه‌ای را طراحی کنید، باید محدودیت‌ها و اینکه لازم است چه چیزی درون آن قرار گیرد را بدانید. شما نمی‌توانید برای حمل یک فیل درون یک کشتی، یک جعبه کفش طراحی کنید. (poynter.org)

امّا روزنامه‌نگاران نیز مانند نویسندگان بیشتر از فرمول‌ها و فرم‌های آزمایش پس داده پیروی می‌کنند، سبک هرم وارونه از جمله آنهاست. شما لازم است با این فرم‌ها آشنا باشید. خواه ناخواه شما تصمیم خواهید گرفت تا خبرتان را از راه‌های جدید کامل کنید.

به‌گفته بیل میشل گزارشگر و سردبیر کهنه‌کار (سردبیر وقت پوینتر آنلاین)، نوشته کلیشه‌ای و فرمول‌وار موجب بدنامی و به طرق مختلف موجب از بین رفتن خلاقیت‌ها می‌شود و تنها به نیازهای دم‌دستی خبر پاسخ می‌دهد. آنچه که گزارشگری را به نویسندگی به خوبی پیوند می‌دهد شکل منظم و متمرکزی است که برای تولید کردنِ بهتر اخبار به‌کار گرفته می‌شود.» (poynter.org)

بر همین اساس شناخت مدل‌های مختلف ساختار داستان، می‌تواند

به ما در طراحی سازمان داستانمان کمک کند، انتخاب هر یک از ساختارها به‌نوع موضوع داستان ما بستگی دارد، ساختارها فراوانند، امّا رایج‌ترین آنها از این قرار است:
سبک ساعت شنی[1] / ساختار گیلاس زوجی[2]
سبک گیلاس[3]
سبک وال‌استریت ژورنال[4]
سبک فصل‌بندی[5]
سبک فهرست‌نویسی[6]
سبک داستانی[7]



سبک ساعت شنی

سبک ساعت شنی را باید سبک خبرنویسی مدرن نامید، سبکی که به‌خوبی قادر است، سلیقه‌های گوناگون مخاطبان خبر را راضی نگه دارد.

این سبک، مدل گسترش‌یافته سبک تلفیقی است، در این سبک، لید کمی مشروح‌تر و کامل‌تر آورده

1. Hourglass Structures.
2. The pair of glass structures.
3. glass Structure.
4. Wall street journal formula.
5. Sections Technique.
6. List technique.
7. The Narative.

می‌شود. در سبک تلفیقی ما پذیرفته‌ایم که قوانین کلمه‌شماری (۲۵ تا ۳۵ کلمه) را رعایت کنیم، امّا در سبک ساعت شنی ممکن است لید ما ۶۰ کلمه یا حتی بیشتر هم باشد، ممکن است یک لید از سه یا چهار پاراگراف تشکیل شود.

تفاوت دیگر، این است که سبک ساعت شنی یک پازل سه تکه است. ابتدا در قسمت بالا، یک لید چندپاراگرافی خواهیم داشت که به سبک هرم وارونه تنظیم شده است. در پایین یک هرم که داستان واقعه را به ترتیب تاریخی گزارش می‌کند و در وسط یک جمله یا عبارت که هرم وارونه را به سبک هرم‌ترتیبی متصل می‌کند. به این جمله یا عبارت، جمله چرخشی[1] می‌گویند.

گفته می‌شود که سبک ساعت شنی را ابتدا «روی پیترکلارک» در ۱۹۸۳ بعد از اینکه شروع به نوشتن چیزهای نو در روزنامهٔ صبح خود کرد، نامگذاری شد. مطالب، نوشتن صرف اخبار نبود، بلکه آن یک سبک خبری خلاقانه بود. به نظر می‌رسید گزارشگران در خبرهایشان از تلفیق دو فرم هرم وارونه و داستان‌سرایی بهره می‌برند.

احتمالاً کلارک را می‌توان مبدع این سبک دانست. او که پژوهشگر و محقق ادبی بود با استفاده از مهارت‌ها و تجربیاتش در اتاق خبر با ساختارشکنی به این فرم رسید. (poynter.org)

در مقاله‌ای که در واشینگتن جورنالیزم ریوو (امریکن جورنالیزم ریوو فعلی) چاپ کرد به توصیف این سبک خبری پرداخت و نام آن را سبک ساعت شنی گذاشت و آن را به عنوان یک جایگزین مطرح

1. The trun.

کرد. (poynter.org)

ساختار ساعت شنی می‌تواند مانند هرم وارونه، مهم‌ترین اطلاعات داستان را به شکل اخبار سخت در ابتدای مطلب جای دهد. سپس با یک عبارت چرخشی شما را وارد اصل داستان به شکل ترتیبی کند.

جک هارت معتقد است، برای ارائه یک روایت داستانی به ترتیب زمانی، اغلب می‌توان از انتساب‌های اجمالی و مختصر مانند «پلیس حدس می‌زند» یا «شهود، ماجرا را این‌گونه تعریف کردند» یا «همسایه‌ها ماجرا را این‌گونه توصیف می‌کنند» استفاده کرد. گرچه این نوع انتساب‌ها تنها باید در چند پاراگراف و به منظور فراموش نکردن گوینده مطلب از سوی خواننده ارائه شوند. ضمن آنکه تمام نقل‌قول‌ها نیز به انتساب (ذکر نام گوینده مطلب) نیاز دارند. چنانچه گوینده عوض می‌شود، منبع جدید اظهارنظر باید ذکر شود. (Rich, 2005:197)

امتیاز این ساختار، افزودن بار دراماتیک به داستان به دلیل شکل داستان‌گویی روایی و حفظ ترتیب زمانی است. امّا عیب آن اینجاست که در ترتیب زمانی، ممکن است بعضی اطلاعات کلیدی بخش آغازین داستان تکرار شوند و داستان را از هرم وارونه طولانی‌تر کنند.

در عین حال کلارک در توجیه سبک خود معتقد است، ساعت شنی ضمن آنکه به ارزش‌های سنتی خبرنویسی پایبند است به نیازهای خوانندگان نیز به این دلیل که به قصه گویی می‌پردازد ـ توجه می‌کند. این سبک به خبرنگاران کمک می‌کند تا خودشان را به سطح جدیدی از گزارشگری برسانند. (poynter.org)

او معتقد است، ساعت شنی می‌تواند برای همه خبرها قابل‌استفاده باشد؛ در تنظیم اخبار جنایت، تجارت، دولت و حتی گزارش از مراسم،

این شیوه مناسب‌ترین است.

هر چند برای اخبار نمایشی می‌توان از سبک ترتیبی (هرم) استفاده کرد. گزارش‌های دنباله‌دار در هرالد میامی از این دست است. ساعت شنی یک فرم هنرمندانه است که نظم هوشمندانه‌ای به خبر می‌دهد نظمی که از هرم وارونه و خواص داستان‌سرایی داستان‌های کلاسیک بهره گیرد. (poynter.org)

اکنون به خبری که به سبک ساعت شنی تنظیم شده است، توجه کنید: (Rich, 2005:198)

شلیک پسر ۳ ساله به طفل ۱۶ ماهه

(به لید که حاوی چکیده ماجرا به شکل نقل‌قول است توجه کنید)

تامپا، فلوریدا ـ به گفته معاون کلانتر شهر هیلزبورو، پسر سه ساله‌ای، پنجشنبه پس از یافتن یک تپانچه کالیبر ۳۲ در منزل، به برادر ۱۶ ماهه خود شلیک، و او را به سختی مجروح کرد.

(اطلاعات تکمیلی لید در ادامه می‌آید:)

مقامات بیمارستان عمومی تامپا گفتند: ملوین هامیلتون که حوالی ساعت ۹/۳۰ صبح پنجشنبه از ناحیه سینه مورد شلیک قرار گرفته بود، با بالگرد به این بیمارستان منتقل شد و بلافاصله تحت عمل جراحی قرار گرفت وضعیت عمومی وی وخیم امّا درحالت ثبات گزارش شده است.

(در ادامه دوباره نقل‌قول:)

مقامات پلیس می‌گویند: اتیس نیل به صورت کاملاً تصادفی ماشه را چکانده است.

به گفته مقامات کلانتری، هنوز مشخص نشده که مالک تپانچه کیست و این موضوع در دست بررسی است. طبق قوانین ایالتی، اگر مالک اسلحه آن را

جایی در دسترس کودکان بگذارد مجرم و مشمول مجازات خواهد بود.

تا ساعت‌ها پس از سانحه، اتیس گیج و حیران در محاصره گزارشگران و خدمه واحد سیار تلویزیون، روی سنگ جدول مقابل آپارتمان خانواده‌اش نشسته بود.

دبی کارتر، سخنگوی کلانتری شهر، گفت: او نمی‌توانست حرف زیادی بزند. فکر نکنم واقعاً متوجه شده باشد که چه اتفاقی افتاده است.

اتیس و ملوین همراه مادرشان، دایانا وارنس در آپارتمان مسکونی تریس آوکز در خیابان شماره ۵۰ زندگی می‌کنند.

خویشاوندان و مقامات کلانتری حدس می‌زنند: *(این عبارت چرخشی است)*

(از اینجا داستان به سبک ترتیبی تا پایان ادامه می‌یابد)

دو کودک صبح پنجشنبه در اتاق نشیمن طبقه پایین مشغول بازی بوده‌اند یکی از دوستان خانوادگی که ۱۵ ساله است، روی کاناپه خوابیده و خانم وارنس طبقه بالا بوده است.

زمانی که اتیس، اسلحه را زیر بالش کاناپه پیدا می‌کند، ملوین اطراف اتاق نشیمن پرسه می‌زده است. وی اسلحه را برداشته و یک بار شلیک می‌کند.

آرابل ریکس، عمه خانم وارنس که همسایه او نیز هست می‌گوید: برای خرید به سمت مغازه می‌رفتم که دیدم برادرزاده‌ام فریادزنان از آپارتمان بیرون دوید و جیغ کشید ملوین تیر خورد. او می‌گفت برادر بزرگتر ملوین به او شلیک کرده است. من داخل رفتم و پسرک را دیدم تنها کاری که توانستم بکنم این بود که خارج شوم و دعا کنم.

خانم ریکس می‌افزاید: خودم را به ماشین معاون کلانتر که مشغول گشت‌زنی بود رساندم در حالی که دعا می‌کردم: خدایا، نگذار پسرک بمیرد.

هدی مورفی، سنت پیترزبورگ، تایمز

در خبر شلیک به‌کودک ۱۶ ماهه حجم مطالب دو هرم به طور اتفاقی حدوداً مساوی شده است. در حالی که این یک قانون نیست، اینکه چه حجمی باید در هرم اول باشد و چه حجمی در هرم دوم، بسته به موضوع و محتوای مطالب و سیاست‌گذاری شماست.

همان‌طور که در سطرهای نخستین این بحث گفته شد، سبک ساعت شنی، مدل احیاء شده سبک تلفیقی است، لذا چنانچه حجم مطلب شما و محتوای خبر به‌گونه‌ای نبود که یک هرم خبری کامل از آن تولید شود، وسواس را کنار بگذارید و به نوشتن خبر به سبک تلفیقی (سبک تاریخی همراه با لید) بسنده کنید.

امّا در توضیح خبر «هدی مورفی» باید گفت، خبر با یک نقل‌قول شروع می شود که در همان ابتدا و به سبک هرم وارونه ما را از اصل موضوع مطلع می‌سازد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید ترسیم اطلاعات جمع‌آوری شده و مصاحبه‌ها با شناسایی منابع به صورت نوبتی انجام گرفته است.

مثل تمام خبرهای داستانی، این خبر نیز یک شروع، یک میانه و یک پایان‌بندی دارد. خانم ریکس می‌افزاید: «خودم را به ماشین معاون کلانتر که مشغول گشت‌زنی بود رساندم در حالی که دعا می‌کردم: خدایا، نگذار پسرک بمیرد.»

نویسنده در هرم پایانی به درستی از نقل‌قول‌های نمایشی و جزئیات روشن استفاده می‌کند که یک نمای داستانی بسازد و خواننده به هیچ وجه آن را در هرم بالا نمی‌بیند: «زمانی که اتیس، اسلحه را زیر بالش کاناپه پیدا می کند، ملوین اطراف اتاق‌نشیمن پرسه می‌زده است. وی اسلحه را برداشته و یک بار شلیک می‌کند.»

دقت کنید، مطالب خارج از اصل داستان، در هرم وارونه بالا ذکر شده است: «به‌گفته مقامات کلانتری، هنوز مشخص نشده که مالک تپانچه کیست و این موضوع در دست بررسی است. طبق قوانین ایالتی، اگر مالک اسلحه آن را جایی در دسترس کودکان بگذارد، مجرم و مشمول مجازات خواهد بود.»

لذا اگر شما نیز از این سبک استفاده می‌کنید، مطالبی راکه خبر راکامل می‌کند، امّا داستان اصلی را شرح نمی‌دهد در هرم اول ذکر کنید و در بخش هرم دوم صرفاً داستان را شرح دهید.

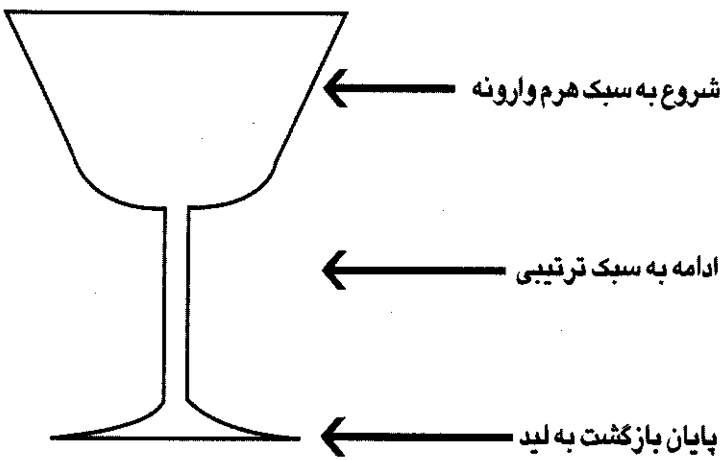
سبک ساعت شنی، به‌گونه‌ای است که هم نظر سردبیرانی را که نگرش سنتی دارند برآورده می‌کند و هم به خوبی خوانندگان کم‌صبری را که به آسانی از نگرش تفریحی به خبر خسته می‌شوند، راضی نگه می‌دارد.

از سوی دیگر مخاطبانی را که می‌خواهند خبر کامل‌تر و از جزئیات بیشتری برخوردار باشد و موضوعات بیشتر شکافته شود، راضی و خوشحال می‌کند. به عبارت دیگر ساعت شنی هم نیازهای خبری خواننده را برآورده می‌سازد و هم به میل و علاقه طبیعی و ذاتی او داستان توجه دارد.

البته اگر شما یک مطلب اقتصادی یا سیاسی داشته باشید که اطلاعات آن استعداد ورود به سبک ساعت شنی را داشته باشد، ممکن است سختی خبر، داستانی بودن آن را ـ به معنای اخیر ـ تحت‌الشعاع قرار دهد.

سبک خبری گیلاس

سبک خبری گیلاس[1] با کمی تفاوت در ساختار، شبیه سبک ساعت شنی است. این سبک نیز با یک هرم وارونه شروع می‌شود و سپس تا قبل از بخش پایانی به شکل ترتیبی و تاریخی (سبک هرم) پیش می‌رود و معمولاً با یک جمله یا عبارت که مرتبط با لید است، به پایان می‌رسد.
(Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:34)



این ساختار خبری به گزارشگر امکان می‌دهد تا قبل از آنکه روی لید و یا پایان خبر متمرکز شود به سبک ترتیبی اتفاقات را تا پایان کنار هم قرار دهد. در این سبک پاراگراف شروع و پاراگراف پایان هردو شامل اطلاعات مهم می‌شود.

در این سبک شما معمولاً پایان خبر را به شروع آن گره خواهید زد. از این تکنیک بعضی مواقع به عنوان تکنیک پایان دایره‌ای[2] (کیکر واژه

1. glass.
2. circle kicker.

روزنامه‌های قدیمی به معنای پایان است) نام برده شده است. نویسنده در این سبک سعی می‌کند در پایان، خواننده را به شروع گزارش بازگرداند.

در مثال زیر جنیفر وینر، گزارشگر نشریه فیلادلفیا اینکوایر دربارهٔ واکنش مربوط به مرگ «جری گارسیا» رهبر گروه «گریت فول‌دد» گزارشی نوشته است؛ گزارشی که تصویری از طرفداران و فقدان او را در لید و پایان به نمایش می‌گذارد. (Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:34)

شروع گزارش

آنها می‌دانستند که خبر ناگواری در راه است چون گزارش‌های متعددی در مورد استفاده اسطوره آنان از مواد مخدر و همچنین نامساعد بودن شرایط جسمانی وی به چاپ رسیده بود.

با این حال دیروز بعد از ظهر طرفداران گروه گریت فول‌دد نمی توانستند با خبر درگذشت جری گارسیا که گیتاریست برجسته این گروه بود کنار بیایند. خواننده‌ای که زمانی قلب آنان بود.

جان راکول که یکی از پیشکسوتان موسیقی به شمار می‌آید و تاکنون در بیش از ۴۰۰ کنسرت حضور داشته است، می‌گوید همگان می‌دانستند که جری بیمار است. ما فقط می‌خواستیم چاق‌تر شدن، پیری و همچنین دوران بازنشستگی او را نیز ببینیم، با آنکه وی از دنیا رفته امّا فکر می‌کنم به‌گونه‌ای دیگر باز نشسته شده است.

بعد از یک پس زمینه که شرح می‌دهد مرگ جری و واکنش طرفداران معروف و غیرمعروف گروه «ددهد»ها را «وینر» داستان خبری خود را با این پاراگراف به پایان می‌رساند.

پایان گزارش

در نزد بعضی‌ها موسیقی تنها آن چیزی بود که با گروه ددهد معنایافت و با مرگ جری گارسیا پایان یافت.

خانم رندی هورن از شمال شرق فیلادلفیا دیروز محل کار خود را زودتر از موعد مقرر ترک کرد. او از زمانی که همکارانش خبر مرگ جری را به وی اعلام کردند به طور مداوم گریه کرده است و در قلب خود احساس درد می کند.

او می‌گوید: من در راه خانه نوارهای کاست وی را خرد کردم، در حالی که فکر می‌کردم؛ این، آن چیزی است که من در آینده جای خالی آن را حس خواهم کرد. من سال بسیار بدی را پشت‌سر گذاشتم، فکر می‌کردم با شرکت در چند کنسرت جری در ماه سپتامبر می توانم بار دیگر با نشاط شوم، امّا اکنون من هر دو را از دست داده‌ام.

به یاد داشته باشید که یک خبر به سبک هرم وارونه که جزو سبک‌های بنیادی است، نیاز به یک پایان ندارد. امّا خبرنگارانی که از سبک گیلاس استفاده می‌کنند، می‌کوشند خواننده را نگه دارند و او را با خبر درگیر کنند.

یک گزارشگر تلویزیونی غالباً می خواهد پایان داستان خبری خود را با شروع آن گره بزند امّا معمولاً زمان لازم را برای بسط خبر طولانی به سبک ترتیبی ندارد.

کارگزاران روابط عمومی غالباً سبک گیلاس را برای نشریات درون سازمانی نسبت به سبک هرم وارونه مؤثرتر می‌دانند. خوانندگان نشریات داخل سازمان که به آنها نشریه داخلی نیز می‌گویند، تعجیلی نسبت به خوانندگان روزنامه‌های صبح ندارند و می‌توان انتظار داشت که یک

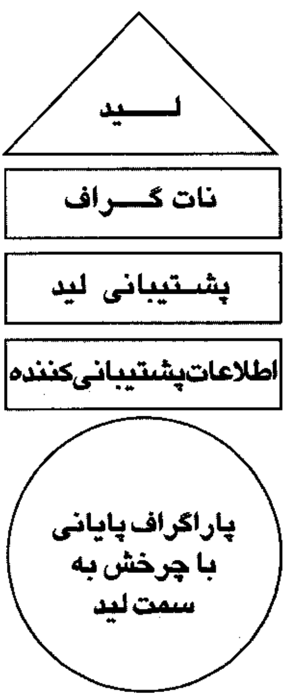
داستان خبری را با صبر و حوصله تا پایان ادامه دهند. چنین خوانندگانی نیاز به دریافت اطلاعات سنگین و جدی سبک هرم وارونه ندارند و اخباری را که اطلاع‌رسان و در عین حال سرگرم‌کننده‌اند، ترجیح دهند.
(Wilber, Rick, Miller, Randy, 2003:34)

سبک وال استریت ژورنال

سبک وال استریت ژورنال[1]، فرمولی چندکاره است که در بسیاری از اخبار و گزارش‌های توصیفی ـ خبری (فیچر)، اخبار حاشیه‌ای و اخبار حوادث که رویکرد توصیفی دارند، کاربرد دارد. (Rich 2005:195)

این ساختار براساس حرکت از جزء به‌کل طراحی شده و فرمول آن به قرار زیر است:

الف) با یک لید داستان‌گونه آغاز کنید. کانون (نقطه تمرکز) این لید باید یک مثال از موضوع اصلی باشد. می‌توانید از مثال‌های اشخاص یا اتفاق‌های مربوطه استفاده کنید.



ج) پایان داستان معمولاً به صورت چرخشی و با مراجعه به لید نگاشته

1. wall street journal

می شود. (شبیه سبک گیلاس)

«نخستین‌بار روزنامه وال‌استریت ژورنال در داستان‌های دنباله‌دار خود در صفحه نخست از این فرمول استفاده کرد، به همین خاطر فرمول یاده شده نام خود را از این روزنامه وام گرفت.

این ساختار با یک لید نرم[1] که بر یک شخص، صحنه یا حادثه متمرکز شده، شروع می‌شود. شکل داستان از جزء به‌کل حرکت می‌کند و با یک شخص، مکان یا واقعه‌ای که تجسم‌بخش نکته اصلی داستان است، آغاز می‌شود. موضوع اصلی در یک نات‌گراف[2] (پاراگراف مهره‌ای) بیان می‌شود.

پایان داستان، اغلب یک کیکر چرخشی است که با استفاده از نقل‌قول یا روایتی داستانی از شخص اشاره شده در لید و یا توسعه مبتنی بر آیندهٔ موضوعی که در آغاز داستان ذکر شده، به‌کار گرفته می‌شود.

خبرنگاران هنگام نگارش گزارش، باید به دنبال فردی بگردند که می‌تواند به عنوان یکی از ده‌ها نمونهٔ در دسترس، در توضیح موضوع اصلی، مثال زده شود. همچنین در جست‌وجوی داستانی باشید که نکته اصلی را تصویرسازی کند.

داستان زیر که طبق فرمول وال‌استریت ژورنال نوشته شده، موضوعی دنباله‌دار را پیرامون حضور دانشجویان کالج، پای میز قمار کازینوها ارائه می‌دهد. توجه کنید که داستان چطور با یک لید داستان‌گونه آغاز می‌شود، منابع چگونه طرح می‌شوند و پایان چرخشی داستان چگونه به شخص مطرح شده در لید باز می‌گردد. (Rich, 2005:196)

1. soft lead 2. nut groph

رویای دانشجویان، در کازینوها غرق می‌شود

کانزاس سیتی: مایکل هادسپت نخستین بار در سال اول دبیرستان و در سالن کافه‌تریای مدرسه، وقتی یادگرفت که چطور از بازی کراپ (نوعی قمار) می‌توان پول جمع کرد، به قمار روی آورد. وقتی به کالج رفت، قمار را در کازینوهای مجاور رودخانه «میزوری» ادامه داد.

باخت‌های او از دو دلارهایی که هر روز برای ناهار در مدرسه از مادرش می‌گرفت تا دو هزار دلار وام دانشجویی که یک شبه به باد داد، افزایش یافت.

(لید نرم، تمرکز روی شخصی که تصویرساز موضوع اصلی داستان است)

هادسپت ۲۴ ساله که اغلب از کلاس‌هایش در کالج وسترن میزوری در سنت جوزف غیبت می‌کند تا به فاصله پنج دقیقه از کالج، پای میزقمار در کازینوی «سنت‌جو فرانتیر» حاضر شود، می‌گوید: من هر روز به این کازینوی قایقی می‌روم. نمی‌دانم چرا؟ یک جور جاذبه مرا به این محل بر می‌گرداند.

(نقل قول تکمیلی)

گسترش کازینوها در سراسر کشور می‌تواند از جمله عوامل شیوع قمار بین دانشجویان کالج‌ها باشد.

(نات‌گراف ـ پاراگراف مهره‌ای)

مایکل فرانک، پروفسور روانشناسی در کالج ریچارد استاکتون در نیوجرسی، ایالتی که تنها در شهر آتلانتیک‌سیتی افزون بر ده کازینو دارد، می‌گوید: دانشجویانی که در نزدیک کازینوها زندگی می‌کنند، بیشتر از دیگران مستعد اعتیاد به قمار هستند و به نظر می‌رسد شمار این دانشجویان در سال‌های اخیر، رو به فزونی گذاشته است.

براساس تحقیقی از شاخه اعتیادشناسی دانشکدهٔ پزشکی هاروارد، حدود نیمی از دانشجویان کالج‌های آمریکا و کانادا گفته‌اند طی سال قبل، در

کازینوها قماربازی کرده‌اند.

(اطلاعات تکمیلی)

در دانشگاه ایالتی لوئیزیانا در شهر «بیتون رژ» که به فاصله کمتر از دو مایلی از خوابگاه دانشجویان، دو کازینوی قایقی دارد، یک دانشجو به اختلاس ۳ هزار دلاری از صندوق مالی دانشکده برای شرکت در قمار متهم شده است.

در نیوجرسی، بحران شیوع قمار در دبیرستان‌ها و کالج‌ها رو به وخامت گذاشته است. ادوارد لونی، رئیس شورای روانشناسی قمار در نیوجرسی، ضمن بیان این مطلب می‌افزاید: قمار در آمریکا همه‌گیر شده است. تقریباً دانشجویان تمامی کالج‌های کشور به قمار در کازینوها می‌پردازند.

در دانشگاه کانزاس‌سیتی که دانشجویان آن با یک ساعت رانندگی به شش کازینو دسترسی دارند، سال گذشته یک تشکل قماربازی را تأسیس کردند.

استیو تیلور، سخنگوی مجمع بازرسی از کازینوهای مستقر در حاشیه رود میزوری از سازمان‌های ضدقمار می‌گوید: آمار، نشان از تمایل جوان‌ترها به قمار دارد. این مسأله از نزدیکی کازینوها با محوطه‌های دانشگاهی ناشی می‌شود.

در بیشتر ایالت‌ها، سن قانونی قمار، ۲۱ سالگی است و کازینوها در صورت تخطی از این قانون با جریمه‌های سنگینی روبه‌رو می‌شوند، امّا دانش‌آموزان کم سن و سال همان‌طور که راه‌های خرید مشروبات الکلی و ورود به بارها را یاد گرفته‌اند، روش‌های ورود به کازینوها و قماربازی را نیز آموخته‌اند.

بسیاری از نوجوانان، با حقه‌هایی چون ارائه شناسنامه‌های قرضی وارد کازینوها می‌شوند. ضمن اینکه طبق تحقیقات، از بسیاری از آنها احراز هویت به عمل نمی‌آید. شمار زیادی از دانشجویان و دانش‌آموزان، با دریافت پول توجیبی از والدین یا از طریق وام‌های دانشجویی به پول نقد دسترسی دارند.

آنها همچنین بدون نیاز به حضور والدین خود برای امضای دوم با استفاده از کارت‌های اعتباری از حساب‌های مشترک پول برداشت می‌کنند.

تمام ۱۱ کازینوی قایقی حاشیه رود میزوری، قانون ممنوعیت قمار برای افراد زیر ۲۱ سال را پذیرفته‌اند و به‌کارکنان خود آموخته‌اند که چگونه این افراد را شناسایی کنند.

جف هوک، مدیر بازاریابی کازینو و هتل «هارا» در شمال کانزاس‌سیتی می‌گوید: پرسنل این کازینو پیش از ورود یک مشتری، از وی احراز هویت می‌کنند و پس از ورود مشتریان نیز در صورت لزوم پرسش پیرامون سن و سال آنها ادامه می‌یابد.

هادسپت در کانزاس‌سیتی بزرگ شده و در تمام عمرش، قمار در فضای اطراف او وجود داشته است. وی برای ورود به‌کازینو گواهینامه رانندگی بهترین دوستش را قرض می‌گیرد و بعضی وقت‌ها هم با پولی که مادرش بابت کرایه‌خانه برای او می‌فرستد، روی رقابت‌های ورزشی شرط می‌بندد. او ماکزیمم اعتبار بانکی کارت اعتباری‌اش را دریافت کرده و حتی وام دانشجویی خود را صرف اعتیادش به قمار کرد است. البته وی کالج را نیمه‌کاره رها کرد تا برای بازپرداخت بدهی‌هایش، تمام وقت کار کند.

(کیا شانته بروکس ، آسوشیتدپرس)

کمی بیشتر دربارهٔ نات‌گراف

در نات‌گراف باید نکته اصلی داستان گنجانده شود. این پاراگراف که حکم مهره را برای پیچ (لید) دارد، باید توضیح دهد که داستان راجع به چیست و چرا اهمیت دارد؟ نات‌گراف در حقیقت پاسخ به این پرسش است: خُب، که چی؟ در ادامه باید توضیحات تکمیلی و پشتیبان لید ارائه

شوند. پیکره داستان را می‌توان با چند نظر مختلف یا با توسعه کانون داستان (نقطه تمرکز) سازمان‌دهی کرد.

به این مثال توجه کنید: (Rich, 2005:39)

راونا، اوهایو ـ در زندان پورتیج، هیچ اتاقی برای «ماتیوپی دوکز» جا ندارد و او سرسختانه تلاش می‌کند تا وارد آنجا شود.

(لید خبر)

وی که در نیوتن پالز اقامت دارد، در ۱۵ ماه شش بار به جرم مستی هنگام رانندگی به گذراندن دوره زندان سی روزه محکوم شده است، امّا هر بار مأموران او را به علت پُر بودن زندان، برگردانده‌اند.

(پاراگراف پشتیبان)

او به دادگاه رفته، علیه کلانتر شکایتی رسمی تنظیم کرده و اظهار داشته است که جلوگیری از رفتن وی به زندان، خود نوعی تنبیه غیرمعمول و بی‌رحمانه است.

(نات گراف)

بسیاری از وکلا معتقدند که این پرونده در نوع خود منحصربه‌فرد است. طرح آزمایشی آزادی‌های مدنی که راه را برای کسانی که مدت‌های مدیدی را در انتظار گذراندن دوره زندان خود به جرم رانندگی در حال مستی یا انواع سرقت‌های کوچک ـ می‌گذرانند، هموار خواهد کرد.

کارول بیلزکی/ نایت ریدر/ سرویس خبری تریبیون

همان‌طور که در این خبر ملاحظه می‌شود، «بهانه خبری[1]» مربوط

---

1. News Peg.

به‌زمانی است که یک واقعه عجیب اتفاق افتاده و مردی در اعتراض به‌اینکه چرا او را به‌زندان نمی‌برند، از کلانتر شکایت کرده است. خبرنگار در لید جذاب و کوتاه خود، مخاطب را تحریک و حساس کرده و در پاراگراف بعد (پاراگراف پشتیبان) مقدمه ورود او را به «نات‌گراف» فراهم ساخته است.

نات گراف ممکن است، بلافاصله بعد از لید بیاید و آن را کامل کند. به‌مثال زیر توجه کنید. (Rich, 2005:42)

درهایتان را قفل کنید.

(لید)

این توصیه‌ای است که دان هرگان، رئیس بخش امنیتی دادگاه یووا در گزارش‌هایی که اخیراً از گشت‌های شبانه‌اش ـ در خوابگاه بدون قفل ـ ارائه کرده، مطرح کرده است.

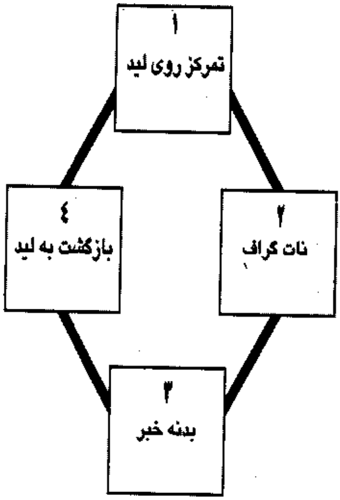
(نات‌گراف)

نات‌گراف پاراگراف کلیدی است که نه تنها در سبک وال‌استریت ژورنال بلکه در همه سبک‌ها حتی هرم وارونه می‌تواند به‌کار گرفته شود.

به‌عبارت دیگر، نات‌گراف یعنی اینکه ابتدا از خودمان سؤال کنیم بهانه انتشار این خبر چیست؟ سپس خود را جای خوانندهٔ خبر بگذاریم و از زبان او بپرسیم: خب که چی؟، چه حرف تازه‌ای هست که باید بدانم؟

خبر را چک کنید

هنگام تهیه خبر به‌سبک وال استریت ژورنال و سبک گیلاس حتماً این چهار مرحله را در خبر خودتان چک کنید، آیا یک لید خوب و جذاب که



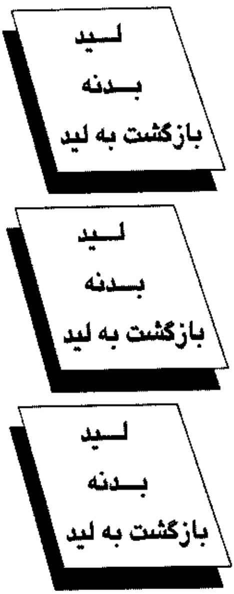
مخاطب را جذب‌کند، نوشته‌اید؟ آیا فکر کرده‌اید که باید لیدتان را طوری طراحی کرده باشید که قادر باشید پایان خبر را دوباره به آن گره بزنید؟ آیا «نات‌گراف» را در جای خود قرار داده‌اید. یا اصلاً به نات‌گراف توجه کرده‌اید. آیا یک بدنه با ساختار قوی و مقاوم ایجاد کرده‌اید؟ حالا که به پاراگراف پایانی خبر رسیده‌اید هنرمندانه آن را به لید گره بزنید و نفسی به راحتی بکشید.

سبک فصل‌بندی

تکنیک تقسیم داستان به بخش‌های مختلف در خبرهایی که موضوع عمیقی دارند، بسیار کارآمد است. این ساختار را می‌توان در بسیاری از گزارش‌های فیچر و داستان‌های خبری گنجاند. (Rich, 2005:200)

نکته اساسی در تکنیک فصل‌بندی، گنجاندن هر بخش در فصلی مجزا است، به‌گونه‌ای که هر یک، لید و پایان خود را داشته، خواننده را مجبور به ادامه مطالعه کنند.

یکی از راه‌های رایج در سازماندهی داستان‌های خبری فصل‌بندی شده، استفاده از نظرهای متفاوت است. برای مثال در داستان‌هایی که موضوع‌های بحث‌برانگیز دولتی از قبیل پیشنهادهای جدید دفن زباله را مطرح می‌کنند، می‌توانید هریک از گروه‌هایی را که درگیر یا تحت‌تأثیر این



پیشنهاد هستند، در یک بخش مجزا بگنجانید و به‌این ترتیب، به داستان شکل دهید. راه دیگری که اغلب برای سازماندهی به داستان‌های فصل‌بندی شده به‌کار می‌رود، استفاده از قالب‌های زمانی است. به‌گونه‌ای که مثلاً از زمان حال شروع و سپس برای اشاره به‌پیش زمینه به سمت گذشته حرکت می‌کنید، دوباره برای توسعه داستان به حال باز می‌گردید و با آینده، داستان را تمام می‌کنید. اگرچه این ترتیب، می‌تواند متغیر باشد امّا فصل آغازین، حتما باید حاوی یک نات‌گراف (پاراگراف مهره‌ای) باشد تا برای خواننده توضیح دهد که چرا اکنون قصد دارید این داستان را بنویسید. (Rich, 2005:200)

این تکنیک در داستان‌های خبری که به شیوه روایی نوشته می‌شوند، بسیار موثر است. برای دریافتن اینکه آیا داستان‌تان مناسب فصل‌بندی است یا خیر، برای آن چند عنوان فرعی (میان تیتر) انتخاب کنید. سپس ببینید که آیا برای هر عنوان جانبی، اطلاعات کافی در اختیار دارید تا آن را در یک فصل جدا بگنجانید؟

در مثال زیر برای نظم بخشیدن به هر بخش از ترکیبی از نظرات و فصل‌های زمانی استفاده شده است. (Rich, 2005:201)

گزارش به شکل روایی و دراماتیک و به‌گونه‌ای نوشته شده که حادثه را بازسازی کند. توجه کنید که چطور هر بخش در فصلی مجزا و با پایان‌های ضربه‌ای آورده شده است:

آنها زنده ماندند، امّا به زندگی باز نگشته‌اند

بولدر ـ کلرادو: هفته‌ها پس از سانحه سقوط هواپیما، دیوید هوکر، یادداشت‌های عاشقانه نامزدش را از این سو و آن سوی خانه خود پیدا می‌کند.

در قفسه داروها: «دیوید، خیلی دوستت دارم.» در کشوی جوراب‌ها: «مواظب خودت باش.» در قفسه ظروف نقره‌ای: «دلم برایت تنگ می‌شود.»

پنج ماه از زمانی که سوزان فایلر سوار پرواز ۲۸۲ یونایتد ایرلاین شد، می‌گذرد. هوکر به دقت تکه کاغذهای زردرنگ را در جعبه‌ای تمیز کنج کمد لباس‌هایش جمع می‌کند. قاب‌عکس فایلر هم روی میز است. کمی آن طرف‌تر او جعبه چوبی حاوی خاکستر پیکر نامزدش را نگه داشته است.

□

این پاراگراف به شما می‌گوید که چرا شما اکنون این داستان را می‌خوانید

کمتر از نیم ساعت به مقصد «دنور» مانده و گری‌پریست نمی‌تواند بخوابد. او یک فیلم را تماشا می‌کرد ـ اکنون حتی به خاطر نمی‌آورد چه فیلمی بوده ـ فیلم روی یک صحنه گیر کرد و ناتمام ماند. زنی از ماشین به بیرون پرتاب شد و برخورد او با سنگفرش خیابان، پوست صورتش را برد. ناگهان دوباره نوزدهم جولای بود و «پریست» به سیوکس‌سیتی بازگشته بود؛ او به خاطر می‌آورد که چگونه خود را از لاشه هواپیما بیرون کشید، شروع به دویدن کرد. از مقابل تکه‌های هواپیما و چمدان‌های پراکنده مسافران گذشت، تکه فلزهای نیم‌سوز، جسد آن پسر. سپس او به کریسمس می‌اندیشد و چشمانش هرگز بسته‌شدن را تحمل نمی‌کند.

□

این بخش شامل اطلاعاتی است که بخش‌های مختلف را به هم متصل می‌کند.

پنج ماه پیش آن دو با هم غریبه بودند. تنها وجه مشترک، مسافرت هر دو با یک هواپیما بود.

سوزان فایلر به اوهایو می‌رفت تا والدینش را با خبر نامزدی خود شگفت‌زده کند. گری پریست هم برای یک مأموریت کاری عازم شیکاگو بود.

هر دو در «دنور» سوار پرواز ۲۸۲ شدند. سوزان در صندلی شماره کی ۳۱ و گری روی صندلی جی۱۵ نشست. فایلر سی و دو ساله جزو ۱۱۲ کشته شده سانحه و گری بیست و سه ساله جزو ۱۸۴ بازمانده آن بود.

برای آنانی که مستقیماً درگیر سانحه بوده‌اند ـ خانواده و دوستان قربانیان، بازماندگان و خانواده‌های آنها ـ حتی تعطیلات و استراحت هم به‌کار نیامده است، چون برای آنها ثابت شده که زمان، ترمیم‌کننده زخم‌ها نیست.

پنج ماه پس از سانحه، دیوید هوکر و گری پریست هر چند یکدیگر را نمی‌شناسند امّا در یک اندوه شریک‌اند.

□

در این بخش دیوید هوکر به ما می‌گوید که چطور با نبود نامزدش کنار آمده است.

هر شب، دیوید هوکر در اتاق خوابش قدم می‌زند. شمعی روشن می‌کند و یاد سوزان فایلر را در روزگارش سهیم می‌کند.

اندکی پس از سانحه، یکی از دوستان هوکر به او نصیحت کرد که بجای تأسف، از روح فایلر کمک بخواهد.

هوکر می‌گوید از سوزان خواستم که به‌کالبد من بیاید، با من زندگی کند و درون من زنده بماند. از آن به بعد، احساس کردم از درون با تغییری دراماتیک روبه‌رو شده‌ام احساس می‌کردم تمام این انرژی به درون من انتقال یافته است.

هوکر پس از روشن کردن شمع، قدری به درگاه خداوند دعا می‌کند، سپس نگاهی به یادداشت‌های عاشقانه‌ای که از نامزدش بجای مانده می‌اندازد؛ آنگاه به پنج قاب‌عکسی که روی کمد لباس‌ها گذاشته خیره می‌شود.

□

این بخش نشان‌دهنده نقطه‌نظرات گری است.

گری پریست متعجب است: چرا مردم این طور رفتار می‌کنند؟ او یکی از دهشتناک‌ترین سوانح هوایی در تاریخ آمریکا جان سالم به در برده است. گری شاهد تصاویری بود که اکنون پاهایش را لرزان کرده‌اند. تصاویری که تا آخر عمر فراموش نخواهد کرد.

پس دلیلی ندارد که همه او را خوش‌شانس بدانند. گری معترض است: «با این حرف‌ها گویی مرا نیشگون می‌گیرند. آنها می‌گویند: بیا بینگو بازی کن، بیا بلیت بخت‌آزمایی بخر، تو خوش‌شانسی» حرف‌هایشان مانند پتکی در سرم صدا می‌دهد.

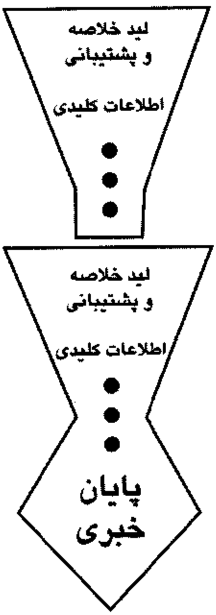
فکر نمی‌کنم خوش‌شانس بوده باشم. اگر شانس داشتم اصلاً سوار آن هواپیما نمی‌شدم. اگر شانس در کار بود هیچ کس سوار نمی‌شد.

□

آنها با هم غریبه‌اند، امّا گری پریست دوست دارد به دیوید هوکر بگوید او هم در غم مرگ سوزان فایلر، سوگوار است.

پریست می‌پرسد لطفی در حقم می‌کنید؟ می‌توانید از جانب من به تمام آنان که عزیزی را از دست داده‌اند و آنان که جان سالم به در برده‌اند، بگویید کریسمس مبارک؟ می‌توانید به آنها بگویید که به یادشان هستم، دوستشان دارم و برایشان دعا می‌کنم؟

کن فیوسن، رجیستر



سبک فهرست‌نویسی

طبقه‌بندی اطلاعات، بویژه در ارائه نتایج مطالعات تحقیقی و اهم برنامه‌های دولت، راهی عالی برای حرکت دادن خواننده در درون داستان خبری است. شما می‌توانید فهرست‌نویسی را به چندین روش پیاده کنید.

- برای طبقه‌بندی یک دسته آمار یا هرگونه اطلاعات پر زحمت دیگر.
- برای برجسته ساختن نکات کلیدی داستان (Rich, 2005:185)

فهرست‌نویسی در اخباری که چندین نکته مهم تأکیدی را ارائه می‌دهند کاربرد دارد. در این سبک به‌کادرهای تأکیدی در میانه یا پایان خبر بیندیشید. (Rich, 2005:197)

این تکنیک بویژه درگزارش‌های خبری تحقیقی ـ آماری، اخبار مرتبط با رویدادهای دولتی از جمله نشست‌ها و ملاقات‌ها و حتی گزارش‌های خبری ـ توصیفی دربارهٔ مردم و برنامه‌های جامعه‌شناسی (اگر حاوی چندین نکته کلیدی هستند) به‌کار می‌آید.

اگر بخواهید در پیکره داستان و یا پایان آن از فهرست استفاده کنید، می‌توانید با یک لید حاوی چکیده ماجرا یا یک لید نرم و در پی آن نات‌گراف (پاراگراف مهره‌ای) شروع کنید.

به دنبال آن از نقل‌قول یا ذکر حقایق صرف یا هر دو برای تکمیل لید استفاده، سپس نکات کلیدی را تا انتهای خبر طبقه‌بندی کنید.

درگزارش‌های مربوط به تحقیقات پلیسی اغلب، فهرست را در بخش

آغازین داستان می‌گنجانند تا روند تحقیقات و یافته‌ها را طبقه‌بندی کنند.

فهرست‌های گنجانده شده در آغاز و میانه‌های داستان را به پنج قسمت یا حتی کمتر محدود کنید، فهرست‌های انتهایی می‌توانند بلندتر باشند.

در ساختار فهرست‌نویسی، هر قسمت باید در یک پاراگراف مجزا ارائه شود. فهرست‌نویسی همچنین در اخبار مربوط به ملاقات‌ها به‌کار می‌آید، تا اعمال غیرمرتبط با لید را طبقه‌بندی کند. می‌توانید برای عبور از یک قسمت به قسمت دیگر، از عباراتی مانند: «در رویدادی دیگر» یا عبارات گذار دیگری از این دست استفاده کنید، در مثال زیر از دو سری فهرست استفاده شده است. (Rich, 2005:199)

(مقابل جملات فهرستی معمولاً یک نقطه سیاه به نام گلوله یا اشکال گرافیکی مشابه قرار می‌گیرد.)

(لید حاوی چکیده ماجرا)

یک قاضی در اسپرینگ‌فیلد، روز پنجشنبه دربارهٔ پرونده پیچیده دانشگاه ساوت‌وست میزوری دستور داد این پرونده جنایی برای عموم مردم افشا شود.

(اطلاعات تکمیلی نقل‌قول نشان‌دهنده عکس‌العمل)

تریسی باور، سردبیر بیست و دو ساله روزنامه دانشگاه ایالتی ساوست میزوری گفت: آقایانی که قانون اساسی را نوشته‌اند باید به خود ببالند.

(پیش زمینه)

باور، مسوولان دانشکده را به پنهان‌کاری در ارائه گزارش جنایت به‌منظور حفظ وجهه مدرسه متهم کرد. راسل کلارک، قاضی فدرال حکم داد:

- افشا نکردن تحقیقات جنایی و گزارش سانحه، خلاف قانون اساسی است؟

● سوابق پرونده جنایی دانشکده، از قوانین تحقیقات باز (قابل اطلاع‌رسانی به مردم) منطقه میزوری مستثنی نیست و همچنین مشمول تحقیقات بسته (بدون قابلیت اطلاع‌رسانی) مربوط به نظام آموزش و پرورش نخواهد بود؟

کارشناسان قوانین رسانه‌ها معتقدند این حکم علاوه بر آنکه سابقه دانشگاه را مخدوش خواهد کرد به تشکیل پرونده دیگری علیه مسوولان دانشگاه نیز منجر می‌شود. در نتیجه شهادت شهود مشخص شد:

● طنابی که گفته می‌شود به ورزشکار قربانی متصل بوده، باز نشده و در این خصوص اتهامی وارد نیست ؟

● چندین گزارش جنایی دیگر به پلیس اسپرینگ‌فیلد ارائه نشده است؟

● مواد مخدر یافت‌شده، جمع‌آوری و بدون اطلاع امحا شده‌اند؟

● پل کین کید، سخنگوی دانشگاه گفت: هیأت رئیسه این دانشگاه روز جمعه به منظور بررسی مسأله گردهم می‌آیند.

(کلود برژیت، یواس‌ای تودی)

سبک داستانی

تنظیم خبر به سبک روایی ـ داستانی[1] شبیه داستان کوتاه است. در این سبک، نویسنده دقیقاً از تمام تکنیک‌های قصه‌گویی (شخصیت‌پردازی، صحنه‌آرایی، موقعیت‌ها و نقطه اوج) بهره می‌برد با این تفاوت که همه آنچه را که می‌گوید حقیقت دارد و برعکس داستان و رمان ذهنی نیستند. بهترین کاربرد آن، زمانی است که شما یک خبر مهیج[2] برای گفتن

---

1. narrative
2. dramatic story

دارید. در این گونه خبرها گزارشگر به بیان جزئیات می‌پردازد و کردار مردم را به نمایش می‌گذارد. سبک روایی همچنین شامل نقل‌قول‌هایی است که شبیه دیالوگ هستند.

بعضی از اخبار داستانی، بلند هستند، امّا شما می‌توانید با استفاده از تکنیک‌های کوتاه‌نویسی -بویژه اگر خبری مهیج برای گفتن داشته باشید- به آن تنوع ببخشید. اخبار بلند می‌توانند مثل بخش‌هایی از یک کتاب باشند و برای روزنامه مناسب نیستند.

سبک داستانی (روایی) با تمرکز اصلی بر روی شروع مفصل خبر و مبتنی بر توالی و شامل گفتمان داستانی توسط شخصیت‌های درون خبر است. اگر چه، برخی نکات در شروع خبر، اهمیت موضوعی راکه خبر بر آن متمرکز شده، برای خواننده مشخص می‌کند.

خبر به سبک داستانی با یک روایت شروع می‌شود. همان‌گونه که از اسمش پیداست، اصول داستان‌نویسی در نگارش آن رعایت می‌شود.

خبر به سبک داستانی اصولاً یک شروع جذاب و یک پایان به‌یادماندنی و تأثیرگذار دارد. و در بخش میانی، داستان خبر به شکل روایی تداوم می‌یابد.

به یک مثال توجه کنید. (Rich, 2005:199)

لبخند جوپیک بی‌دندان است. دندان مصنوعی او در هتل نرمن، آخرین جایی که پیش از نقل مکان به مرلین در دو سال پیش و در محله پایین شهر اسپوکین زندگی می‌کرد، دزدیده شد.

مکیدن غذا بجای جویدن آن درکنار مبارزه با دیابت، جثه این مرد ۵۴ ساله را چروک کرده و وزنش را به ۸۰ پوند تقلیل داده. هیکلش نحیف و لاغر و لثه‌اش زخمی و دردناک شده است، ولی تمام اینها مانع نمی‌شود تا او

نیمه‌شب‌ها برای دوست خود همبرگر و پیاز سرخ نکند و یا تخت اضافی اتاقش را برای او آماده نکند.

جو می‌گوید: سعی می‌کنم اینجا برای خودم آشیانه کوچکی درست کنم.

داستان به همین ترتیب با ذکر جزئیات مشکلات و دشواری‌های زندگی جوپیک در مرلین ادامه می‌یابد. داستان با اظهارنظر مبتنی بر واقعیت پایان می پذیرد. و امّا آخر داستان:

از وقتی سه ماه پیش چند معتاد هروئینی و البته موش‌هایی به اندازه یک بچه انسان، میهمان اتاق مجاور جو شدند، اوضاع در مرلین بدتر هم شد. هر چند از دیدن آنها متنفر بود، امّا آنچه نگرانش می‌کند، نه معتادها، نه موش‌ها و نه خانه‌بدوشی، که دیابت لعنتی‌اش است. خونی که در مدفوع خود دیده و زخم‌های لثه‌اش او را واقعاً ترسانده‌اند. جو شک دارد که آیا بیمارستان‌هایی که کمی بالاتر از محله او واقع شده‌اند و پرسنل تمام آنها سفیدپوست هستند، یک سیاهپوست فقیر بی‌دندان را خواهند پذیرفت یا نه؟

جولی سالیوان، اسپوک من ریویو

سبک روایی ـ داستانی، واضح‌ترین مثال از نگارش خبر بدون استفاده از هرم خبری (هرم وارونه) است که در آن، خبر با لحظه‌ای دراماتیک آغاز می‌شود و تا انتها به همین شکل ادامه می‌یابد که اغلب هم به نکتهٔ اصلی داستان خبر وابسته است. به این نکته عنایت کافی داشته باشید که اگر روایت خبر را از انتهای آن قطع کنید، خبر را نابود کرده‌اید.» (هیکس، آدامز، گیلبرت، ۶۴:۱۳۸۶)

این روش از سبک هرم وارونه پیروی نمی‌کند. لید در خبر به سبک داستانی با نکاتی از این قبیل شروع می‌شود:

۱. با یک نکته احساسی
۲. یک لحظه گیرا و جذاب
۳. یک برخورد مهم
۴. یا یک روایت

به این مثال توجه کنید: (Rich, 2005:45)

کتاب‌ها را به سویشان پرتاب کنید

از این پس اگر کتاب را دیرتر از موعد مقرر به کتابخانه تحویل دهید، ممکن است دستگیر شوید. (زیرتیتر)

بوستون ـ رمان را بیندازید و از ماشین فاصله بگیرید. شما به جرم حمل کتابی به تأخیر افتاده بازداشت هستید. (لیدنرم)

از روز پنجشنبه، داشتن کتاب به تأخیر افتاده ممکن است موجب بازداشت شما توسط پلیس شود. به موجب قانون جدید، در صورت تأخیر ۳۰ روزه هر کتاب، اجازهٔ دستگیری شخص امانت‌برنده صادر می‌شود. طبق این قانون، بالاترین نرخ جریمه از ۵۰ دلار تا ۵۰۰ دلار افزایش می‌یابد. (نات‌گراف)

اگر چه این قانون، شرایطی را برای یک کتاب به تأخیرافتاده، تعریف نمی‌کند، امّا برای ربودن کتاب‌هایی با ارزش بیش از ۲۵۰ دلار، جریمه معادل ۲۵ هزار دلار یا ۵ سال زندان، مشخص کرده است.

گرگور ترنیکاوس رندان، مشاور امور مدیریت در ماساچوست، گفت: «کتابخانه‌ها به ابزارهای اجرایی قوی نیازمندند.»

وی افزود: هر کتابی که به کتابخانه برگردانده نشده باشد، باید جایگزین شود و این مبلغی است که از جیب مردم شهر پرداخت می‌شود، در حالی که می‌توان آن را برای مصارف دیگر هزینه کرد.

دیوید لینسکی، وکیل مدافعی در کمبریج، ضمن انتقاد از این عمل، گفت:

«به نظر من پلیس برای دستگیری تجاوزکاران و قاتلان به اندازه کافی مشکل دارد، چه رسد به دستگیری افرادی که کتاب‌های به تأخیر افتاده دارند.»
وی گفت: بنابراین دستورالعمل، نماینده قانونی مقیم کتابخانه بدون هیچ‌گونه برخورد و توهینی، مجاز به دستگیری افراد متخلف است، در حالی که این غیرقابل اجراست.
«اگر کارمند کتابخانه به پلیس بگوید که کتابی به تعویق افتاده دارد، پلیس قادر است، شما را در هر مکان عمومی دستگیر کند و دستبند بزند و این نمایش مهیبی است.»

آسوشیتدپرس

سبک داستانی مانند دیگر سبک‌های خبری مدرن دارای پایان غیرقابل حذف است، لزوماً نه به‌این علت که از اهمیت خیلی زیادی به لحاظ خبری برخوردار است، بلکه به‌این علت که نویسنده در این سبک نقطه پایانی جذاب و یا تأثیرگذار برای خبر ایجاد کرده است. به عبارت «و این نمایش مهیبی است» توجه کنید، لطفی به پایان خبر داده است که به راحتی قابل حذف نیست. بسیاری از خبرنگارانی که این سبک را برای تنظیم خبر در نظر می‌گیرند، قبل از هر چیز شروع و پایان آن را می‌نویسند و سپس پازل وسط را پر می‌کنند.

تفاوت سبک داستانی با دیگر سبک‌های مدرن

با توجه به آنچه گفته شد، ممکن است برای شما این سؤال پیش آمده باشد که تفاوت سبک داستانی با سبک‌هایی مثل ساعت شنی یا گیلاس و بقیه چیست؟ دو تفاوت یا مشخصه را در این زمینه می‌توان مطرح کرد:

۱. سبک‌هایی مثل ساعت شنی یا گیلاس می‌توانند برای همهٔ موضوعات سخت و نرم خبری مورد استفاده قرار گیرند. به عبارتی می‌توان خبری را که اقتصادی یا سیاسی و در رده سخت خبرها است به سبک ساعت شنی تنظیم کرد، امّا در سبک داستانی موضوع باید جنس داستانی داشته باشد، تنظیم به این سبک ما را به سمت اخبار فیچر و نرم‌خبرها سوق می‌دهد.

۲. در سبک داستانی ـ با حفظ تم داستان گونه ـ نویسنده، آزادی بیشتری در تعیین قالب دارد، در حالی که سبک‌های دیگر با قالب مشخص خود معنا پیدا می‌کنند. مثلاً اگر در سبک ساعت شنی شما هرم وارونه اول را آنگونه که تعریف شده است، اجرا نکنید عملاً از این سبک فاصله گرفته‌اید و یا در سبک گیلاس اگر از کیکر چرخشی (به سمت لید) در پایان خبر بهره نبرید، عملاً به سبک ساعت شنی خواهید رسید. امّا در سبک داستانی کافی است شما خبر را با کیفیتی که گفته شد، آغاز کنید، با سبک داستانی و روایی ادامه دهید و آن را به یک پایان جذاب ختم کنید.

در عین حال باید اعتراف کرد، بسیاری از کتاب‌هایی که در این زمینه توسط اهل فن نوشته شده، نویسندگان هنگام پرداختن به سبک‌هایی مثل ساعت شنی، گیلاس، یا بلوکی و... از ارائه سبک داستانی پرهیز کرده‌اند و یا کسانی که به سبک داستانی اشاره کرده‌اند، سبک‌های پیشرفته دیگر را فاکتور گرفته‌اند.

دلیل این مسأله نیز این است که گروه دوم سبک داستانی را کلی و دربرگیرنده همهٔ سبک‌های پیشرفته دیگر دانسته‌اند و گروه اول نیز با همین ذهنیت طرح سبک‌های پیشرفته، مانند ساعت شنی و... را با

رویکرد جزئی کردن سبک داستانی پیگیری کرده‌اند.

با وجود این به نظر می‌رسد سبک داستانی با همان دو مشخصه و تفاوتی که در بالا به آن اشاره شد، ارزش پرداختن به عنوان سبکی در کنار سبک‌های پیشرفته را دارد و از این جهت قابل توجه و تفکیک است.

ساختار مناسب برای شبکه اینترنت

برای دسترسی سریع خوانندگان به اطلاعات در اینترنت، ساختار هرم وارونه با لید حاوی نکته اصلی، رایج‌ترین شکل تنظیم خبر است. در عین حال، تمام ساختارهای داستانی را می‌توان با اصلاح و تعدیل در اینترنت به‌کار بست. پیش از آنکه تصمیم بگیرید چگونه خبر اینترنتی خود را بسازید، باید سازه آن را به هم بریزید. سپس با برش‌های منطقی و عناصر وابسته‌ای مانند اسناد صوتی، تصویری، پرسش‌های مؤثر بر یکدیگر و لینک‌های اتصالی به دیگر اطلاعات مربوطه، قسمت‌های مختلف داستان را سازماندهی کنید. (Rich, 2005:200)

تصمیم بگیرید که خبر را به چند تکه (از یک تا چهار بخش) تقسیم می‌کنید. هر بخش باید به خودی خود یک داستان طومارشکل مجزا باشد.

امّا حتی اگر داستان خبری خود را به چند بخش تقسیم می‌کنید، به خاطر داشته باشید که در بیشتر سایت‌های خبری، خواننده با انتخاب یک گزینه پرینت کلی خبر، می‌تواند تمام داستان را یک جا پرینت بگیرد. پس هنوز لازم است که ساختار کلی خبر را به ترتیب خطی آن ارائه دهید.

عناوین زیر به چند ساختار داستانی خبر، مناسب برای اینترنت اشاره دارند:

● هرم وارونه: افزودن عناوین جانبی (سوتیتر) با حروف ضخیم[1] به خواننده کمک می‌کند تا در متن خبر حرکت کند. می‌توانید هرم وارونه اینترنتی خود را به شکل چند تکه یا طوماری ارائه کنید.

● تکنیک فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی به خواننده اجازه می‌دهد تا سرعت اطلاعات مورد علاقه خود را در متن پیدا کند. از فهرست‌نویسی می‌توانید (در صورت لزوم) در هر یک از ساختارهای داستانی استفاده کنید.

● فرمول وال‌استریت ژورنال: این روش مشهور، در اینترنت به خوبی جواب می‌دهد امّا لازم است که نات‌گراف خبر را در بخش‌های بالایی و آغازین (ترجیحاً در پاراگراف سوم) بیاورید. این مسأله در داستان‌های دیگر که با لیدهای توصیفی ـ خبری (فیچر) آغاز می‌شوند نیز صدق می‌کند.

● تکنیک فصل‌بندی: این شیوه، برای اخبار طولانی در اینترنت مناسب است. هر بخش را به سه یا چهار قسمت کوچک‌تر تقسیم کنید، به‌گونه‌ای که بخش‌های به دست آمده، هریک حاوی یک نکته مهم باشند تا خواننده به‌کلیک کردن روی گزینه بعدی[2] ترغیب شود. در هر بخش همچنین از پایان‌های تعلیقی استفاده کنید.(Rich, 2005:200)

چهارضلعی معیار

در پایان گزارش یا داستان خبری خود لازم است یک بار کار خودمان را چک کنیم:

---

1. Bold
2. Next

● مهم‌ترین توصیه به روزنامه‌نگاران قبل از هر چیز پاسخ به این سؤال مهم است؛ خبر پیش‌رو با کدام سبک خبری درست‌تر از کار درخواهد آمد. پس ابتدا درباره سبک‌خبری خود بیندیشید، سپس؛

● شروع (لید): فرق نمی‌کند که از سبک‌های پایه استفاده کرده باشید یا سبک‌های جدید، مهم این است که در هر شرایطی یک شروع جذاب و یا مهم داشته باشید، به سخن «ان. دان ویکلیف[1]» نویسنده شیکاگو تریبیون عمل کنید که می‌گوید: «من برای نوشتن یک لید خوب جست‌وجو می‌کنم و همیشه بر این باور بوده‌ام که اگر دو ساعت برای نوشتن مطلبی وقت داشته باشم، بهترین کار این است که یک ساعت و ۴۵ دقیقه به نوشتن یک لید خوب اختصاص بدهم، چراکه بعد از آن همه چیز آسان می‌شود.» اگر پاسختان منفی است، حتی اگر تنظیم خبرتان پایان یافته است، دوباره شروع خبرتان را تغییر دهید.

● نات‌گراف: در بسیاری از گزارش‌های خبری و فیچر نات‌گراف یک جمله کلیدی است.

ـ آیا به‌این جمله پرداخته‌اید.

ـ آیا سعی کرده‌اید آن را قبل از پاراگراف چهارم جای‌گذاری کنید؟

● بدنه خبر: از این نکات برای ساخت میانه داستان خبری خود راهنمایی بگیرید:

ـ برای کنترل قدم‌هایتان، خبر را بلند بخوانید. آیا جملات بلند را در پی جملات کوتاه آورده‌اید؟ آیا پاراگراف‌هایتان را متنوع و با راه‌های مختلف آغاز کرده‌اید؟

---

1. N. Don Wycliffe.

ـ آیا خبر شما از جملات فراوان مشتمل بر بندهای متنوع ساخته شده است؟

ـ آیا فهرستی از جملات کوتاه مشتمل بر یافته‌ها و موضوعات طبقه‌بندی شده را جایگزین پاراگراف‌های بلند و خسته‌کننده کرده اید؟

ـ آیا از عبورهای ناقص اجتناب ورزیده‌اید؟ مجدداً بررسی کنید بدون نقل‌قول‌های طبیعی که به صورت عادی در پی توضیحات مربوطه می‌آیند، به بخش دیگر عبور نکنید.

● **پایان خبر:** این نکات شما را در پایان‌دهی هر چه بهتر راهنمایی می‌کند:

ـ آیا پایان داستان خبرتان را بازنویسی یا پالایش کرده‌اید؟ از یک آزمایش ساده با دست کمک بگیرید. دستتان را روی پاراگراف آخر بگذارید (آن را از چشم بپوشانید) و پس از خواندن یک یا دو پاراگراف قبل، ببینید که آیا می‌توانید پایان بهتری پیدا کنید؟ مطمئن شوید پایان خبر، نکاتی را از موضوعات قبلی را در خود جای داده باشد.

ـ آیا پایان داستان خبری شما آن قدر قوی هست که در خاطر بماند؟

ـ آیا آنقدر قوی هست که بتواند جایگزین لید شود؟

ـ آیا محتوای پایان خبر شما (نه ظاهر آن) وام گرفته از ماهیت داستان است؟

ـ آیا خبرتان را مانند یک کارنامه تحصیلی خلاصه کرده‌اید؟ اگر در پایان، اطلاعات را تکرار می‌کنید، داستان خبری خود را در آخرین نکته مهم یا واپسین نقل‌قول جالب ببندید.

● البته مواظب باشید خیلی طولش ندهید که ماهی بسوزد.

اگر شما به این نکات توجه کرده باشید، می‌توانید منتظر فصل درو بمانید، کسبِ اعتبار و حداقل برنده‌شدن در جشنواره‌های مطبوعاتی، و

دریافت عنوان اولی و گرفتن جایزه‌ای که به‌لحاظ مالی، برخی مواقع معادل شش ماه حقوق ناچیز حرفه‌ای‌تان است.

تمرین ۱.

سبک‌های تعریف شده را با این نگاه که می‌خواهید با سبک‌های دیگر مقایسه کنید، دوباره بخوانید و نقاط اشتراک و افتراق آنها را دو به دو مشخص کنید.

تمرین ۲.

قرار است به پزشکان اسپری دفاع شخصی داده شود. با استفاده از اطلاعات ارائه شده زیر، خبر خود را تنظیم کنید. با چه سبک هایی می‌توان آن را نوشت. بهترین سبک کدام است؟

- چند ماه پیش، رئیس سازمان نظام پزشکی گفته بود که برای بهبود شرایط امنیتی پزشکان و آمادگی آنان برای مقابله با خطرات جانی و مالی، مجوز وزارت کشور برای تجهیز آنان به اسپری دفاع شخصی صادر می‌شود
- بنابر اعلام سازمان نظام‌پزشکی، استفاده از گازاشک‌آور، فقط برای فرد تحویل‌گیرنده و در مواقع ضروری برای دفاع از خود و افراد خانواده در مقابل تعرضات مجاز است.
- داشتن و استفاده از گازاشک‌آور بر اساس دستورالعمل شورای عالی امنیت ملی ایران ممنوع است و پزشکان باید برای حمل آن، کارت مخصوص حمل را به همراه داشته باشند که از سوی سازمان نظام‌پزشکی صادر می‌شود.
- روز گذشته سازمان نظام‌پزشکی ایران با صدور اطلاعیه‌ای از پزشکان عضو این سازمان خواسته برای تهیه «اسپری دفاع‌شخصی» یا

گازاشک‌آور به واحدهای این سازمان مراجعه کنند.

ـ به پزشکان توصیه شده در ساختمان‌های دولتی، وسایل نقلیه عمومی و هواپیماها از بکارگیری گازاشک‌آور خودداری کنند.

ـ پزشکان باید بعد از استفاده از محتویات قوطی یا تمام شدن تاریخ مصرف گازاشک‌آور، قوطی آن را که شماره سریال آن در فرم دریافت گازاشک‌آور ثبت شده به همراه کارت حمل و گزارش نحوهٔ مصرف در اختیار سازمان نظام‌پزشکی قرار دهند.

ـ طبق این اطلاعیه، گازاشک‌آور پزشکان تهرانی در همان روز ارائه مدارک تحویل داده می‌شود.

ـ پزشکان متقاضی باید علاوه بر پر کردن فرم مربوط و ارائه یک قطعه عکس و فتوکپی شناسنامه، ۲۳ هزار تومان نیز به حساب سازمان نظام پزشکی واریز کنند.

ـ در فرم دریافت گازاشک‌آور، پزشکان علاوه بر ارائه مشخصات فردی، نظیر محل سکونت و محل کار و تلفن تماس، باید تعهد بدهند که مقررات مربوط به نگهداری و استفاده از آن را رعایت خواهند کرد.

تمرین ۳.

با استفاده از اطلاعات زیر یک خبر به سبک ساعت شنی تهیه کنید؛ این خبر از میامی هرالد، نهم آگوست ۱۹۹۸ برداشته شده است و نویسندگان آن کنی پیلوتو و مولی هنسی فیسک هستند. تنظیم شده این خبر از سایت poynter.org نقل شده است. در اینجا متن اصلی برای تمرین به هم ریخته شده است. در پیوست شماره یک نمونه تنظیم‌شده این خبر را خواهید دید، امّا لطفاً قبل از مراجعه به متن تنظیم‌شده، خودتان برای تنظیم اصولی خبر تلاش کنید: (تیتر فراموش نشود)

گزارش آخرین وحشیگری از زبان پلیس و همسایگان:

دنیس لیچ جمعه شب بعد از رفتن به یک بار در نزدیکی خانه‌اش از دست همسر سی و هفت ساله سابقش عصبانی شد. او شنبه بعدازظهر به خانه دو طبقه همسرش حمله کرد و با استفاده از یک چاقوی قصابی به تهدید وی پرداخت.

جویس لیچ که بسیار ترسیده بود به اتاق دیگر خانه که پدر و مادر لیچ در آن زندگی می‌کردند فرار کرد.

ریکا لیچ، مادر دنیس لیچ گفت عروسش هراسان وارد شده و فریاد زد: «او یک چاقو برداشته و می‌خواهد مرا بکشد!»

همان موقع، ایپریل لیچ پانزده ساله، یکی از شش فرزند آنها از فروشگاهی در نزدیکی خانه زنگ می‌زند.

جویس لیچ فریاد می‌زند: «پدرت می‌خواهد مرا بکشد!»

ایپریل تلفن را قطع کرد و به ۹۱۱ زنگ زد.

وقتی مأموران پلیس به خانه رسیدند، دنیس لیچ داشت همسر سابقش را با یک چاقو تعقیب می‌کرد.

سروان جان جورج از پلیس دیوی گفت پلیس به او دستور داد تا چاقو را به زمین بیندازد. امّا لیچ در عوض شروع به چاقو زدن به او کرد.

لیچ، سی و هفت ساله شنبه بعدازظهر پس از آنکه دستور پلیس منطقه دیوی را مبنی بر انداختن چاقویش نادیده گرفت و بالعکس برای چندین بار به سمت جویس لیچ، همسر سابقش یورش برد در مقابل منزل او در خیابان چهل و یکم جنوب‌غربی هدف گلوله قرار گرفت.

یکی از پلیس‌ها به طرف دنیس لیچ آتش گشود و او را از ناحیه زانو مصدوم کرد. همسایه‌ها گفتند با اینکه تیر خورده بود امّا به چاقوزدن به

همسر سابقش ادامه داد.

یک پلیس دیگر یا چند پلیس دیگر دوباره به‌او شلیک کردند، این بار تیر به سینه او خورد. لیچ به زمین افتاد و در کنار جاده مرد. پدر و مادرش از داخل خانه داشتند صحنه را تماشا می‌کردند.

پلیس دیوی نگفت که آیا بیش از یک پلیس به دنیس شلیک کرده است یا نه و حتی از نام بردن و افشای هویت پلیس یا پلیس‌هایی که به‌او شلیک کردند سرباز زد.

پدر و مادر دنیس لیچ و برخی از همسایگان شاهد این ضرب و شتم بودند.

دنیس لیچ در دم کشته شد. همسر سابقش که مدام در هنگام سوارشدن به آمبولانس از پلیس می‌پرسید: «چرا به‌او شلیک کردید؟» برای مداوا به بیمارستان مموریال رجینال درهالیوود منتقل شد، جایی که ساعاتی بعد نام او را در لیست بیماران عادی به ثبت رساندند.

همسایه‌ها می‌گویند حداقل صدای پنج شلیک گلوله را شنیده‌اند.

شانون شمیتزر یکی از همسایه‌ها گفت: «یک افسر پلیس جویس لیچ را به سمت آمبولانس برد، هنوز چاقو به یکی از شانه‌هایش چسبیده بود، به طرف پلیس برگشت و پرسید: او مرده؟ او مرده؟ چرا به‌او شلیک کردید؟»

در حالی که جویس به داخل آمبولانس هدایت می‌شد و پلیس دور تا دور جنازه دنیس لیچ را با نوار زردرنگ می‌بست، ایپریل لیچ و یک برادر دیگر از راه رسیدند.

همسایه‌ها گفتند دعوا و زدوخورد در خانواده لیچ موضوع جدیدی نیست. به‌گزارش پلیس دنیس لیچ در ماه مه به خاطر حمله خشونت‌آمیز

به همسر سابقش جریمه شده بود. او با استفاده از یک چکش پنجرهٔ خانه وی را شکسته و داخل شد و همسر سابقش را دور تا دور خانه تعقیب کرده و فریاد می‌زد «می‌خواهم بکشمت.»

دو برادر شروع به‌گریه کردند و به سمت مادر و پدر دویدند امّا پلیس آنها را از محوطه دور کرد.

پلیس ساعاتی بعد آنها را به بیمارستان مموریال رجینال نزد مادرشان برد.

دنیس و جویس سال‌ها در آن خانه که متعلق به پدر و مادر دنیس بود زندگی می‌کردند.

اشمیتزر گفت: «آنها در گذشته مشکلات زیادی داشتند.»

همسایه‌ها گفتند: «هنگامی که مشکلات آنها بیشتر شد اداره خدمات خانواده و بچه‌ها وارد میدان شد. دولت مدتی سرپرستی بچه‌ها را به عهده گرفت و آنها را به پرورشگاه سپرد.»

جویس لیچ در دانکین دانوتس، کمی آن‌طرف‌تر از خانه‌اش کار گیر آورد امّا دنیس لیچ نتوانست مشکل خود را حل کند.

در ماه مه، پلیس دیوی، لیچ را به خاطر آن حادثه حمله با چکش و توسل به خشونت خانگی جریمه کرد. او به نود روز زندان محکوم شد.

مادرش گفت: «او سه‌شنبه شب از زندان مرخص شد و به خانه آمد. قرار نبود به او اجازه ماندن بدهیم. امّا چه می‌شد کرد، سر وکله‌اش پیدا شده بود.»

گرچه اولین‌بار نبود که دنیس لیچ به طرز وحشیانه‌ای همسر سابقش را ترسانده بود؛ امّا این‌بار مطمئناً آخرین‌بار بود.

تمرین ۴.

خبر قبل را به سبک گیلاس نیز تنظیم کنید.

تمرین ۵.

از متن زیر استفاده کنید و خبری به سبک وال‌استریت ژورنال تهیه کنید. از آنجاکه این یک تمرین است، شما آزاد هستید از یک مورد خیالی به عنوان نمونه استفاده کنید. خبر از روزنامه «تهران امروز» روز ۱۸ فروردین ۱۳۸۶، ص ۳ استفاده شده است. کار خود را با پیوست ۲ مقایسه کنید.

نارضایتی مردم از اورژانس بیمارستان‌ها

گروه اجتماعی - در حالی که بررسی‌های انجام شده از رضایتمندی ۷۰ درصدی مردم از وضع بیمارستان‌ها حکایت می‌کند، اکثر نارضایتی‌ها اورژانس بیمارستان‌ها باز می‌گردد.

وزیر بهداشت و درمان با بیان این مطلب در جمع خبرنگاران گفت: مردم از نحوهٔ پذیرش، فضای فیزیکی و برخورد پرسنل غیرپزشکی در اورژانس‌ها ناراضی‌اند.

کامران باقری لنکرانی افزود: بررسی‌ها حدود ۷۰ درصد رضایت‌مندی مردم را از بیمارستان‌ها نشان می‌دهد. البته این آمار در بخش‌های مختلف متفاوت و بین ۵۰ تا ۹۰ درصد متغیر است. به گفته او بیشترین عامل نارضایتی مردم از وضعیت اورژانس بیمارستان‌ها نقطه بحران سلامت است و برای اصلاح این وضعیت باید بهبود فضای اورژانس‌ها و بهبود بخشیدن نوع خدمت‌رسانی به بیماران در دستور کار بیمارستان‌ها قرار گیرد.

او افزود: سال گذشته با وجود همه محدودیت‌ها و کسری بودجه ۱۴ هزار نیروی جدید در دو نوبت در وزارت بهداشت استخدام شدند و امسال هم همین روند ادامه می‌یابد.

وزیر بهداشت و درمان در حالی از نارضایتی مردم از وضعیت اورژانس در بیمارستان‌ها سخن می‌گوید که دبیرکل خانه پرستار بارها و بارها کمبود نیروی پرستار در بیمارستان‌ها و به خصوص بخش اورژانس را مهم‌ترین عامل نارضایتی مردم از نحوهٔ خدمت‌رسانی بیمارستان‌ها ذکر کرده بود.

محمد شریفی‌مقدم در این‌باره به خبرنگار «تهران امروز» می‌گوید: متأسفانه هر سال در بخش استخدامی وزارت بهداشت کمترین سهمیه به پرستاران تعلق می‌گیرد.

او می‌افزاید: تمام امیدواری ما این است که در سال جدید وزارت بهداشت توجه بیشتری به بخش پرستاری داشته و نیروی بیشتری را استخدام در آورد. دبیرکل خانه پرستار خاطرنشان می‌کند: «بیمارستان‌های ما هنوز از نظر تعداد پرستار با استاندارد جهانی فاصله زیادی دارند.»

تمرین ٦.

با استفاده از سبک فصل‌بندی، خبر زیر را تنظیم کنید. ضمناً می‌توانید بجای استفاده از اشکال گرافیکی برای تقسیم خبر از میان تیتر استفاده کنید. پس از انجام این تمرین، کار خود را با نمونه (پیوست ۳) مقایسه کنید.

صدام‌حسین، رهبر پیشین عراق، به اعدام با چوبه‌دار محکوم شد.

در جلسه پایانی دادگاه که روز یکشنبه ۵ نوامبر در میان تدابیر شدید

امنیتی در بغداد، پایتخت عراق، برگزار شد، قاضی رئیس جمهور سابق عراق را به جرم «جنایت علیه بشریت» به اعدام محکوم کرد.

حکم اعدام صدام با خرسندی و شادی بسیاری از شیعیان روبه‌رو شد. در شهرک صدر مردم در خیابان به شادی و پایکوبی پرداختند.

برعکس، در مناطق سنی‌نشین مانند شهر تکریت هواداران صدام‌حسین بی‌توجه به مقررات منع عبور و مرور، با حمل تصاویر او در خیابان تظاهرات کردند.

خبرنگاران می‌گویند کمتر کسی در عراق فکر می‌کند که صدور حکم صدام به فروکش کردن خشونت‌ها کمکی بکند.

در این جلسه رهبر سابق عراق به دادگاه، قاضی دادگاه و نیروهای اشغالگر خارجی به سرکردگی آمریکا ناسزا گفت. او پس از اعلام حکم دادگاه، شعار داد و فریاد زد: «زنده باد عراق و ملت عراق... مرگ بر خائنین ... مرگ بر متجاوزین... الله اکبر...»

بنا به‌گزارش‌ها صدام‌حسین پس از اعلام حکم در دادگاه گفت ترجیح می‌دهد در برابر جوخه اعدام قرار گیرد.

جلسه پایانی دادگاه صدام‌حسین در شرایطی برگزار شد که دولت عراق به دلیل نگرانی از بروز خشونت از سوی هواداران وی در میان گروه‌های سنی، در بغداد و استان‌های مجاور مقررات منع رفت و آمد اعلام کرده و مرخصی کلیه خدمه ارتش را لغو کرده بود.

نوری‌مالکی نخست وزیر عراق ضمن استقبال از حکم اعلام شده دربارهٔ رهبر پیشین عراق، در نطقی تلویزیونی گفت: این حکم، محکومیت تنها یک نفر نیست، بلکه به مثابه «محکومیت یک دوران سیاه» است.

جورج، بوش رئیس جمهور آمریکا حکم دادگاه را اقدامی مهم خواند

که گذار مردم عراق را «از حکومت جباران به حکومت قانون» هموار خواهد کرد.

امّا اتحادیه اروپا مخالفت خود را با حکم اعدام صدام‌حسین اعلام کرده و از رهبران عراق خواسته است از اجرای آن خودداری ورزند و به سوی آشتی گام بردارند.

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت، دو کشوری که عراق در زمان صدام‌حسین به آنها حمله نظامی انجام داد، از حکم اعدام او استقبال کرده‌اند.

دولت ایران اعدام را مجازاتی شایسته برای صدام دانسته است. سخنگوی پارلمان کویت هم ابراز امیدواری کرد که این حکم هرچه زودتر اجرا شود.

در این جلسه برادر ناتنی صدام‌حسین، برزان ابراهیم تکریتی، و یک قاضی ارشد دادگاه انقلاب عراق در زمان حکومت صدام‌حسین نیز به اعدام با طناب‌دار محکوم شدند.

همچنین طاها (طه) یاسین رمضان، معاون رئیس جمهور در زمان صدام‌حسین به حبس ابد محکوم شد و سه مقام دیگر حزب بعث به دلیل «نقش داشتن در کشتار دجیل» به پانزده سال زندان محکوم شدند.

در اولین حکم صادر شده از سوی دادگاه، یکی از مقام‌های حزب بعث در دجیل به دلیل «کمبود مدارک» تبرئه شد.

صدام حسین در این پرونده، به‌کشتار ۱۴۸ نفر از شیعیان در روستای دجیل متهم بود. این کشتار در سال ۱۹۸۲ و در پی تلاش نافرجام پیکارجویان شیعه برای ترور صدام در این روستا صورت گرفت.

در برابر، حکم اعدام صدام در بیشتر کشورهای عربی با واکنش منفی

روبه‌رو شد. دولت سوریه حکم اعدام صدام را ناموجه و غیرمعتبر خواند.

تمرین ۷.

با استفاده از اطلاعات زیر خبری به‌سبک فهرست‌نویسی تهیه کنید. سپس کار خودتان را با پیوست ۴ مقایسه کنید.

رضا ناجی، بازیگر فیلم «آواز گنجشک‌ها» به‌کارگردانی مجید مجیدی شنبه شب در مراسم پایانی جشنواره فیلم برلین موفق به دریافت جایزه خرس‌نقره‌ای این جشنواره شد.

پیش از او حنا مخملباف هم به خاطر فیلم «بودا از شرم فرو ریخت» موفق به دریافت جایزه صلح از این جشنواره شده بود.

«جوخه برتر»، فیلمی که به ماجرای گروهی پلیس فاسد در برزیل می‌پردازد جایزه اصلی این جشنواره را دریافت کرد.

سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی اغلب با استقبال روبه‌رو شده و جز دوره‌های محدودی معمولاً هر ساله جوایزی را کسب کرده است.

با این همه معمولاً جوایز به فیلم و کارگردان اختصاص داشته و بازیگران ایرانی در این زمینه خیلی خوش‌اقبال نبوده‌اند. جایزه رضا ناجی جزو مهم‌ترین جوایزی است که نصیب یک بازیگر ایرانی شده است.

رضا ناجی در فیلم «آواز گنجشک‌ها»، نقش یک کارگر مزرعه پرورش شترمرغ را در یکی از روستاهای نزدیک به تهران ایفا می‌کند که به خاطر فرار کردن یک شترمرغ از کار بیکار می‌شود و دست تقدیر او را برای مسافرکشی با موتور به تهران می‌کشاند.

او هر روز از تهران اجناس اسقاطی به خانه‌اش می‌آورد و در اندک زمانی تپه‌ای از اجناس دست دوم در گوشه حیاط خانه‌اش درست می‌کند و یک روز از بالای آن وسایل سقوط می‌کند و بستری می‌شود.

رابطه او با همسر و فرزندانش نیز محور دیگری از فیلم را تشکیل می‌دهد. او هر روز نشانه‌هایی از شترمرغ را می‌بیند تا اینکه یک روز خبر می‌آورند که شترمرغ بازگشته است و می‌تواند سر کار برگردد.

بازی روان و جاافتاده رضا ناجی در این نقش در نمایش فیلم در برلین مورد توجه واقع شد. این هنرپیشه ایرانی دربارهٔ نقش خود در فیلم «آواز گنجشک‌ها» نیز گفت: «من با این نقش خیلی خوب کنار آمدم زیرا فیلمنامه را به درستی قبل از آغاز کار مطالعه کرده بودم و شهر تهران را هم می‌شناختم و بنابراین مشکلی برای اجرای آن نداشتم.»

پیش از این فیلم «بودا از شرم فرو ریخت» ساخته حنا مخملباف جایزه صلح پنجاه و هشتمین جشنواره فیلم برلین را دریافت کرد. این جایزه که مبلغ آن، ۵ هزار یورو است از سوی بنیاد هاینریش بل آلمان به مخملباف اهدا می‌شود.

فیلم دیگر ایرانی که در جشنواره برلین حضور داشت، «سه زن» به کارگردانی منیژه حکمت بود.

این فیلم توانست از «خونی ریخته خواهد شد» فیلم رقیبش که نامزد جایزه اسکار نیز شده است، پیشی بگیرد.

با این همه پل توماس اندرسون نیز جایزه خرس‌نقره‌ای را به عنوان بهترین کارگردان برای فیلم «خونی ریخته خواهد شد» دریافت کرد.

تمرین ۸.

به سبک داستانی، خبر زیر را تنظیم کنید. سپس کار خود را با پیوست ۵ مقایسه کنید. خبرهای داستانی خیلی قابل‌تغییر و جابجایی نیستند به همین علت در خبر زیر شما تغییرات زیادی با اصل خبر نخواهید دید. با کمی هوشمندی و دقت، تنظیم درست

آن وقت‌گیر نخواهد بود. یکی دو جمله هم حذف کرده‌ایم چراکه مربوط به اطلاعات خبر نبوده بلکه نمکی بوده که نویسنده خبر خودش به آن افزوده است. اگر شما هم در جایی خوش‌ذوقی‌تان گل کرد می‌توانید تا حد متعارف در این رابطه اقدام کنید.

خط ۹۱۱ اورژنس پلیس زنگ می‌خورد. مأمور پیام‌گیر پلیس جواب می‌دهد و می‌پرسد چه اتفاقی افتاده است. آن سوی خط کسی پاسخ نمی‌دهد. سکوت کرده است. مأمور پیام‌گیر می‌تواند تنها صدای نفس‌های عمیق آن سوی خط را بشنود. آشکارا مشخص است که شخصی به خطر افتاده است.

رئیس پلیس منطقه، مارتین استالمیر که در گشت به سر می‌برد، توسط کامپیوتر پلیس مطلع می‌شود که تماس تلفنی از منزل فرانک و پائولا گریکز گرفته شده است. استالمیر ظرف ۲۰ ثانیه به خانه گریگزها می‌رسد. تماس هنوز برقرار است. فرد ناشناس هنوز نفس عمیق می‌کشد. گویی هنوز کمک می‌خواهد.

استالمیر وارد خانه می‌شود و فریاد می‌زند: «پلیس اینجاست» وی اتاق به اتاق خانه را می‌گردد. او می‌داند که شخصی به‌کمک احتیاج دارد.

مأمور پیام‌گیر از طریق تلفن صدای پای او را می‌شنود که نزدیک می‌شود. استالمیر مطمئن است که پشت در با موقعیت سارق، قاتل و یا شاید هم یک قربانی حمله قلبی مواجه خواهد شد.

بلیز، یک سگ شش ماهه اصلاح نژاد شده از نوع لابرادور که خیلی هم پرانرژی نشان می‌داد، در یک حرکت توانسته بود گوشی تلفن دیواری را برداشته و به نحوی شماره ۹۱۱ را بگیرد.

صاحبان بلیز از زمان این اتفاق تا به حال هنوز صحبتی دال بر محدود ساختن امتیاز شگفت‌آور این سگ در شماره‌گیری تلفن نکرده‌اند ولی

به هر حال بهتر است آنها به سگ‌شان شماره‌های ویژه‌ای مثل سری‌های ۹۰۰ یا شبکه خریدهای خانگی را یاد ندهند.

داستان پلیسی، دراماتیک و مهیج بالا احتمالاً به سبک و سیاق سریال تلویزیونی «نجات ۹۱۱» حل شدنی نیست. ولی هر چه هست از پایان هفته گذشته که این ماجرا اتفاق افتاد، میان مردم ناحیه الدریج بر سر زبان‌ها افتاده است.

پیوست‌ها

○ هنگامی که به همسر سابقش چاقو زد
گلوله‌ها شلیک شدند

○ مردم از اورژانس بیمارستان‌ها ناراضی‌اند

○ صدام حسین به اعدام محکوم شد

○ خرس نقره‌ای جشنواره برلین اسیر تاجی شد

○ تلفن مرموز، پلیس را به اشتباه انداخت

پیوست (۱)

هنگامی که به همسر سابقش چاقو زد گلوله‌ها شلیک شدند

نوشته «کنی پیلوتو» و «مولی هنسی نیسک»
میامی هرالد
نهم آگوست ۱۹۹۸

گرچه اولین بار نبود که دنیس لیچ به طرز وحشیانه‌ای همسر سابقش را ترسانده بود؛ امّا این بار مطمئناً آخرین‌بار بود.

لیچ، ۳۷ ساله، شنبه بعدازظهر پس از آنکه دستور پلیس منطقه دیوی را مبنی برانداختن چاقویش نادیده گرفت و بالعکس برای چندمین‌بار به سمت جویس لیچ، همسر سابقش یورش برد، در مقابل منزل او در خیابان چهل و یکم جنوب غربی هدف گلوله قرار گرفت.

دنیس لیچ در دم کشته شد. همسر سابقش که مدام در هنگام سوارشدن به آمبولانس از پلیس می‌پرسید: «چرا به او شلیک کردید؟» برای مداوا به بیمارستان مموریال رجینال در هالیوود منتقل شد، جایی که ساعاتی

بعد نام او را در لیست بیماران عادی به ثبت رساندند.

پدر و مادر دنیس لیچ و برخی از همسایگان شاهد این ضرب و شتم بودند. همسایه‌ها گفتند دعوا و زد و خورد در خانواده لیچ موضوع جدیدی نیست.

به‌گزارش پلیس، دنیس لیچ در ماه مه به خاطر حمله خشونت‌آمیز به همسر سابقش جریمه شده بود. او با استفاده از یک چکش پنجره خانه وی را شکسته و داخل شد و همسرسابقش را دور تا دور خانه تعقیب کرده و فریاد می‌زد «می‌خواهم بکشمت.»

در پنج پاراگراف اول خبر تمامی اطلاعاتی راکه خواننده نیاز دارد تا بداند به او داده شده است. پلیس مردی را که به دستور او برای انداختن چاقو اقدام نکرد و به ضربه زدن به همسر سابقش ادامه داد با شلیک گلوله کشت. بالای خبر به پنج سؤال اساسی چه کسی، کی، کجا و چه شده، چرا و همچنین به درستی به «چگونگی» آن پاسخ داده است. یک ویژگی خواص این لید یعنی همان پاراگراف اول، این است که از «لید خلاصه» معمول دور شده است: «پلیس مردی اهل دیوی راکه فرمان او را در مورد انداختن چاقویش اطاعت نکرده بود کشت.» برعکس، گزارشگر با ارائه یک تصویر و با استفاده از یک شیوه غیرمستقیم به جمع‌بندی موقعیت نهایی خبر با پایان تکانده آن کرده است.

پلیس و همسایگان گزارش آخرین وحشیگری خانگی او را این‌گونه تشریح کردند. دنیس لیچ جمعه شب بعد از رفتن به یک بار در نزدیکی خانه‌اش از دست همسر سی و هفت ساله سابقش عصبانی شد. او شنبه بعدازظهر به خانه دو طبقه همسرش حمله کرد و با استفاده از یک چاقوی قصابی به تهدید وی پرداخت.

جویس لیچ که بسیار ترسیده بود به اتاق دیگر خانه که پدر و مادر لیچ در آن زندگی می‌کردند فرار کرد.
ربکا لیچ، مادر دنیس لیچ گفت عروسش هراسان وارد شده و فریاد زد: «او یک چاقو برداشته و می‌خواهد مرا بکشد!»
همان موقع، ایپریل لیچ پانزده ساله یکی از شش فرزند آنها از فروشگاهی در نزدیکی خانه زنگ می‌زند.
جویس لیچ فریاد می‌زند: «پدرت می‌خواهد مرا بکشد!»
ایپریل تلفن را قطع کرد و به ۹۱۱ زنگ زد.
وقتی ماموران پلیس به خانه رسیدند دنیس لیچ داشت همسر سابقش را با یک چاقو تعقیب می‌کرد.
سروان جان جورج از پلیس دیوی گفت پلیس به او دستور داد تا چاقو را به زمین بیندازد. امّا لیچ در عوض شروع به چاقو زدن به او کرد.
یکی از پلیس‌ها به طرف دنیس لیچ آتش گشود و او را از ناحیه زانو مصدوم کرد. همسایه‌ها گفتند با اینکه تیر خورده بود امّا به چاقو زدن به همسر سابقش ادامه داد.
یک یا چند پلیس دیگر دوباره به او شلیک کردند، این بار تیر به سینه او خورد. لیچ به زمین افتاد و در کنار جاده مرد. پدر و مادرش از داخل خانه داشتند صحنه را تماشا می‌کردند.
پلیس دیوی نگفت که آیا بیش از یک پلیس به دنیس شلیک کرده است یا نه و حتی از نامبردن و افشای هویت پلیس یا پلیس‌هایی که به او شلیک کردند سرباز زد.
همسایه‌ها می‌گویند حداقل صدای شلیک پنج گلوله را شنیده‌اند.
شانون شمیتزر یکی از همسایه‌ها گفت: «یک افسر پلیس جویس لیچ را

به سمت آمبولانس برد، هنوز چاقو به یکی از شانه‌هایش چسبیده بود، به طرف پلیس برگشت و پرسید: او مرده؟ او مرده؟ چرا به او شلیک کردید؟»

در حالی که جویس به داخل آمبولانس منتقل می‌شد و پلیس دور تا دور جنازه دنیس لیچ را با نوار زردرنگ می‌بست، ایپریل لیچ و یک برادر دیگر از راه رسیدند.

دو برادر شروع به گریه کردند و به سمت مادر و پدر دویدند امّا پلیس آنها را از محوطه دور کرد.

پلیس، ساعاتی بعد آنها را به بیمارستان مموریال رجینال نزد مادرشان برد.

دنیس و جویس سال‌ها در آن خانه که متعلق به پدر و مادر دنیس بود زندگی می‌کردند.

اشمیتزر گفت: «آنها در گذشته مشکلات زیادی داشتند.»

همسایه‌ها گفتند: «هنگامی که مشکلات آنها بیشتر شد اداره خدمات خانواده و بچه‌ها وارد میدان شد. دولت مدتی سرپرستی بچه‌ها را به عهده گرفت و آنها را به پرورشگاه سپرد.»

جویس لیچ در دانکین دانوتس، کمی آن‌طرف‌تر از خانه‌اش کار گیر آورد امّا دنیس لیچ نتوانست مشکل خود را حل کند.

در ماه مه، پلیس دیوی، لیچ را به خاطر آن حادثه حمله با چکش و توسل به خشونت خانگی جریمه کرد. او به ۹۰ روز زندان محکوم شد.

مادرش گفت: «او سه‌شنبه شب از زندان مرخص شد و به خانه آمد. قرار نبود به او اجازه ماندن بدهیم. امّا چه می‌شد کرد، سروکله‌اش پیدا شده بود.»

پیوست (۲)

مردم از اورژانس بیمارستان‌ها ناراضی‌اند

زن میانسالی با فریادهای مداومش که با شیون و زاری همراه است، توجه همه را به خود جلب کرده است و در کنار او بچه خرسالی نیز اشک می‌ریزد؛ اینجا بخش اورژانس بیمارستان... تهران است، او فریاد می‌زند، شوهرش در حال مرگ روی دستش مانده و حدود نیم ساعت است که هیچ کس به او رسیدگی نمی‌کند، اکرم ایمانی زن سیه‌چرده چهل ساله می‌گوید: شوهرش مسموم شده و در آستانه مرگ قرار دارد.

از گوشه و کنار سالن همدردی با این زن نگران در حال اوج گرفتن است. مردم حاضر هر یک به نوع برخورد، و نحوهٔ سرویس‌دهی اورژانس اعتراض دارند.

اعتراض و نارضایتی از خدمات اورژانس بیمارستان‌ها به نظر می‌رسد به یک بیمارستان محدود نمی‌شود و گویا مسوولان امر نیز این موضع را تایید می‌کنند.

بالاترین مقام اجرایی بهداشت کشور دیروز در جمع خبرنگاران اعتراف

کرد: مردم از نحوه پذیرش، فضای فیزیکی و برخورد پرسنل غیرپزشکی در اورژانس‌ها ناراضی‌اند.
کامران باقری لنکرانی گفت: بررسی‌ها حدود ۷۰ درصد رضایتمندی مردم را از بیمارستان‌ها نشان می‌دهد. البته این آمار در بخش‌های مختلف متفاوت و بین ۵۰ تا ۹۰ درصد متغیر است. به‌گفته او بیشترین عامل نارضایتی مردم از وضعیت اورژانس بیمارستان‌ها نقطه بحران سلامت است و برای اصلاح این وضعیت باید بهبود فضای اورژانس‌ها و بهبود بخشیدن نوع خدمت‌رسانی به بیماران در دستور کار بیمارستان‌ها قرار گیرد.
او افزود: سال گذشته با وجود همه محدودیت‌ها و کسری بودجه ۱۴ هزار نیروی جدید در دو نوبت در وزارت بهداشت استخدام شدند و امسال هم همین روند ادامه می‌یابد.
وزیر بهداشت و درمان در حالی از نارضایتی مردم از وضعیت اورژانس در بیمارستان‌ها سخن می‌گوید که دبیرکل خانه پرستار بارها و بارها کمبود نیروی پرستار در بیمارستان‌ها و به خصوص بخش اورژانس را مهم‌ترین عامل نارضایتی مردم از نحوهٔ خدمت‌رسانی بیمارستان‌ها ذکر کرده است.
محمد شریفی‌مقدم در این باره به خبرنگار «تهران امروز» می‌گوید: متاسفانه هر سال در بخش استخدامی وزارت بهداشت کمترین سهمیه به پرستاران تعلق می‌گیرد.
او می‌افزاید: تمام امیدواری ما این است که در سال جدید وزارت بهداشت توجه بیشتری به بخش پرستاری داشته باشد و نیروی بیشتری را به استخدام درآورد. دبیرکل خانه پرستار خاطرنشان می‌کند: بیمارستان‌های ما هنوز از نظر تعداد پرستار با استاندارد جهانی فاصله

زیادی دارد.
در این حال مردم معتقدند که علاوه کمبود در این زمینه، پرستاران و کارکنان اورژانس از آموزش لازم نیز برخوردار نیستند. حسن اعتمادزاده لیسانسه که بچه‌اش را به‌واسطه سوختگی ناشی از گر گرفتن بخاری به اورژانس منتقل کرده، می‌گوید: آنها به‌شدت عصبی هستند و به‌جای آنکه مردم نگران و هراسان را دلداری دهند، سر مردم داد می‌کشند و به آنها جواب سربالا می‌دهند.
اکرم ایمانی اکنون آرام گرفته، روی صندلی انتظار نشسته است؛ وقتی از او می‌پرسم مشکل همسرتان حل شد یا خیر؟ تنها با تاسف سری تکان می‌دهد.

پیوست (۳)
صدام‌حسین به اعدام محکوم شد

صدام حسین، رهبر پیشین عراق، به اعدام با چوبه‌دار محکوم شد.
در جلسه پایانی دادگاه که روز یکشنبه ۵ نوامبر در میان تدابیر شدید امنیتی در بغداد، پایتخت عراق، برگزار شد، قاضی، رئیس جمهور سابق عراق را به جرم «جنایت علیه بشریت» به اعدام محکوم کرد.
در این جلسه رهبر سابق عراق به دادگاه، قاضی دادگاه و نیروهای اشغالگر خارجی به سرکردگی آمریکا ناسزا گفت. او پس از اعلام حکم دادگاه، شعار داد و فریاد زد: «زنده‌باد عراق و ملت عراق... مرگ بر خائنین... مرگ بر متجاوزین... اللّه اکبر...»
بنا به‌گزارش‌ها صدام‌حسین پس از اعلام حکم در دادگاه گفت که ترجیح می‌دهد در برابر جوخه‌اعدام قرار گیرد.
جلسه پایانی دادگاه صدام‌حسین در شرایطی برگزار شد که دولت عراق به دلیل نگرانی از بروز خشونت از سوی هواداران وی در میان گروه‌های سنی، در بغداد و استان‌های مجاور مقررات منع رفت و آمد اعلام کرده و

مرخصی کلیه خدمه ارتش را لغو کرده بود.

نخستین واکنش‌ها

نوری‌مالکی نخست وزیر عراق ضمن استقبال از حکم اعلام شده دربارهٔ رهبر پیشین عراق، در نطقی تلویزیونی گفت: این حکم، محکومیت تنها یک نفر نیست، بلکه به مثابه «محکومیت یک دوران سیاه» است.

جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا حکم دادگاه را اقدامی مهم خواند که گذار مردم عراق «از حکومت جباران به حکومت قانون» را هموار خواهد کرد.

امّا اتحادیه اروپا مخالفت خود را با حکم اعدام صدام‌حسین اعلام کرده و از رهبران عراق خواسته است از اجرای آن خودداری ورزند و به سوی آشتی گام بردارند.

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت، دو کشوری که عراق در زمان صدام‌حسین به آنها حمله نظامی انجام داد، از حکم اعدام او استقبال کرده‌اند.

دولت ایران اعدام را مجازاتی شایسته برای صدام دانسته است. سخنگوی پارلمان کویت ابراز امیدواری کرد که این حکم هرچه زودتر اجرا شود.

در برابر، حکم اعدام صدام در بیشتر کشورهای عربی با واکنش منفی روبه‌رو شد.

دولت سوریه حکم اعدام صدام را ناموجه و غیرمعتبر خواند.

حکم اعدام صدام با خرسندی و شادی بسیاری از شیعیان روبه‌رو شد. در شهرک صدر اهالی در خیابان به شادی و پایکوبی پرداختند.

برعکس، در مناطق سنی‌نشین مانند شهر تکریت هواداران صدام‌حسین

بی‌توجه به مقررات منع عبور و مرور، با حمل تصاویر او در خیابان تظاهرات کردند.
خبرنگاران بی.بی.سی می‌گویند کمتر کسی در عراق فکر می‌کند که صدور حکم اعدام برای صدام به فروکش کردن خشونت‌ها کمک کند.

حکم متهمان دیگر

در این جلسه برزان ابراهیم تکریتی برادرناتنی صدام‌حسین، و یک قاضی ارشد دادگاه انقلاب عراق در زمان حکومت صدام‌حسین نیز به اعدام با طناب‌دار محکوم شدند.
همچنین طاها (طه) یاسین‌رمضان، معاون رئیس جمهور در زمان صدام‌حسین به حبس‌ابد محکوم شد و مقام دیگر حزب بعث به دلیل «نقش داشتن در کشتار دجیل» به ۱۵ سال زندان محکوم شدند.
در اولین حکم صادر شده از سوی دادگاه، یکی از مقام‌های حزب بعث در دجیل به دلیل «کمبود مدارک» تبرئه شد.
صدام‌حسین در این پرونده، به‌کشتار ۱۴۸ نفر از شیعیان در روستای دجیل متهم بود. این کشتار در سال ۱۹۸۲ و در پی تلاش نافرجام مبارزان برای ترور صدام در این روستا صورت گرفت.

پیوست (۴)

خرس‌نقره‌ای جشنواره برلین اسیر ناجی شد

رضا ناجی بازیگر فیلم «آواز گنجشک‌ها» به‌کارگردانی مجید مجیدی شنبه‌شب در مراسم پایانی جشنواره فیلم برلین موفق به دریافت جایزه خرس‌نقره‌ای این جشنواره شد.

سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی، اغلب با استقبال روبه‌رو شده و جز دوره‌های محدودی معمولاً هرساله جوایزی راکسب کرده است.

با این همه معمولاً جوایز به فیلم و کارگردان اختصاص داشته و بازیگران ایرانی در این زمینه خیلی خوش‌اقبال نبوده‌اند. جایزه رضا ناجی جزو مهم‌ترین جوایزی است که نصیب یک بازیگر ایرانی شده است.

رضا ناجی در فیلم «آواز گنجشک‌ها»، نقش یک کارگر مزرعه پرورش شترمرغ را در یکی از روستاهای نزدیک تهران ایفا می‌کند که به خاطر فرار کردن یک شترمرغ از کار بیکار می‌شود و دست تقدیر او را برای مسافرکشی با موتور به تهران می‌کشاند.

او هر روز از تهران اجناس اسقاطی به خانه‌اش می‌آورد و در اندک‌زمانی

تپه‌ای از اجناس دست‌دوم در گوشه حیاط خانه‌اش درست می‌کند و یک روز از بالای آن وسایل سقوط می‌کند و بستری می‌شود.
رابطه او با همسر و فرزندانش نیز محور دیگری از فیلم را تشکیل می‌دهد. او هر روز نشانه‌هایی از شترمرغ را می‌بیند تا اینکه یک روز خبر می‌آورند که شترمرغ بازگشته است و او می‌تواند به سر کار برگردد.
بازی روان و جاافتاده رضا ناجی در این نقش در نمایش فیلم در برلین مورد توجه واقع شد.
این هنرپیشه ایرانی دربارهٔ نقش خود در فیلم «آواز گنجشک‌ها» نیز گفت: «من با این نقش خیلی خوب کنار آمدم زیرا فیلمنامه را به درستی قبل از آغاز کار مطالعه کرده بودم و شهر تهران را هم می‌شناختم و بنابراین مشکلی برای اجرای آن نداشتم.» برندگان دیگر این جشنواره عبارت بودند از:

- «جوخه برتر»، فیلمی که به ماجرای گروهی پلیس فاسد در برزیل می‌پردازد جایزه اصلی این جشنواره را دریافت کرد.
- پل توماس اندرسون نیز جایزه خرس‌نقره‌ای را به عنوان بهترین کارگردان برای فیلم «خونی ریخته خواهد شد» دریافت کرد.
- پیش از این فیلم «بودا از شرم فرو ریخت» ساخته حنا مخملباف جایزه صلح پنجاه و هشتمین جشنواره فیلم برلین را دریافت کرد. این جایزه که مبلغ آن، ۵ هزار یورو است از سوی بنیاد هاینریش بل آلمان به مخملباف اهدا می‌شود.
- دیگر فیلم ایرانی که در جشنواره برلین حضور داشت، فیلم «سه زن» به کارگردانی منیژه حکمت بود. این فیلم توانست از «خونی ریخته خواهد شد» فیلم رقیبش که نامزد جایزه اسکار نیز شده است، پیشی بگیرد.

پیوست (۵)

تلفن مرموز، پلیس را به اشتباه انداخت

داستان پلیسی، دراماتیک و مهیج زیر احتمالاً به سبک و سیاق سریال تلویزیونی «نجات ۹۱۱» حل شدنی نیست. ولی هر چه هست از پایان هفته گذشته که این ماجرا اتفاق افتاد، میان مردم ناحیه الدریج بر سر زبان‌ها افتاده است.

خط ۹۱۱ اورژانس پلیس زنگ می‌خورد. مأمور پیام‌گیر پلیس جواب می‌دهد و می‌پرسد چه اتفاقی افتاده است؟

آن سوی خط کسی پاسخ نمی‌دهد. سکوت کرده است. مأمور پیام‌گیر می‌تواند تنها صدای نفس‌های عمیق آن سوی خط را بشنود. آشکارا مشخص است که شخصی به خطر افتاده است.

رئیس پلیس منطقه، مارتین استالمیر که در گشت به سر می‌برد، توسط کامپیوتر پلیس مطلع می‌شود که تماس تلفنی از منزل فرانک و پائولا گریکز گرفته شده است. استالمیر ظرف ۲۰ ثانیه به خانه گریکزها می‌رسد.

تماس، هنوز برقرار است. فرد ناشناس هنوز نفس عمیق می‌کشد. گویی هنوز کمک می‌خواهد.

استالمیر وارد خانه می‌شود و فریاد می‌زند: «پلیس اینجاست» وی اتاق به‌اتاق خانه را می‌گردد. او می‌داند که شخصی به‌کمک احتیاج دارد.

مأمور پیام‌گیر از طریق تلفن صدای پای او را می‌شنود که نزدیک می‌شود.

استالمیر مطمئن است که پشت در با موقعیت سارق، قاتل و یا شاید هم یک قربانی حمله قلبی مواجه خواهد شد.

درست در همین جا، اگر این یک فیلم بود، دوربین باید روی صورت عرق‌کرده استالمیر زوم می‌کرد و موسیقی فیلم هم باید در راستای افزایش هیجان و تنش ساخته می‌شد تا شما همزمان مواجه شدن استالمیر با این صحنه دیوانه می‌شدید. کدام صحنه، مواجه شدن استالمیر با چه؟ با چه؟...

بلیز یک سگ شش ماهه اصلاح نژاد شده از نوع لابرادور که خیلی هم پرانرژی نشان می‌داد، در یک حرکت کاملا سگی(!) توانسته بود گوشی تلفن دیواری را برداشته و به نحوی شماره ۹۱۱ را بگیرد.

صاحبان بلیز از زمان این اتفاق تا به حال هنوز صحبتی دال بر محدود ساختن امتیاز شگفت‌آور این سگ در شماره‌گیری تلفن نکرده‌اند ولی به هرحال بهتر است آنها به سگ‌شان شماره‌های ویژه‌ای مثل سری‌های ۹۰۰ یا شبکه خریدهای خانگی را یاد ندهند. (Rich, 2005:191)

منابع فارسی:

بروس دی. ایتول و اندرسون، داگلاس ای و یوکو، اندرائیو و پترستون، توماس ای. **نرم‌خبر و سخت‌خبر**، ترجمهٔ محمدرضا نوروزپور، تهران: انتشارات ثانیه، ۱۳۸۴.

بهره‌مند، برمک: www.jadidnews.com

بیمن، جیم. **مصاحبه رادیویی**، ترجمهٔ احمد ارژمند، چاپ اول، تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا، ۱۳۸۳.

پاترنوسترو، سیلوانا، **رؤیای نوشتن**، ترجمهٔ مژده دقیقی، تهران: انتشارات جهان‌کتاب، ۱۳۸۰.

پریدمور، جف. **الفبای کار در رسانه‌ها**، چاپ اول، ترجمهٔ بی‌تا غفاری، تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۳.

تامسون (بنیاد)، به سفارش یونیسف، **«کودکان و زنان در اخبار»** تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها (جزوه).

توکلی، احمد و بخشنده، احسان. **مصاحبه حرفه‌ای**، چاپ اول، انتشارات ثانیه، ۱۳۸۵.

توکلی، احمد. **مصاحبه خلاق**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۷.

توکلی، احمد. **مثلث طلایی نوشتن**، چاپ دوم، تهران: انتشارات ثانیه، ۱۳۸۵.

رویترز (بنیاد)، **راهنمای خبرنگاری**، ترجمهٔ برمک بهره‌مند، نسخه pdf سایت: www.jadidnews.com.

شکرخواه، یونس. **خبر**، چاپ هشتم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳.

گایار، فیلیپ، فن روزنامه‌نگاری، ترجمهٔ فضل‌الله جلوه، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

گنز، ج. هربرت، دمکراسی و خبر ترجمهٔ دکتر علیرضا دهقان، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.

هیکس، وینفورد و آدامز، سالی و گیلبرت، هریت. روزنامه‌نویسی، ترجمهٔ علیرضا باستانی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۶.

وارد، مایک. روزنامه‌نگاری الکترونی، ترجمهٔ دکتر علی‌اصغر کیا، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۸۴.

منابع لاتین:

Rich,Carole,2005, **Writing and Reporting news,** Thomson Wadsworth.

Wilber,Rick,Miller,Randy,2003, **Modern Media Writing** Thomson Wadsworth.

Poynter: http//www.poynter.org/column.asp?id=52&aid=38300

Potter, Deborah (2006): http//www.america.gov/persian/publications/books/handbook-of-independent-journalism.html.

نمایه موضوعی

نمایه اعلام

Dr. Ahmad Tavakoli

Advanced Newswriting

Newswriting style
News Feature
Soft & hard

Tehran – Iran

2 0 1 0

Printed in Iran
www.saniehpress.ir
ISBN: 978-964-95894-7-3

ADVANCED NEWSWRITING

امید است این کتاب بتواند - حتی به طور اندک - دیدگاه خبرنگاران ما را نسبت به خبر تغییر دهد. دیدگاهی که صرفا مسوول محور و عاشق شخصیت است و بر همین اساس به ناچار مجبور است اخبار خود را بر سخت‌خبرها استوار کند. مثال‌های کتاب اگر مورد توجه و دقت خبرنگاران قرار گیرد، مشخص خواهد شد که اصولا زوایه نگاه ما به خبر از اساس متفاوت ـ اگر نگوییم اشتباه- است و شاید بتوان آن را یکی از دلایل روزنامه‌زدگی مردم و پایین بودن تیراژ مطبوعات در ایران دانست. بویژه به روزنامه‌نگاران با سابقه توصیه می‌کنم، فصل دوم را که بیشتر به فیچرهای خبری در رسانه‌ها پرداخته از همین زاویه، با عنایت بیشتری مورد مطالعه قرار دهند. کتاب در دو بخش نوشته شده است؛ بخش اول مبانی پایه را به ساده ترین شکل توضیح داده است و بخش دوم بر تکنیک‌های خبرنویسی پیشرفته و مبانی نوشتاری آن تاکید دارد.



احمد توکلی، ۱۳۳۶، طبس
دکترای مدیریت رسانه
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکز

سایر آثار منتشره:

- گزارش نویسی در مطبوعات
- ویراستاری و مدیریت اخبار
- مصاحبه خلاق
- مثلث طلایی نوشتن
- مصاحبه حرفه‌ای (به همراه احسان بخشنده)
- زبان تخصصی برای دانشجویان علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری (به همراه دکتر سید وحید عقیلی)

انتشارات ثانیه
sanieh press
ISBN 978-964-95894-7-3